

## "جمع بندی موضوعی گرامر کنکور"

# جلسه اول: مرور زمانها

- زمان حال استمراری: درس ۲ پایه نهم
- زمان حال ساده: درس ۴ پایه نهم
- زمان گذشته ساده: درس ۵ و ۶ پایه نهم
- زمان آینده ساده: درس ۱ پایه دهم
- زمان گذشته استمراری: درس ۳ پایه دهم
- زمان حال کامل: درس ۲ پایه یازدهم
- زمان گذشته کامل: درس ۳ پایه دوازدهم (برای نظام جدید: اختیاری)

تألیف و گردآوری:

## جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

تیرماه ۹۹

# دانشگاه فایول های پیشتر در کانال تلگرامی کلاب کنکوری

## ترتیب اجزای جمله در جملات مثبت زبان انگلیسی:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل	فعل کمکی	فاعل
----------	----------	----------	-------	-----	----------	------

نکته ۱: مهمترین و اصلی ترین افعال کمکی در زبان انگلیسی عبارتند از:

**am, is, are, was, were, will, would, have, has, had**

( به مرور، هنگام بررسی زمانهای مختلف، با تمامی افعال کمکی و کاربردهای آنها در جمله آشنا می شویم.)

نکته ۲: در بین زمانهای زبان انگلیسی، فقط زمان "**حال ساده**" و "**گذشته ساده**" دارای فعل کمکی نیستند. برای سؤالی کردن سایر زمانها، جای فعل کمکی و فاعل را با هم عوض میکنیم و برای منفی کردن آنها، بعد از فعل کمکی قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن، **n't** را اضافه میکنیم.

## انواع زمانها در زبان انگلیسی:

در زبان انگلیسی جمعاً "**۱۶ زمان**" مختلف داریم:

زمانهای حال	زمانهای گذشته	زمانهای آینده	زمانهای آینده در گذشته
حال ساده	گذشته ساده	آینده ساده	آینده در گذشته ساده
حال استمراری	گذشته استمراری	آینده استمراری	آینده در گذشته استمراری
حال کامل	گذشته کامل	آینده کامل	آینده در گذشته کامل
حال کامل استمراری	گذشته کامل استمراری	آینده کامل استمراری	آینده در گذشته کامل استمراری

## فرمول اصلی جملات مثبت زمانهای مورد نیاز در کنکور:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل اصلی	فعل کمکی	فاعل	زمان
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	-	فاعل	حال ساده
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل دوم فعل	-	فاعل	گذشته ساده
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	will	فاعل	آینده ساده
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	am / is / are	فاعل	حال استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	was / were	فاعل	گذشته استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل	have / has	فاعل	حال کامل
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل	had	فاعل	گذشته کامل

**۱- زمان حال استمراری "Present Continuous Tense"**

برای بیان کاری که هم اکنون در حال انجام آن هستیم از "زمان حال استمراری" استفاده می کنیم:  
**فرمول جملات مثبت زمان حال استمراری:**

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل <b>ing</b> دار	فعل کمکی <b>am / is / are</b>	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	-------------------------------	------

**نکته:** برای فاعل های سوم شخص مفرد (he, she, it) از **is** و برای I از **am** و برای بقیه فاعل ها از **are** استفاده می کنیم.

"آنها دارند آب پرتقال می نوشند."  
 They **are drinking** orange juice.

"من الان دارم سخت درس هایم را مطالعه می کنم."  
 I **am studying** my lessons hard now.

**سوآلی و منفی کردن حال استمراری:** برای سوآلی کردن جمله am, is, are را به ابتدای جمله می آوریم و برای منفی کردن جمله بعد از آنها قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن **n't** را مینویسیم.

"آیا او الان دارد انگلیسی صحبت می کند؟"  
**Is she speaking** English now?

"او الان در حال صحبت کردن انگلیسی نیست."  
 She **isn't speaking** English now.

کلمات و عبارات زمانی زیر مشخصه زمان حال استمراری هستند:

<i>at the moment</i>	در حال حاضر	<i>at the present</i>	در حال حاضر
<i>now</i>	حالا	<i>right now</i>	همین حالا

**۲- زمان حال ساده "Simple Present Tense"**

برای بیان کارهای روزمره، تکرار، عادات و حقایق علمی از "زمان حال ساده" استفاده می کنیم.

**فرمول جملات مثبت زمان حال ساده:**

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	------

من همیشه کتابهایم را در کتابخانه می خوانم .  
 I **study** my lessons in the library **every** afternoon.

"او هر روز در پارک فوتبال بازی میکند."  
 He **plays** football in the park **every** day.

"روزهای جمعه به مادربزرگم سر می زنم."  
 I **visit** my grandmother on **Fridays**.

**نکته ۱:** در زمان حال ساده همیشه برای فاعل های سوم شخص مفرد که ضمیر فاعلی آنها (it/ she / he) میباشد، به فعل جمله **s** یا **es** سوم شخص اضافه می کنیم (مانند مثال ۲ در بالا)

**مشخصه های زمان حال ساده عبارتند از:**

- ترکیب **every** و **each** (هر) با قید زمان
- ایام هفته به صورت جمع
- قیدهای تکرار

مثال: هر هفته **every week** هر ساله **each year**

مثال: یکشنبه ها **on Sundays**

<b>always</b>	همیشه	<b>usually</b>	معمولاً	<b>often</b>	اغلب
<b>sometimes</b>	گاهی اوقات	<b>hardly</b>	به ندرت	<b>never</b>	هرگز

"من معمولاً روزهای پنجشنبه به پارک می روم."  
 I **usually** go to the park on Thursdays.



سوآلی و منفی کردن حال ساده: این زمان دارای فعل کمکی نمیباشد و برای سوآلی کردن زمان حال ساده از "do" به معنی (آیا) و برای منفی کردن از فعل کمکی "don't" به معنی (ن) استفاده می کنیم:

They **speak** English in class every session. "آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت می کنند."

**Do** they **speak** English in class every session? "آیا آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت می کنند؟"

They **don't speak** English in class every session. "آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت نمی کنند."

**نکته ۲:** در جملات زمان حال ساده هر گاه فاعل جمله یکی از سوم شخصهای مفرد باشد برای سوآلی کردن جمله از "does" و برای منفی کردن جمله از "doesn't" استفاده میکنیم:

She usually **eats** pizza for lunch. "او معمولاً برای نهار پیتزا میخورد."

**Does** she usually **eat** pizza for lunch? "آیا او معمولاً برای نهار پیتزا می خورد؟"

She **doesn't** usually **eat** pizza for lunch. "او معمولاً برای نهار پیتزا نمی خورد."

پس دقت کنیم که در هنگام سوآلی کردن و منفی این زمان، برای فاعلهای سوم شخص مفرد (it / she / he) از **does** و **doesn't** و برای بقیه فاعلهای از **do** و **don't** استفاده می کنیم.

**نکته ۳:** سوم شخص مفرد فقط در جملات "مثبت زمان حال ساده" برای فاعلهای سوم شخص مفرد بکار برده میشود و هرگز در هیچ یک از زمانهای دیگر بکار برده نمیشود.

**نکته ۴:** بعد از افعال کمکی do و does ، don't و doesn't همواره "شکل ساده فعل" بکار برده میشود. و وجود آنها در تستها، مشخصه زمان حال ساده میباشد.

**نکته ۵:** برای سوآلی و منفی کردن جملات زمان حال ساده که فعل آنها am, is, are باشد از همین افعال to be استفاده می کنیم (چون فعل کمکی هم هستند یعنی نیازی به آوردن do و does و حالت منفی آنها نیست).

They **are** very clever and kind. "آنها خیلی باهوش و مهربان هستند."

**Are** they very clever and kind? "آیا آنها خیلی باهوش و مهربان هستند؟"

They **aren't** very clever and kind. "آنها خیلی باهوش و مهربان نیستند."

**نکته ۶ (منحصراً زبان):** برای عناوین و سرتیترهای روزنامه ها و مجلات از زمان حال ساده استفاده میکنیم.

**۳- زمان گذشته ساده "Simple Past Tense"**

برای بیان کاری که در زمان گذشته انجام شده و به پایان رسیده (تمام شده) از "گذشته ساده" استفاده می کنیم.

**فرمول جملات مثبت زمان گذشته ساده:**

فاعل	شکل دوم فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	-------------	-------	----------	----------	----------

I **played** football in the park yesterday. "دیروز در پارک فوتبال بازی کردم."

طریقه ساختن زمان گذشته ساده: قاعده کلی این است که به آخر فعل «ed» اضافه کنیم (مانند مثال بالا) اما بعضی افعال از این قاعده پیروی نمی کنند که به آنها "افعال بی قاعده" می گوئیم و باید گذشته آنها را حفظ کنیم. به مثال زیر توجه کنید:

We **ate** a good dinner at an Italian restaurant **last** night. "دیشب در یک رستوران ایتالیایی شام خوبی خوردیم."

در این مثال از فعل بی قاعده **ate** استفاده کردیم که گذشته eat است.



مشخصه زمان گذشته ساده در تستها عبارتند از:

(۱) yesterday (دیروز) و قیدهای زمان گذشته

(۲) ترکیب last (گذشته) با یک قید زمان، مانند: last night دیشب

(۳) ترکیب ago با یک قید زمان، مانند two years ago (دو سال پیش)

سؤالی و منفی کردن گذشته ساده: این زمان هم همانند زمان حال ساده فعل کمکی ندارد و برای سؤالی کردن جمله از فعل کمکی **did** (آیا) و برای منفی کردن جمله از فعل کمکی **didn't** (ن) استفاده می کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

She **drank** some milk last night. "او دیشب مقداری شیر نوشید."  
شکل دوم فعل

Did she **drink** some milk last night? "آیا او دیشب مقداری شیر نوشید؟"  
شکل ساده فعل

She **didn't drink** some milk last night. "او دیشب مقداری شیر ننوشید."  
شکل ساده فعل

**نکته ۱:** هنگام سؤالی و منفی کردن گذشته ساده باید فعل اصلی جمله را به "شکل ساده" تبدیل شود. پس شکل دوم فعل فقط در جملات مثبت این زمان بکار برده میشود.

**نکته ۲:** برای سؤالی و منفی کردن جملات زمان گذشته ساده که فعل آنها was و were باشد از خود همین افعال to be استفاده می کنیم (چون خودشان فعل کمکی هم هستند یعنی نیازی به آوردن did و didn't نیست):

They **were** very clever and kind. "آنها خیلی باهوش و مهربان بودند."

**Were** they very clever and kind? "آیا آنها خیلی باهوش و مهربان بودند؟"

They **weren't** very clever and kind. "آنها خیلی باهوش و مهربان نبودند."

## "Simple Future Tense"

## ۴- زمان آینده ساده

تعریف زمان آینده ساده: به عملی اشاره می کند که در آینده صورت می گیرد. آینده ای که بدون تصمیم و برنامه ریزی قبلی انجام خواهد شد و با فعل کمکی "will" ساخته می شود. مخفف will بصورت ("ll") نوشته میشود.

ساختار جملات مثبت زمان آینده ساده:

فاعل	فعل کمکی will	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	---------------	--------------	-------	----------	----------	----------

They **will save** nature in the future. "آنها طبیعت را در آینده نجات خواهند داد."

He **will travel** to Europe soon. "او به زودی به اروپا سفر خواهد کرد."

سؤالی و منفی کردن آینده ساده: برای سؤالی کردن زمان «آینده ساده» فعل کمکی "will" را به ابتدای جمله منتقل کرده و برای منفی کردن زمان «آینده ساده» بعد از فعل کمکی "will"، از "not" استفاده میکنیم یا آن را به صورت مُخَفَّف یعنی **won't** به کار برد.

Will Ali **save** his money to buy a new book? "آیا علی پولش را برای خرید یک کتاب جدید ذخیره خواهد کرد؟"

Raman **will not** (won't) **have** an exam tomorrow. "رامان فردا امتحان نخواهد داشت."

مشخصه زمان آینده ساده در تستها:

- ۱- will - won't (به زودی) soon - ۲
- ۳- later (بعداً)
- ۴- قید زمان آینده مانند tomorrow future - ۵ (آینده)
- ۶- next با قید زمان مانند: next week

**نکته ۱:** از ساختار "be going to" به معنای "قصد داشتن" برای اشاره به برنامه ریزی و تصمیم قبلی که قرار است در آینده صورت بگیرد. استفاده می شود. (برای بیان قصد و تصمیم انجام عملی در آینده). این ساختار جانشین will شده و پس از این ساختار هم، «شکل ساده فعل» می آید.

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	(am / is / are) going to	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	--------------------------	------

My parents have enough money. They **are going to buy** a big house in Mahabad next month.  
 "والدینم پول کافی دارند. آنها قصد دارند ماه آینده در مهاباد یک خانه بزرگ بخرند."

When I see you this afternoon, I **am going to show** you my new car.  
 "اگر امروز غروب تو را ببینم، ماشین جدیدم را به تو نشان خواهم داد."

**نکته ۲:** برای بیان پیش بینی عملی در آینده که نشانه های وقوع آن در زمان حال وجود دارد. ("با دلیل و مدرک").

There are a lot of dark clouds in the sky! It is going to **rain**.  
 "ابرهای تیره خیلی زیادی در آسمان وجود دارد. می خواهد باران ببارد."

**نکته ۳:** فعل "be" با توجه به فاعل جمله به "am/is/are" تبدیل می شود. برای سؤالی کردن be going to کافی است یکی از فعل های کمکی "am/is/are" به ابتدای جمله منتقل شود و برای منفی کردن هم بعد از "am/is/are" از "not" استفاده می شود

Raman **is** going to **study** tomorrow. "رامان قصد دارد فردا مطالعه کند."

**Is** Raman going to **study** tomorrow evening? "آیا رامان قصد دارد فردا مطالعه کند؟"

Raman **isn't** going to **study** tomorrow evening. "رامان قصد ندارد فردا مطالعه کند."

## تفاوت فعل کمکی "will" با ساختار "be going to":

### کاربردهای "will":

(۱) برای بیان عملی که در زمان آینده، از قبل برای آن برنامه ریزی نشده باشد:

Call me next week. Maybe I'll **be** free. "هفته آینده بهم زنگ بزن. شاید وقتم آزاد باشه."  
 در این مثال Maybe (شاید) نشان میدهد که هیچگونه برنامه ریزی انجام نشده است.

(۲) برای بیان یک تصمیم آنی و بدون فکر قبلی:

A: The phone is ringing. "تلفن داره زنگ میخوره."  
 B: I **will answer** it. "من جواب خواهم داد."

A: I don't have enough money. "من پول کافی ندارم."  
 B: No problem. I **will give** you some. "مشکلی نیست. من بهت قرض خواهم داد."

(۳) برای بیان پیشنهاد، خواهش و تقاضا:

Raman **will help** you tomorrow if you like. "اگر دوست داشته باشی رامان فردا بهت کمک خواهد کرد."

(۴) برای بیان درخواست مؤدبانه و دعوت از **will you** استفاده میشود.



"آیا در روز دوشنبه در جشن تولدم حضور پیدا میکنید؟ Will you attend my birthday celebration on Monday?"

۵) اگر از روی دادن حالتی یا انجام عملی در آینده اطمینان داشته باشیم:

Alfred is in grade 7 this year. He **will be** in grade 8 next year.

"آلفرد امسال کلاس هفتمه. سال آینده در کلاس هشتم خواهد بود."

۶) برای پیش بینی احتمالی آینده بر طبق حدس و نظر شخصی خودمان:

Do you think they **will win** the match on Monday?

"آیا فکر میکنی آنها روز دوشنبه برنده رقابت خواهند شد؟"

I'm not sure. Maybe he **will like** my idea.

"مطمئن نیستم. احتمال داره او از ایده من خوشش بیاد."

۷) در جواب شرط، جملات شرطی نوع اول (درس ۳ سال یازدهم) از فعل کمکی will استفاده میکنیم.

If you study hard, you **will pass** your exams.

"اگه به سختی مطالعه کنی، در امتحانات قبول خواهی شد."

کاربردهای ساختار "be going to":

این ساختار به قصد و نیت و برنامه از پیش تعیین شده و برای پیش بینی حوادث آینده بر اساس شواهد موجود بکار میرود.

She **is going to** buy a nice car in next week.

"او قصد دارد هفته آینده یک ماشین خوب بخرد."

نکته: هرگاه در یک تست "I know" یا معادلهای آن آمده باشد بدان معنیست که گوینده جمله، از آن مسأله یا موضوع از قبل مطلع بوده و برای آن برنامه ریزی کرده یا تصمیماتی اندیشیده است. پس در این حالت فقط از "be going to" استفاده میکنیم.

A: The windows are dirty.

"پنجره ها کثیف هستند."

B: Yes, I know, I **am going to clean** them later.

"میدونم. قصد دارم بعداً آنها را تمیز کنم."

اما اگر از "کلمه نمیدانستم" "I didn't know" و یا "فراموش کردم" "I forgot" استفاده شود، بدان معناست که شخص در لحظه تصمیم میگیرد پس در این حالت فقط "will" درست میباشد که بیانگر تصمیم آنی فرد برای انجام کاری میباشد.

A: Did you mail that letter for me?

"آیا نامه را برایم پست کردی؟"

B: Sorry, I completely forgot, I **will do** it soon.

"شرمنده، کاملاً فراموش کردم. بزودی آنها را انجام خواهم داد."

نکاتی مخصوص کنکور منحصراً زبان:

۱) هر وقت لازم باشد در مورد یک برنامه تلویزیونی، رادیویی و... یا جدول زمانی قطار، هواپیما و... مربوط به آینده صحبت کنیم و در جمله، قید زمان آینده، آمده باشد بجای "آینده ساده" از "زمان حال ساده" استفاده میکنیم:

The movie **starts** at 8:30 tonight.

"فیلم امشب ساعت ۸:۳۰ شروع میشود."

The train **arrives** at 5 this afternoon.

"قطار در ساعت ۵ بعد از ظهر خواهد رسید."

۲) نمایانگر قول و قسمی است که توسط فاعل جمله داده شده است: (تمایل یا عدم تمایل)

I promise I **won't come** back home late.

"قول میدم دیگه دیر به خانه برنگردم."

I swear I'll **pay** you back soon.

"قسم میخورم به زودی پولت را برگردانم."

۳) هنگامیکه صحبت از برنامه ریزی های شخصی و قطعی است و در مورد مکان و زمان انجام آن عمل از قبل تصمیم گیری شده باشد، میتوانیم به جای be going to از "زمان حال استمراری" هم استفاده کنیم. در این حالت حتماً باید قید زمان مربوط به آینده در جمله وجود داشته باشد:

They **are traveling** to Europe next summer.

"آنها قصد دارند تابستان آینده به اروپا سفر کنند."

What **are you doing** tonight?

"امشب چکار میکنی؟ (برنامه ت چیه)."

I'm **meeting** my friends for dinner tonight.

"من امشب دوستانم را برای شام خواهم دید."

۴) حرف اضافه (in) چنانچه قبل از قید زمان بکار برده شود، جمله در "زمان آینده ساده" خواهد بود:

He **will be** at home **in** 3 hours.

"او سه ساعت دیگر در خانه خواهد بود."



**Past Continuous Tense** - ۵- زمان گذشته استمراری

از این زمان برای بیان عملی که در گذشته به صورت استمرار گرفته باشد، استفاده میشود.

**ساختار جملات مثبت زمان گذشته استمراری:**

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ing دار فعل	افعال کمکی was / were	فاعل
----------	----------	----------	-------	-----------------	-----------------------	------

فعل کمکی "was" برای فاعلهای مفرد و فعل کمکی "were" برای فاعلهای جمع و مخاطب بکار میرود.

"او دیروز از ساعت ۶ تا ۸ مشغول تماشای یک فیلم بود." He **was watching** a movie yesterday from 6 to 8.  
 "سال گذشته همین موقع ما داشتیم از برزیل دیدن میکردیم." This time last year we **were visiting** Brazil.

**سؤالی و منفی کردن زمان گذشته استمراری:** برای سؤالی کردن این زمان تنها کافیسست که (was/were) را به ابتدای جمله بیآوریم و برای منفی کردن بعد از این افعال کمکی، قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن یعنی **n't** را بلافاصله بعد آنها اضافه کنیم:

**Were you watching** television at 10 o'clock last night?  
 "آیا در ساعت ده دیشب مشغول تماشای تلویزیون بودی؟"

او دیروز ساعت ده مشغول مطالعه کردن نبود. He **wasn't studying** at 8 o'clock yesterday

**مهمترین کاربردهای زمان گذشته استمراری (کاربردها خیلی شبیه هم هستند!!!):**

**(۱)** برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته انجام شده و برای مدتی ادامه داشته است. (زمان دقیق شروع و پایان مشخص نیست)  
 "دیروز این موقع داشتم با دوستم حرف می زدم." I **was talking** to my friend at this time yesterday.

**(۲)** برای اشاره به عملی که در گذشته در حال انجام شدن بوده است و در این بین عمل دیگری اتفاق افتاده باشد.

She **was cleaning** her room **when** somebody **knocked** at the door.  
 "او داشت اتاقش را تمیز می کرد که یک نفر در زد."

**(۳)** برای بیان کاری است که در یک زمان مشخص در حال انجام بوده است ولی تمام شدن آن را در آن لحظه بیان نمیشود:

We **heard** a horrible noise outside **while** we **were shopping**.  
 "موقعی که داشتیم خرید می کردیم، صدای مهیبی را از بیرون شنیدیم."

**(۴)** برای اشاره به عملی ناتمام در گذشته که پایان آن ذکر نشده باشد:

I **was watching** a good movie during my flight.  
 "من در طی پرواز یک فیلم خوبی را تماشا میکردم."  
**(۵)** برای توصیف شرایط و اوضاع در زمان گذشته:

When we arrived in London, the sun **was shining**.  
 "هنگامیکه به لندن رسیدم، خورشید در حال درخشیدن بود."

**نتیجه گیری مهم:** زمان گذشته استمراری اکثراً با جمله های زمان "**گذشته ساده**" ترکیب میشود تا نشان دهد که در خلال انجام کاری در گذشته، یک عمل کوتاه و لحظه ای انجام گرفته است. در این حالت جمله ی گذشته استمراری نقش پس زمینه، برای جمله زمان گذشته ساده را بازی میکند. فعل استفاده شده در عباراتی که با **when** می آید، معمولاً "**گذشته ساده**" و با **while** معمولاً **گذشته استمراری** به کار می رود.

"داشتم تنیس بازی می کردم که دوستم زنگ زد." **When** my friend **phoned** me, I **was playing** tennis.  
 "موقعی که داشتم تنیس بازی می کردم، دوستم تلفن زد." **While** I **was playing** tennis, my friend **phoned** me.

**نکته ۱:** به جای **while** میتوان در ساختار بالا از **as** و حتی از **when** استفاده کرد:

"هنگامیکه آنها خواب بودند، پدرشان به خانه برگشت." **As they were sleeping**, their father **came** home



**نکته ۲:** چنانچه دو عمل در گذشته هر دو به صورت همزمان در حال انجام گرفتن باشند، هر دو طرفین کلمه ربط **while** و یا **as** به صورت زمان گذشته استمراری بیان میشوند.

They ----- to the radio **while** their mother ----- them their breakfast.  
 a) were listening / was preparing                      b) were listening / prepared  
 c) listened / was preparing                                d) listened / prepared

"آنها در حال گوش دادن به رادیو بودند در حالیکه مادرشان مشغول آماده کردن صبحانه بود."  
 جواب این تست با توجه به نکته شماره دو، یعنی دو عمل که به طور موازی در حال انجام گرفتن بوده اند، گزینه **a** خواهد بود.  
**While** my mother was cooking dinner at the kitchen, I was studying my lessons.  
 "در حالیکه مادرم در آشپزخانه مشغول پختن شام بود، من در حال مطالعه کردن درسهایم بودم."

**نکته ۳:** برای بیان عملی که در گذشته چندین بار تکرار شده باشد از زمان گذشته ساده استفاده میکنیم:  
 Mr. Kazemi **went** to Paris five times last year.                      "سال گذشته آقای کاظمی ۵ بار به پاریس رفت."

دانش آموزان عزیز لطفاً سعی کنید فرمولهای مهم زیر را حفظ کنید:

گذشته استمراری , گذشته ساده <b>When</b>
گذشته ساده <b>when</b> گذشته استمراری
گذشته ساده , گذشته استمراری <b>While</b>
گذشته استمراری <b>While</b> گذشته ساده

## ۶- زمان حال کامل (ماضی نقلی) "Present Perfect Tense"

از این زمان برای اشاره به عملی که در گذشته انجام گرفته و اثر و نتیجه آن تا زمان حال باقی مانده باشد، یا آن عمل تا حال ادامه پیدا کرده باشد، استفاده میکنیم. فرمول این زمان عبارت است از:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (p.p.)	افعال کمکی <b>have / has</b>	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	------------------------------	------

"ما از سال ۱۳۵۶ در بوکان زندگی کرده ایم."  
 We **have lived** in Boukan since 1356.  
 "پدرش به مدت ۱۵ سال در آن اداره کار کرده است."  
 His father **has worked** in that office for 15 years.

**نکته ۱:** چنانچه فاعل جمله یکی از سوم شخصهای فرد باشد از فعل کمکی **has** و برای سایر فاعلها از **have** استفاده میکنیم.  
 مخفف **have** بصورت (**'ve**) و مخفف **has** بصورت (**'s**) نوشته میشوند.

**سؤالی و منفی کردن این زمان:** برای سؤالی کردن این زمان افعال کمکی **have / has** را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان ، بعد از افعال کمکی قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن **n't** را اضافه میکنیم.  
 "آیا تکلیفت را انجام داده ای؟"  
**Have you done** your homework?  
 "در چند ماه گذشته باران نباریده است."  
 It **hasn't rained** in the last few months.

**نکته ۲:** شکل سوم فعل همان اسم مفعول میباشد (past participle). چنانچه فعلی با قاعده باشد، شکل سوم آن "**ed**" میگیرد و چنانچه بی قاعده باشد تغییر ظاهر داده و میبایستی آنها را حفظ کرد.





۸- until now , so far , till now , up to now به معنی "تاکنون، تا به حال" در انتها یا در اول جملات این زمان میآیند:

He's written two letters **so far**. "او تا به حال دو نامه را نوشته است."  
زمان حال کامل

۹- recently = lately به معنی "اخیراً" در ابتدا، قبل از فعل اصلی، یا در انتهای جمله زمان حال کامل میآیند:

Have you written to him **lately**? "آیا اخیراً به او نامه داده ای؟"  
زمان حال کامل

Alison has **recently found** a part- time job. "آلیسون اخیراً یک شغل پاره وقت پیدا کرده است."  
زمان حال کامل

۱۰- in the last few days ( weeks,...) نشان دهنده یک دوره از زمان گذشته تا زمان حال میباشد:

I've met a lot of people **in the last few months**. "من در چند ماه گذشته افراد زیادی را ملاقات کرده ام."  
زمان حال کامل

۱۱- بعد از عبارات This / That/ It is the ( first, second, third, ..) time زمان حال کامل میآید:

This is **the second time** you have lost your pencil at school. "این دومین بار است که تو مدادت را در مدرسه گم کرده ای."  
مرتبت اعداد      زمان حال کامل

It's **the third time** he has phoned me this morning. "این سومین باره که او از صبح به من زنگ زده است."  
مرتبت اعداد      زمان حال کامل

۱۲- کلمات زیر هم معمولاً در جملات **زمان حال کامل** بکار برده میشوند:

once	یک بار	twice	دو بار	thrice	سه بار
4 times	چهار بار	5 times, ...	پنج بار و...	several times	چندین بار
over and over	دوباره و دوباره	again and again	دوباره و دوباره	many times	دفعات زیادی

We have seen this movie **several times**. "ما این فیلم را چندین بار دیده ام."

۱۳- during به معنی ( در طی / در خلال )

They haven't built any hospitals in our city **during** the last 5 year. "آنها در طی ۵ سال گذشته در شهر ما هیچ بیمارستانی را نساخته اند."

**۷- زمان گذشته کامل (ماضی بعید) "Past Perfect Tense"**

**تعریف:** برای اشاره به عملی که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام گرفته باشد. از زمان "گذشته کامل" یا "ماضی بعید" استفاده میکنیم.

به این مثال دقت کنید: "وقتی من به خانه رسیدم برادرم رفته بود." بخش دوم این جمله یعنی "برادرم رفته بود" نشان دهنده "گذشته کامل" است. چون قبل از اینکه گوینده به خانه برسد، انجام شده بود. معادل فارسی این زمان در زبان فارسی، ماضی بعید است و بصورت (رفته بودم، رفته بودی، رفته بود و ...) ترجمه میشود:

When I arrived home, my brother **had left**.

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (p.p.)	had	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	-----	------

They **had killed** the man **before** the police arrived.

"آنها آن مرد را **کشته بودند** قبل از اینکه پلیس برسد."

همان گونه که از فرمول و مثال دیده میشود، فعل این زمان با استفاده از "فعل کمکی had" و "قسمت سوم فعل (p.p.)" ساخته می شود. همانند زمان حال کامل (ماضی نقلی)، در این زمان نیز قسمت سوم فعل با استفاده از اضافه کردن -ed یا -d به آخر افعال با قاعده ساخته می شود در حالی که قسمت سوم فعل افعال بی قاعده از قواعد خاصی پیروی نمی کند و میبایستی آنها را حفظ نمود.

**توجه:** مخفف had بصورت (d) نوشته میشوند.

**سؤالی و منفی کردن این زمان:** برای سؤالی کردن این زمان فعل کمکی had را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان، بعد از فعل کمکی had قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را اضافه میکنیم. جدول زیر سه حالت جملات مثبت، سؤالی و منفی این زمان را نشان می دهد:

### کاربردهای زمان گذشته کامل عبارتند از:

**کاربرد اول (مهمترین کاربرد):** برای بیان عمل یا کاری که در گذشته قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده باشد از گذشته کامل (ماضی بعید) استفاده می شود که نیازمند دو عمل است: عملی که در گذشته دورتر انجام شده به شکل "گذشته کامل" و عملی که بعداً انجام شده به شکل "گذشته ساده" بیان می شوند. به مثالهای زیر و ترجمه آنها توجه نمایید:

I had eaten my breakfast, **when** my little baby brother got up.

گذشته کامل

گذشته ساده

"هنگامی که برادر کوچکترم از خواب بیدار شد، من صبحانه ام را خورده بودم."

My mother had gone shopping **before** she started cooking dinner.

گذشته کامل

گذشته ساده

"قبل از پختن شام، مادرم به خرید رفته بود."

He was very tired because he hadn't slept well.

گذشته ساده

گذشته کامل

"او خیلی خسته بود چون خوب خوابیده بود."

I **had saved** my documents before the computer **crashed**.

"من اسناد خود را ذخیره کرده بودم قبل از اینکه کامپیوتر خراب شود."

When Sarah **arrived**, we **had finished** cooking.

"وقتی سارا رسید ما آشپزی را تمام کرده بودیم."

کاربرد دوم: برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته شروع شده و تا انجام دادن عملی دیگر در گذشته ادامه داشته است:

My teacher **had lived** in Paris **before** he studied art there.

"معلم من قبل از اینکه تحصیل در رشته هنر را در پاریس آغاز کند، آنجا زندگی کرده بود."

By the time his uncle got a very good job, he **had taken** many risks.

"تا زمانی که عمویش شغل خوبی بدست آورد، ریسک های زیادی را کرده بود."

### نکات بسیار مهم زیر که در تستهای مربوط به این گرامر، خیلی مفید هستند:

۱- قانون توالی زمانی: چنانچه جمله مرکبی را داشته باشیم که یک طرف آن (جمله پایه) زمان گذشته باشد، ادامه آن

جمله هم (جمله پیرو یا وابسته) در زمان گذشته خواهد بود. با توجه به این نکته:

هرگاه قیدهای **before, after, just, already, since, for** در زمان گذشته بکار برده شوند، یک طرف آنها "زمان گذشته

کامل" و طرف دیگر "زمان گذشته ساده" خواهد بود. و چنانچه در زمان حال بکار برده شوند یک طرف آنها زمان حال کامل و طرف

دیگر زمان حال ساده میباشد (به غیر از **since** که اگر در زمان حال کامل آمده باشد بعد از آن جمله ای در زمان گذشته ساده

میآید. برای مثالهای بیشتر رجوع شود به درس ۲ پایه یازدهم).

When I **sent** the book to her, she **had already bought** it.

گذشته ساده

گذشته کامل

"زمانیکه من کتاب را برای او فرستادم، او قبلاً آن را خریده بود."

I **knew** I **had seen** that man somewhere **before**.

گذشته کامل گذشته ساده

"من میدانستم که قبلاً او را در یک جایی دیده بودم."

She **had just turned** on the T.V when the electricity **went off**.

گذشته کامل

گذشته ساده

"او تازه تلویزیون را روشن کرده بود زمانیکه برق رفت."

۲- بیان دلیل و علت در گذشته: برای نشان دادن رابطه علت و معلولی در زمان گذشته میتوانیم از "because", "since"

استفاده میکنیم (در معنی "چونکه", "از آنجائیکه"):

گذشته کامل + **because / since** + گذشته ی ساده

I **didn't have** any money **because / since** I **had lost** my wallet.

گذشته ساده

گذشته کامل

He **bought** a new laptop *because / since* his son **had broken** his old one.

گذشته ساده

گذشته کامل

"او یک لپ تاپ جدید خرید چونکه پسرش لپ تاپ قدیمی او را خراب کرده بود."

She **could understand** the movie easily *because / since* she **had read** the book before.

گذشته ساده

گذشته کامل

"او تازه تلویزیون را روشن کرده بود زمانیکه برق رفت."

۳- چنانچه چند عمل در گذشته با فاصله کم یا یکی پس از دیگری اتفاق بیافتند، فقط از "گذشته ساده" استفاده میکنیم. در این

حالت استفاده از زمان گذشته کامل اشتباه میباشد.

I **arrived** home at 1:30, **ate** my lunch, **took** a nap, and **did** my homework.

گذشته ساده

گذشته ساده

گذشته ساده

گذشته ساده

"ساعت یک و نیم به خانه رسیدم، ناهار خوردم، چرت زدم و تکلیفم را انجام دادم."

۴- (ادامه نکته ۳): اگر بخواهیم به مقایسه گذشته ساده و گذشته کامل اشاره کنیم، می توان گفت اگر دو عمل در گذشته

پشت سر هم یا با فاصله کوتاهی انجام شده باشند هر دو عمل به شکل "گذشته ساده" بیان می شوند و اگر عملی در گذشته قبل از

عمل دیگر با فاصله انجام شده باشد از "گذشته کامل" استفاده می شود. به دو مثال زیر دقت کنید:

When I **arrived** at the airport (at 7), the plane **had landed** (at 5).

گذشته ساده

گذشته کامل

"وقتی که به فرودگاه رسیدم، هواپیما به زمین نشسته بود." (با فاصله زمانی زیاد)

When I **arrived** at the airport, the plane **landed** immediately.

گذشته ساده

گذشته ساده

"وقتی که به فرودگاه رسیدم، هواپیما به زمین نشست." (با فاصله زمانی کم و بلافاصله)

۵- "as soon as", "till", "until", "by the time" از دیگر مشخصه های "زمان گذشته کامل" هستند:

The teacher **didn't check** our papers **until** everyone **had finished**.

گذشته ساده

گذشته کامل

"تا زمانی که همه تمام نشدند، معلم ما ورقه هایمان را چک نکرد."

**By the time** his uncle **got** a very good job, he **had taken** many risks.

گذشته ساده

گذشته کامل

"تا زمانی که عمویش شغل خوبی بدست آورد، ریسک های زیادی را کرده بود."

Hassan **had left as soon as** we **came** here.

گذشته کامل

گذشته ساده

"حسن رفته بود به محض اینکه ما به آنجا آمدیم."

**Had you cleaned up** the rooms **by the time** your parents **came back** home?

گذشته کامل

گذشته ساده

"آیا اتاقها را تمیز کرده بودی زمانیکه والدینت به خانه برگشتند؟"

۶- فرمولهای مهم زیر را برای گرامر این درس بخاطر بسپارید :

گذشته ی ساده + <b>before</b> + گذشته کامل
گذشته ی ساده + <b>when</b> + گذشته کامل
گذشته کامل + <b>because</b> + گذشته ی ساده
گذشته کامل + <b>after</b> + گذشته ی ساده
گذشته ی ساده + <b>by the time</b> + گذشته کامل
گذشته ی ساده + <b>before</b> + گذشته کامل
گذشته ی ساده + <b>as soon as</b> + گذشته کامل
گذشته کامل + <b>until</b> + گذشته ی ساده
گذشته کامل + <b>till</b> + گذشته ی ساده
گذشته کامل + <b>if</b> + آینده در گذشته ی ساده

We **hadn't made** dinner before you came.

"قبل از این که شما بیائید ما شام درست نکرده بودیم."

**Had** they **called** you before they came?

"آیا آنها قبل از اینکه بیایند با شما تماس گرفته بودند؟"

**Hadn't** you **saved** your data when you closed the program?

"آیا وقتی برنامه را بستنی اطلاعاتت را ذخیره نکرده بودی؟"

He **had** never **driven** a car before he got his driving license.

"او قبل از این که گواهی نامه رانندگی بگیرد، رانندگی نکرده بود."

Alfred could have bought a nice car If he **had saved** his salary.

"آلفرد میتواندست یک ماشین خوب بخرد اگر حقوقش را پس انداز کرده بود."

منتظر انتقادات و پیشنهادات شما عزیزان هستیم:

@JamalAhmadi1984

@PracticalEnglish99

کانال تلگرام: "انگلیسی کنکور با جمال احمدی"

# "جمع بندی موضوعی گرامر کنکور"

جلسه دوم:

## انواع اسم و معرفهای آن

- درس ۱ پایه دهم
- درس ۱ پایه یازدهم

ویژه داوطلبان کنکور ۹۹

تألیف و گردآوری:

جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

# "انواع اسم و معرفهای آن"

"noun" (اسم) کلمه ای است که برای نامیدن انسانها (people)، حیوان (animal)، مکان (place)، شیء (thing) و یک نظر یا عقیده (idea) به کار می رود.

اسم برای انسان	Maryam, Mr. Amini, farmer, doctor, sister, uncle, ....
اسم حیوان	cow, goat, gazelle, tiger, lion, ...
اسم مکان	park, school, city, village, country, sea, lake, cinema, ...
اسم شیء	car, computer, dictionary, apple, desk, bicycle, ...
اسم عقیده یا نظر	attention, pain, danger, like, love, opinion, ...

## "Types of Nouns" انواع اسمها

اسمها را به شکل های مختلف می توان تقسیم بندی کرد. در یک نوع تقسیم بندی اسمها را به دو دسته تقسیم می کنند:

### ۱- اسم های عام: "Common Nouns"

این گونه اسمها به طور کلی برای نامیدن افراد، اشیاء، حیوانها، مکانها و عقیده هایی به کار می روند که جنبه عمومی دارند و می تواند برای اسم های مختلف و به تعداد زیاد به کار رود که جنبه خاص نداشته باشند. مانند:

boy, girl, desk, tree, jungle, tiger, pen, aunt, train

حرف اول این گونه اسمها با حروف کوچک نوشته می شوند، مگر اینکه در ابتدای جمله قرار بگیرند.

I see some **cars** in the **street**.

«من تعدادی اتومبیل را در خیابان می بینم.»

There are many **computers** in the **shop**.

«تعداد زیادی کامپیوتر در این فروشگاه وجود دارد.»

### ۲- اسم های خاص: "Proper Nouns"

این گونه اسمها برای نامیدن افراد، اشیاء، مکانها و عقیده های خاص به کار می روند که در دنیا یکی از آنها وجود دارد نه بیش تر. به همین علت به آنها «اسم خاص» می گویند. حرف اول اسم های خاص همیشه به صورت "Capital letter" (حرف بزرگ) به کار

Raman, Ali, Pari, Boukan, Italy, Milad Tower

می رود.

**نکته:** اسامی خاص همیشه همچون اسم مفرد در نظر گرفته میشوند و فعل همراه آنها همواره به صورت مفرد خواهد بود. اسامی

خاص معمولاً حروف تعریف، صفت، صفات ملکی، صفت اشاره نمیگیرند:

My Raman

the Boukan

an Ehsan

## "Singular and plural" مفرد و جمع

برای جمع بستن اسم های مفرد آنها را به دو گروه تقسیم می کنند:

**گروه اول:** اسم های با قاعده: "Regular Nouns"

**گروه دوم:** اسم های بی قاعده: "Irregular Nouns"

## گروه اول: "اسم های با قاعده" "Regular Nouns"

برای جمع بستن اسم های مفرد با قاعده، به آخر آن ها "s" یا "es" اضافه می شود

**نکته ۱:** اگر حرف آخر اسم مفرد باقاعده به یکی از حروف "s - ss - sh - ch - x - z - o" ختم شود، به جای "s" باید به آن اسم "es" اضافه کرد تا به صورت جمع تبدیل شود:

اسم مفرد	اسم جمع	اسم مفرد	اسم جمع
a bus	buses	a bench	benches
a dish	dishes	a box	boxes

## گروه دوم: اسم های بی قاعده "Irregular Nouns"

برای جمع بستن اسم های مفرد بی قاعده، قاعده خاصی وجود ندارد و باید شکل جمع آن ها را حفظ کرد. مثال:

اسم مفرد بی قاعده	اسم جمع بی قاعده	اسم مفرد بی قاعده	اسم جمع بی قاعده
a man	men	a mouse	mice
a woman	women	a person	people
a child	children	a tooth	teeth
a foot	feet	a sheep	sheep

**نکته ۲:** معمولاً اسم های مفردی که به حرف های "f / fe" ختم می شوند، هنگام جمع بستن، f / fe به "ves" تبدیل می شود:

اسم مفرد	اسم جمع	اسم مفرد	اسم جمع
a wife	wives	a wolf	wolves
a life	lives	a knife	knives
a shelf	shelves	half	halves

**نکته ۳:** اسم های مفردی که به حرف "y" ختم می شوند، هنگام جمع بستن، چنانچه قبل از یک حرف بی صدا بیاید، y به "ies" تبدیل می شود آنگاه اسم "es" میگیرد. اما چنانچه قبل از حرف y یک حرف صدادار آمده باشد، آن اسم مفرد فقط s جمع میگیرد.

اسم مفرد	اسم جمع	اسم مفرد	اسم جمع
a key	keys	a city	cities
a boy	boys	a country	countries
a toy	toys	a baby	babies

طریقه جمع بستن اسامی مرکب: در این کلمات فقط "اسم دوم" s یا es جمع میگیرد و اسم اول که در این حالت در نقش "صفت" خواهد بود، بدون تغییر و بصورت "مفرد" باقی خواهد ماند.

اسم مفرد	اسم جمع	اسم مفرد	اسم جمع
a workbook	workbooks	a taxi driver	taxi drivers
a bus stop	bus stops	a police station	police stations
a book store	book stores	a post office	post offices

## "Noun Markers" معرفی اسمی

قبل از اسمها غالباً یک «تعیین کننده» طبق جدول زیر به کار می‌رود.

Noun Markers		Examples
حرف‌های تعریف نامعین (با اسمی مفرد)	a / an	a mouse / a tiger / an apple
حرف تعریف معین (قبل از هر نوع اسم)	the	the children / the park
صفت‌های اشاره مفرد (با اسمی مفرد)	this / that	this chair/ that book
صفت‌های اشاره جمع (در با اسمی جمع)	these / those	these palaces/ those matches
صفت‌های ملکی (مالکیت را نشان میدهند)	my/ your/ his, ...	my father/ his town
حروف اضافه	at, in, on, up, by, ...	by train / at school
اعداد (فقط با اسمی قابل شمارش می آیند)	one, two, three, ...	five students / ten apples
صفات	nice, brave, ...	kind man / nice car
کمیت‌های شمارشی	some, many, a few, ...	some pens / a few cheetahs

## "Articles" حروف تعریف

### حروف تعریف نامعین (نکره)

a pen یک خودکار  
an apple یک سیب

### حرف تعریف معین (معرفه)

the pen این خودکار  
the apple این سیب

حروف تعریف نامعین (نکره) "a, an": فقط "قبل از اسم‌های مفرد قابل شمارش" به کار می‌رود. کلمه ای که قبل از آن، حروف تعریف نامعین، آمده باشد برای شنونده یا گوینده مشخص یا شناخته شده نیست.

توجه: چنانچه حرف اول اسم مفردی با حروف صدادار (a-e-i-o-u) شروع شده باشد، به جای "a" از "an" استفاده می‌شود:

a book - a pen      an egg - an apple

**نکته ۱ (زبان تخصصی):** اگر کلمه مفرد قابل شمارشی با یکی از حروف u, o, h شروع شده باشد، باید به تلفظ آن حرف دقت کنیم نه املاي آن. اگر در ابتدای کلمه، مصوت یا صدای حرف صداداری را شنیدیم، an را انتخاب می‌کنیم و اگر آن حرف تلفظ نشد یا اینکه ما صامت یا تلفظ حرف بی صدایی را شنیدیم، a را انتخاب می‌کنیم.

معنی	صامت (بی صدا)	معنی	مصوت (صدادار)
یک سکه یک پوندی	a one- pound coin	یک پرتقال	an orange
یک کتاب تاریخ	a history book	یک ساعت	an hour
یک دانشگاه	a university	یک چتر	an umbrella

**نکته ۲:** هنگامیکه منظورمان از یک اسم مفرد، "تمام اعضای آن گروه و طبقه" باشد از a و an استفاده می‌کنیم:

A child needs love.      A computer is very useful.

**نکته ۳:** برای اشاره به "شغل" و یا "تعریف یک اسم" و یا "بیان کاربرد آن" اسم از a و an استفاده میکنیم:

The lion is **an** animal. Alireza is **a** doctor.

**نکته ۴:** قبل از "ملیتها"، "مذهبهها" و "نام بعضی از بیماریها" از a و an استفاده میکنیم:

She became **a** Muslim. He is **an** American Professor.

حرف تعریف معین "the": این حرف تعریف قبل از اسمهای "قابل شمارش مفرد یا جمع" و نیز اسمهای "غیرقابل شمارش" کاربرد دارد. در واقع اسمی که پس از "the" به کار می رود، اسمی معین یا شناخته شده است:

<b>the</b> pen اسم مفرد	<b>the</b> books اسم جمع	<b>the</b> milk غیر قابل شمارش
----------------------------	-----------------------------	-----------------------------------

**نکته ۵:** هر گاه اسمی برای بار اول ذکر شود، "نکره یا نامعین" بوده a و an یا میگیرد. اما چنانچه برای بار دوم ذکر شود تبدیل به "اسم معین یا معرفه" میشود و حرف تعریف the میگیرد:

I saw **a man** at school. **The man** was my friend's teacher.  
بار اول (نکره)                      بار دوم (معرفه)

"من مردی را در مدرسه دیدم. آن مرد معلم دوستم بود."

**نکته ۶:** همان طور که میدانیم اسمی خاص حرف تعریف نمیگیرند: **the** Mehdi - **the** Japan - **the** Tehran  
اما چنانچه اسم کشوری بصورت مخفف همراه با عباراتی مثل مثالهای زیر بکار برده شود، حرف تعریف **the** میگیرد:

the <b>IRI</b> = the Islamic Republic of Iran	"جمهوری اسلامی ایران"
the <b>USA</b> = the United States of America	"ایالات متحده آمریکا"

**توجه:** این حرف تعریف کاربردهای فراوانی دارد که در کتابهای نظام جدید به آنها اشاره نشده است. در مباحث بعدی و به مرور با کاربردهای ذکر شده حرف تعریف معین the در نظام جدید آشنا خواهیم شد.

### ساختارهای وجود داشتن با There:

در زمان حال	در زمان گذشته
<b>There is</b> وجود دارد	<b>There was</b> وجود داشت
<b>There are</b> وجود دارند	<b>There were</b> وجود داشتند

بعد از there is, there was اسم به صورت "مفرد" و بعد از there are, there were اسم به صورت "جمع" خواهد آمد.  
There **is** a **clock** in the class. "یک ساعتی در کلاس وجود دارد."  
اسم مفرد

There **are** 25 **students** in our class. "۲۵ دانش آموز در کلاس ما وجود دارد."  
اسم جمع

**سؤالی و منفی کردن این ساختارها:** چنانچه جمله ای با ساختارهای بالا شروع شده باشد و بخواهیم آن جمله را سؤالی کنیم، تنها کافیست که آن فعل to be را به قبل از فاعل منتقل کنیم و برای منفی کردن جمله، به بعد از فعل to be, قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را اضافه کنیم:

Is there any car in the street? No, There **isn't** any car.



## صفات اشاره:

### صفات اشاره به نزدیک

**this** این  
**these** اینها

### صفات اشاره به دور

**that** آن  
**those** آنها

"**this, that**" هر دو با "اسم قابل شمارش مفرد" و "غیرقابل شمارش" به کار می‌روند. از "this" (این) برای اشاره به نزدیک و از "that" (آن) برای اشاره به دور استفاده می‌شود.

That money **was** on the table. "آن پول بر روی میز بود."  
فعل مفرد اسم غ ق ش

This **is** a book. "این یک کتابی است."  
اسم مفرد فعل مفرد

"**these, those**" شکل جمع "this, that" می‌باشند. هر دو با "اسم قابل شمارش جمع" به کار می‌روند. "these" (این‌ها) برای اشاره به نزدیک و "those" (آن‌ها) برای اشاره به دور به کار می‌روند.

These students **are** my friends.  
فعل جمع اسم جمع

"این دانش آموزان دوستهای من هستند."

Those boys **play** football very well.  
فعل جمع اسم جمع

"آن پسرها به خوبی فوتبال بازی میکنند."

## بیان مالکیت (of, 's):

۱) برای نشان دادن مالکیت انسان از **'s** استفاده می‌کنیم:

Farhad's car. ماشین فرهاد

Ali's book کتاب علی

۲) برای نشان دادن مالکیت غیرانسان از **of** استفاده می‌کنیم:

The hand **of** the door. دسته در

The leg **of** the table. پایه میز

نکته (منحصراً زبان): میتوان مالکیت اشیاء بر اشیاء را میتوان به صورت رابطه دو اسم بلافاصله پشت سر هم بکار برد که در این حالت اسم اول برای اسم دوم در نقش "**صفت**" خواهد بود. (مضاف و مضاف الیه در زبان فارسی)

**table** leg  
اسم اول در نقش صفت

**door** hand  
اسم اول در نقش صفت

## صفات ملکی: (Possessive Adjectives)

این دسته از صفات، جانشین "**مالک**" جمله شده و همواره "**قبل از اسم**" به کار می‌روند و مالکیت را نشان می‌دهند:

"صفات ملکی مفرد"		"صفات ملکی جمع"	
<b>my</b>	مال من	<b>our</b>	مال ما
<b>your</b>	مال تو	<b>your</b>	مال شما
<b>his</b>	مال او (مذکر)	<b>their</b>	مال آنها
<b>her</b>	مال او (مؤنث)		
<b>its</b>	مال آن غیر انسان		

1) **My** students are really clever.

اسم صفت ملکی

"دانش آموزان من خیلی باهوشند."

2) I helped **my** mother yesterday.

اسم صفت ملکی

"من دیروز به مادرم کمک کردم."

## "اسامی قابل شمارش" و "غیر قابل شمارش"

از نظر اینکه آیا اسمها را میتوان شمرد یا نه، اسامی به دو دسته ی "قابل شمارش" و "غیر قابل شمارش" تقسیم میشوند.

### ۱) اسمهای قابل شمارش (Countable Nouns):

اسمهای قابل شمارش اسم هایی هستند که بتوان آنها را شمارش کرد. این اسم ها میتوانند به دو صورت "مفرد" و "جمع" باشند. قبل از اسمهای قابل شمارش میتوان از اعداد برای شمارش آنها استفاده کرد. مثلاً اسم "کتاب". ما می توانیم بگوئیم ۱ کتاب، ۲ کتاب.

**نکته بسیار مهم:** اسم مفرد قابل شمارش، هیچ وقت به صورت تنها در جمله آورده نمیشود و حتماً باید قبل از آن تعیین کنندهایی مثل the، an، a، صفات ملکی و... استفاده شود:

I have a book. → من یک کتاب دارم (Not: I have ~~book~~.)

### ۲) اسمهای غیر قابل شمارش (Uncountable Nouns):

اسم های غیر قابل شمارش اسم هایی هستند که قابل شمارش نیستند و نمیتوان آنها را شمرد. در نتیجه این گونه اسمها به صورت "مفرد" دیده میشوند و **حالت جمع ندارند**. پس اسم های غیر قابل شمارش رو نمیتوان جمع بست. انگلیسی ها برای اندازه گیری اسم های غیر قابل شمارش از واحدها و اندازه گیری هایی استفاده می کنند که این **واحدها قابل شمارش هستند** و قبل از اسم های غیر قابل شمارش آورده میشوند تا مفاهیم را انتقال بدهند. مثلاً "cheese" که غیر قابل شمارش میباشد، برای آن از واحد کیلوگرم استفاده میشود. مثلاً میگوئیم ۱ کیلو یا ۲ کیلو پنیر می خواهیم که انگلیسی آن به صورت زیر خواهد بود:

I want one **kilo** of that cheese. → I want two **kilos** of that cheese.  
 "من دوکیلو از آن پنیر میخوام."      اسم غیر قابل شمارش      واحد شمارش

**توجه مهم:** واحدهای اندازه گیری که قبل از اسم غیر قابل شمارش بکار میروند جمع بسته میشوند نه اسم غیر قابل شمارش.

تعدادی از واحدهایی که برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش استفاده میشوند عبارتند از:

واحد شمارش	معنی	واحد شمارش	معنی	واحد شمارش	معنی
a loaf of	یک قرص	a bottle of	یک بطری از	a kilo of	یک کیلو از
a cup of	یک فنجان	a piece of	یک تکه از	a drop of	یک قطره از
a carton of	یک کارتن	a bag of	یک کیسه	a packet of	یک بسته از
a slice of	یک برش، یک تکه	a glass of	یک لیوان از	a sheet of	یک برگه از
a jar of	یک شیشه از	a tube of	یک لوله	a can of	یک قوطی
a bar of	یک قالب / شمش	a bowl of	یک کاسه از	a box of	یک جعبه از

a bottle of water "یک بطری آب" → three bottles of water "سه بطری آب"

**نکته:** باید به این مسأله هم اشاره کنیم چون زبان فارسی و انگلیسی دو زبان متفاوت هستند، این احتمال وجود دارد که اسمی در زبان فارسی قابل شمارش باشد اما در زبان انگلیسی غیر قابل شمارش محسوب گردد.

## تقسیم بندی اسم های غیر قابل شمارش:

۱- اسمهای انتزاعی که به طور فیزیکی قابل لمس کردن نیستند:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
علاقه	interest	خوشبختی	happiness	نور خورشید	sunshine
فضا	space	دانش	knowledge	نصیحت	advise
توجه	notice	عشق	love	خطر	danger
نیرو	power	ترس	fear	درد	pain
شانس	luck	موسیقی	music	سلامتی	health
صداقت	honesty	تجربه	experience	آموزش	education
پول	money	صبر	patience	کمک	help

۲- اسمهایی که برای تشکیل آنها چند مواد ترکیب شده تا آن اسم بوجود آید:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
هوا	air	کاغذ	paper	سوپ	soup
شکر	sugar	پنیر	cheese	سیمان	cement
لغت	vocabulary	کیک	cake	نان	bread

۳- اسم زبانها:

German	French	Italian	English	Japanese	Italian
--------	--------	---------	---------	----------	---------

۴- اسمهایی که به ظاهر اسم جمع هستند ولی در واقع اسم های غیر قابل شمارش می باشند.

news	physics	mathematics
------	---------	-------------

۵- مایعات و نیمه جامدات و گازها:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
آهن	iron	شیر	milk	گوشت	meat
اکسیژن	oxygen	خون	blood	آب	water
دود	smoke	قهوه	coffee	مربا	jam
بخار	steam	یخ	ice	نوشابه	soda
چوب	wood	طلا	gold	خمیر دندان	toothpaste
چای	tea	شکلات	chocolate	کره	butter
روغن	oil	هوا	air	پنیر	cheese

۶- ورزشها و سرگرمیها مثل:

wrestling	shopping	basketball	fishing	swimming	tennis
-----------	----------	------------	---------	----------	--------

۷- ذرات و دانه ها:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
شکر	sugar	آرد	flour	برف	snow
گچ	chalk	گرد و خاک	dust	شن	sand
برنج	rice	موی سر	hair	نمک	salt

۸- اسامی که به یک مجموعه ( واحد کل ) اشاره دارند:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
مبلمان منزل	furniture	تکلیف	homework	پوشاک	clothing
ماشین آلات	machinery	جواهرات	jewelry	حمل و نقل	transportation
میوه	fruit	وسایل سفر	baggage	تجهیزات	equipment

۹- اسامی رشته های تحصیلی و عناوین درسها:

art	biology	history	geography	mathematics	chemistry
-----	---------	---------	-----------	-------------	-----------

۱۰- پدیده های طبیعی:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
رعد و برق	thunder	گرما	heat	آب و هوا	weather
آتش	fire	برف	snow	نور خورشید	sunshine
نور	light	طوفان	storm	سرما	cold
باد	wind	باران	rain	مه	fog

**نکته مهم:** از آنجایی که اسم های غیر قابل شمارش حالت جمع ندارند و همیشه همچون "اسم مفرد" در نظر گرفته میشوند، فعلهایی که با آنها به کار میروند باید به صورت "مفرد" باشند.

There **is** a lot of **news** about the car accident. "در مورد تصادف ماشین خبرهای زیادی وجود دارد."  
 (Not: There **are** a lot of news about the car accident.)

تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم جمع قابل شمارش قرار می گیرند:

lots of	a lot of	plenty of	several	many	some	a few	few
---------	----------	-----------	---------	------	------	-------	-----

**نکته:** این تعیین کننده ها باید حتما قبل از "اسم جمع قابل شمارش" باشند نه مفرد.

تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم غیر قابل شمارش قرار می گیرند:

lots of	a lot of	plenty of	much	some	a little	little
---------	----------	-----------	------	------	----------	--------

**تعیین کننده های کمیتی مشترک:** برخی از تعیین کننده هایی که قبل اسم های جمع قابل شمارش و اسم های غیر قابل شمارش مشترک هستند که عبارتند از: plenty of, some

**کاربرد plenty of, a lot of, lots of:** این سه تعیین کننده هم "قبل از اسم های جمع قابل شمارش" مورد استفاده قرار میگیرند و هم "قبل از اسمهای غیر قابل شمارش". اگر قبل از اسمهای جمع قابل شمارش مورد استفاده قرار بگیرند "تعداد زیاد" را نشان میدهند و اگر قبل از اسمهای غیر قابل شمارش بیایند "مقدار زیاد" آن اسم را مشخص میکنند.

"علی در ریاضی مشکلات خیلی زیادی دارد." (قبل از اسم جمع قابل شمارش) Ali has a lot of **problems** in math.

"من کتابهای خیلی زیادی را برای برادرم خریدم." (قبل از اسم جمع قابل شمارش) I bought **lots of books** for my brother.

"ماه گذشته او پول خیلی زیادی را خرج کرد." (قبل از اسم غ ق ش) Last month, he spent **lots of money**.

"(قبل از اسم غ ق ش) These days, Raman is very busy and he doesn't have a lot of **time** to exercise. این روزها رمان خیلی سرش شلوغه و وقت خیلی زیادی برای ورزش کردن ندارد."

**کاربرد many:** میتواند در جملات مثبت، سؤالی و منفی قبل از اسم "جمع قابل شمارش" مورد استفاده قرار بگیرد.

**نکته خیلی مهم:** قبل از اسامی سال، ماه، هفته و روز و عباراتی که به زمان مربوط میشوند به جای **a lot of** و **lots of** فقط از **many** استفاده میشود.

"آنها خیلی وقت پیش در انگلستان بوده اند." They have been to England **many years** ago.

(Not: They have been to England **a lot of** years ago).

**کاربرد much:** به معنای مقدار "زیاد" میباشد و تنها قبل از اسمهای "غیر قابل شمارش" مورد استفاده قرار می گیرد.

**نکته خیلی مهم:** much بیشتر در جملات منفی و سؤالی مورد استفاده قرار می گیرد.

I didn't have **much money** to buy a present for my mother.

"من پول زیادی برای خرید کادو برای مادرم نداشتم."

"او معمولاً زیاد برای رفتن به باشگاه وقت نمیگذارد." She usually doesn't spend **much time** to go to the gym.

**نکته:** در جمله مثبت به جای آوردن much از "a lot of" یا "lots of" استفاده میشود.

"برادرم معمولاً قهوه ی زیادی را در شب میخورد." My brother usually drinks **a lot of coffee** at night.

(Not: My brother usually drinks **much** coffee at night.)

**کاربرد some:** به معنی "تعدادی"، قبل از اسامی "جمع قابل شمارش" و به معنی "مقداری" قبل از اسامی "غیر قابل شمارش"

بکار برده میشود. از some اکثراً در جملات مثبت استفاده میکنیم:

"در بطری کمی شیر وجود دارد." There is **some milk** in the bottle. (قبل از اسامی غیر قابل شمارش)

"من در کیفم تعدادی خودکار دارم." I have **some pens** in my bag. (قبل از اسامی جمع قابل شمارش)

**نکته خیلی مهم:** اما برای "درخواست" و "پیشنهاد" از some در جملات "سؤالی" هم بهره میگیریم:

Would you like **some** milk?

"آیا کمی شیر میل دارید؟"

**کاربرد a few و few:** هر دو قبل از اسم "جمع قابل شمارش" استفاده میشوند. در جملاتی که در آن از a few استفاده میشود مفهوم "مثبت" را می رساند (به معنای تعداد کم در حدی که کافی باشد) و برعکس در جملاتی که در آنها قبل اسم از few استفاده بشود جمله "منفی" میشود. (به معنای تعداد خیلی خیلی کم در حدی که کافی نباشد و در حد صفر میباشد).

There are **a few students** in the class. There are enough people to hold the class.  
تعداد کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی هستند. (کلاس تشکیل میشود)

There are **few students** in the class. There are not enough people to hold the class.  
تعداد خیلی خیلی کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی نمیباشند (کلاس تشکیل نمیشود)

**کاربرد a little و little:** بعد از هر دو اینها از اسم "غیر قابل شمارش" استفاده میکنیم. در جملاتی که در آن از a little استفاده میشود مفهوم "مثبت" را می رساند (به معنای مقدار کم در حدی که کافی باشد) و برعکس در جملاتی که در آنها قبل اسم از little استفاده بشود جمله "منفی" میشود. (به معنای مقدار خیلی خیلی کم در حدی که کافی نباشد و در حد صفر میباشد).

My parents are going to visit us tonight. We have **a little** fruit in the fridge.  
والدینم امشب میخواهند از ما دیدن کنند. در یخچال یه مقدار میوه داریم. (میوه کم است اما به اندازه کافی میباشد).

My parents are going to visit us tonight. We have **little** fruit in the fridge.  
والدینم امشب میخواهند از ما دیدن کنند. در یخچال مقدار خیلی خیلی کمی میوه داریم. (میوه خیلی کم است به اندازه کافی نمیباشد).

**نتیجه گیری خیلی مهم:** در جمله ای که در آن از few و یا little استفاده شده باشد، مفهوم آن "منفی" بوده و نشان میدهد که تعداد یا مقدار آن اسم بیش از حد کم میباشد پس جمله "منفی" میشود.

## "اعداد" "Numbers"

همانطور که در بخش های قبل اشاره کردیم اعداد هم جزئی از معرف های اسم محسوب میشوند. ما می توانیم قبل از اسم های قابل شمارش از اعداد برای مشخص کردن تعداد آن اسم استفاده کنیم.

نکته ای که اینجا وجود دارد این است که به غیر از عدد یک، بعد از سایر اعداد باید اسم "جمع قابل شمارش" بکار برده شود. اعداد هم به عنوان تعیین کننده های قبل از اسم به کار میروند. زمانی که اعداد دارای دهگان و یکان باشند و به صورت حروفی نوشته بشوند، چه قبل از اسم و یا بدون اسم بیایند، باید بین دهگان و یکان یک خط تیره قرار داده بشود. این موضوع فقط در مورد اعدادی هست که دهگان و یکان دارند و شامل اعداد بزرگتر نمیشود. پس باید اعداد "بیست و یک" تا "نود و نه" که قبل از اسم برای تعیین تعداد آن اسم قابل شمارش به کار میروند، خط تیره ای بین دهگان و یکان آنها قرار داده شود.

**eighty- three horses      forty- seven books      twenty- five languages**

**نکته مهم ۱:** اما اعداد صد، هزار، میلیون و بالاتر (اگه به صورت حروفی نوشته شوند)، گذاشتن خط تیره ما بین آنها لازم نیست و همیشه بصورت "مفرد" نوشته میشوند و حالت جمع ندارند: **three hundred horses      one million books**

**نکته مهم ۲:** ما بین عدد و اسم هرگز حرف اضافه ای نمی آید. **one million of books**

**نکته مهم ۳:** برای اشاره به مفاهیم کلی مثل صدها، هزاران، میلیونها و... میتوان اعداد را جمع بست و قبل از آن اسم از حرف اضافه **of** استفاده کرد: **hundreds of students - thousands of books - millions of birds**



**نکته مهم ۴:** اگر هر عددی بالاتر از صد تا بی نهایت، دارای عددی باشد که دهگان و یکان دارد، فقط ما بین عدد دهگان و یکان خط تیره گذاشته می شود:

two hundred **thirty-five** books

دویست و سی و پنج کتاب

one thousand **sixty-eight** books

یک هزار و شصت و هشت کتاب

**یادآوری مهم:** همانطور که می دانید در انگلیسی صفت می تواند قبل از اسم قرار بگیرد. در اسمهایی که قابل شمارش باشند و قبل از آنها صفت آمده باشد می توانیم برای شمردنشان قبل از آنها از اعداد استفاده کنیم. "**صفت ما بین عدد و اسم**" می آید. اگر اسم مفرد باشد می توانیم از ترکیب زیر استفاده کنیم:

اسم مفرد قابل شمارش + صفت + **one**

I bought **one interesting** book.

"من یک کتاب جالب خریدم."

و اگر اسم قابل شمارش جمع باشد باید از ترکیب زیر استفاده کنیم:

اسم قابل شمارش جمع + صفت + **two/three/ ....**

I bought **two interesting** books

"من دو کتاب جالب خریدم."

**کاربرد How many:** زمانی از How many در جمله برای سوالی کردن استفاده می کنیم که بخواهیم از تعداد اسم قابل شمارش جمع در جمله باخبر شویم. پس باید حواسمان باشد که بعد از How many فقط اسم "**قابل شمارش جمع**" مورد استفاده قرار می گیرد و ما نمی توانیم از اسم مفرد قابل شمارش استفاده کنیم. برای سوالی کردن از ترکیب زیر استفاده می کنیم:

ساختار سوالی جمله + اسم قابل شمارش جمع + **How many**

How many **children** do you have?"

"شما چه تعداد بچه دارید؟"

**کاربرد How much:** زمانی که بخواهیم از مقدار اسم "**غیر قابل شمارش**" در جمله مطلع شویم برای سوالی کردن جمله از How much استفاده میکنیم. پس به این نکته توجه کنید که بعد از How much از اسم غیر قابل شمارش استفاده میکنیم. برای سوالی کردن از ترکیب زیر استفاده می شود:

ساختار سوالی جمله + اسم غیر قابل شمارش + **How much**

How much **money** do you need?

"چه مقدار پول لازم دارید؟"

### یادگیری نکات زیر در حل تستهای این مبحث میتوانند خیلی یاری رسان باشند:

**one of:** به معنی "**یکی از**" قبل از "**اسم جمع قابل شمارش**" می آید اما فعل همراه آن همواره بصورت "**مفرد**" خواهد آمد: (بعد از آن هم چنانچه صفتی بیاید، آن صفت، "**صفت عالی یا برترین**" خواهد بود).

One of **my best** students **has** a lot of story books.

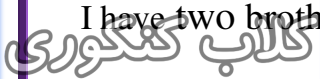
فعل مفرد اسم جمع صفت عالی

"یکی از بهترین دانش آموزانم کتابهای داستان خیلی زیادی دارد."

**both:** به معنی "**هر دو**" قبل از اسامی "**جمع قابل شمارش**" می آید و فعل همراه آن بصورت "**جمع**" میباشد.

I have two brothers. **Both of my brothers** are doctors.

فعل جمع اسم جمع



**each / every** : به معنی "هر" میباشند و هر دو قبل از اسم "مفرد قابل شمارش" می آیند و فعل همراه آنها همواره به صورت "مفرد" خواهد بود:

There are a lot of cars on the street but **every car has** a different color.  
فعل مفرد اسم مفرد

**any** : به معنی "هیچ، هیچی" در جملات "منفی و سؤالی" بکار برده میشود: (قبل از هر نوع اسمی میآید).

Are there **any** cars in the street? No, there aren't **any** cars.

**نکته خیلی مهم:** any به معنی "هر" در جملات "مثبت قبل از اسامی مفرد قابل شمارش" میآید:

It is necessary for **any member** of the club to be on time.  
اسم مفرد

**نکته مهم و کنکوری:** only به معنی "فقط" قبل از "a little" و "a few" استفاده میشود.

The village was very small. There were **only a few houses**.  
اسم جمع قابل شمارش

Why don't you hurry? We have **only a little time**.  
اسم غیر قابل شمارش

**نکته مهم (منحصراً زبان):**

ممکن است که اسامی غیر قابل شمارش در معنی دیگری بکار رفته باشند که در این صورت قابل شمارش محسوب میشوند و می توانند جمع بسته شوند. پس این اسامی دارای دو معنی متفاوت هستند و چنانچه در یک تست با آنها مواجه شدیم ابتدا باید تعیین کنیم که در آن جمله در نقش غیر قابل شمارش خود بکار رفته اند و یا قابل شمارش. مهمترین اسامی که هم میتوانند قابل شمارش باشند و هم غیر قابل شمارش عبارتند از:

اسم	قابل شمارش	غیر قابل شمارش	اسم	قابل شمارش	غیر قابل شمارش
work	اثر هنری	کار	wood	جنگل	چوب
time	دفعه - بار	وقت ، زمان	food	غذا	خوراک
room	اتاق	فضا	play	نمایش نامه	بازی
light	چراغ	نور	chicken	جوجه ( پرنده)	گوشت مرغ
hair	تار مو	مو	glass	لیوان	شیشه
paper	روزنامه	کاغذ	water	جویبار - جوی	آب
iron	اتو	آهن	experience	حادثه ، رویداد	تجربه

کانال تلگرام: "انگلیسی کنکور با جمال احمدی" @PracticalEnglish99

دانشگاه فایل های بیشتر در کانال تلگرامی کلاب کنکوری  
کانال کشوری "دیران زبان متوسطه" تقدیم میکند:

Telegram ID: @VisionTeachers

"جمع بندی موضوعی گرامر کنکور ۹۹"

جلسه سوم:

انواع صفت و کاربردهای آن

- درس ۲ پایه دهم
- درس ۳ پایه یازدهم

تألیف و گردآوری:

جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

@PracticalEnglish99

کانال تلگرام: "انگلیسی کنکور با جمال احمدی"

کلاب کنکوری  
@ClubKonkori

تیرماه ۹۹

# انواع صفت و کاربردهای آن

**تعریف صفت:** صفات کلماتی هستند که کیفیت و چگونگی اسم افراد، اشیاء، مکانها و ... را بیان می کنند. صفت همیشه بصورت **"مفرد"** بوده و حالت جمع ندارد ( S جمع نمیگیرد). ما بین اسم و صفت هیچگاه حرف اضافه و یا عدد نمیآید.

## محل صفت در جمله:

This is a nice car. ۱- قبل از یک اسم:

اسم صفت

These flowers are beautiful. ۲- پس از فعل to be:

صفت فعل to be

The weather got cold. ۳- بعد از افعال ربطی، (در صفحات آتی با افعال ربطی آشنا خواهیم شد).

صفت فعل ربطی

## انواع صفت از نظر کاربرد

هر گاه سخن از یک اسم یا یک گروه اسمی باشد.	<b>الف) صفت ساده:</b>
دو اسم یا دو گروه اسمی را با هم مقایسه میکند.	<b>ب) صفت برتری یا تفضیلی:</b>
برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسمی	<b>ج) صفت برترین یا عالی:</b>
هرگاه دو اسم یا دو گروه اسمی، دارای صفت یکسانی باشند.	<b>د) صفت برابری:</b>

My father is old. "پدر من مسن است."

صفت ساده

My father is older than your father. "پدر من از پدر تو مسن تر است."

صفت برتری

My father is the oldest man in our family. "پدر من مسن ترین مرد در خانواده ماست."

صفت برترین

**صفت برابری:** چنانچه دو اسم یا دو گروه اسمی، دارای صفت یکسانی باشند یعنی وقتی که هیچ تفاوتی میان آنها وجود نداشته باشد از ساختار **as صفت مشترک as** به معنی **"به یک اندازه"** استفاده می کنیم:

I'm as tall as you. "من به اندازه تو قد بلند هستم."

صفت مشترک

Farhad is as rich as Ali. "فرهاد به اندازه علی ثروتمند است."

صفت مشترک

**نکته ۱ (زبان تخصصی):** در جملات منفی به جای اولین **as** میتوان از **so** استفاده کرد:

Our house is not so expensive as your house. "خانه ما به گرانی خانه شما نیست."

صفت مشترک

**نکته ۲)** یاد گرفتیم که هر گاه دو اسم در یک صفت یا ویژگی با هم برابر باشند، از ساختار برابری **as ... as** استفاده میکنیم که در این حالت ما بین این ساختار، **"صفت ساده"** میآید. اما چنانچه حالت برابری برای دو فعل بکار برده شود، ما بین این ساختار **"قید حالت"** خواهد آمد. (در مباحث بعدی به طور مفصل با قیدهایی حالت آشنا خواهیم شد).

My brother can sing as beautifully as a famous singer. "برادرم میتواند به زیبایی یک خواننده مشهور آواز بخواند."

قید حالت

Catherine explained the lesson to the class as well as an experienced teacher.

"کترین درس را به خوبی یک معلم باتجربه برای کلاس توضیح داد."

**"انواع صفات از نظر تعداد بخش"**

hot - tall - large - short	الف) صفت یک بخشی
heavy - happy - easy - busy	ب) صفت دو بخشی که آخر آن "y" میباشد:
careful - useless - careless	ج) دو بخشی که آخر آن "y" نمیباشد:
beautiful - expensive - difficult	د) صفت چند بخشی
good - bad - little - far	ی) صفات بی قاعده

**الف) صفت یک بخشی:** برای درست کردن صفت برتری از این نوع صفات به آخر آنها "er" به معنی "تر" اضافه کرده و در ادامه جمله "than" به معنی "از" را مینویسیم و برای درست کردن صفت برترین به انتهای صفت ساده "est" به معنی "ترین" و قبل از آن صفت، حرف تعریف معین "the" را مینویسیم:

صفت ساده یک بخشی	صفت برتری یا تفضیلی	صفت برترین یا عالی
tall      قد بلند	taller than      قد بلندتر از	the tallest      قد بلندترین
clean      تمیز	cleaner than      تمیزتر از	the cleanest      تمیزترین

Alireza is **tall**.      "علیرضا قد بلند است."  
 صفت ساده

Mehran is **taller than** Alireza.      "مهران از علیرضا قد بلندتر است."  
 صفت برتری

Shahin is **the tallest** student in our class.      "شاهین قد بلندترین دانش آموز در کلاس ما است."  
 صفت برترین

**چند نکته املائی:**

- 1- هنگام اضافه کردن er یا est به انتهای صفات یک هجایی که دارای یک حرف صدا دار هستند و به یک حرف بی صدا ختم می شوند حرف بی صدای آخر تکرار می شود:  
 big, bigger, biggest  
 ولی اگر صفتی دارای بیش از یک حرف صدا دار بود، در این صورت حرف بی صدای آخر تکرار نمی شود:  
 great, greater, greatest
- 2- صفاتی که به e ختم می شوند، هنگام اضافه کردن er یا est، خود را از دست می دهند:  
 large, larger, largest

**ب) صفت دو بخشی که آخر آن "y" میباشد:** برای درست کردن صفت برتری از این نوع صفات، مانند صفات یک بخشی به آخر آنها "er" به معنی "تر" اضافه کرده و در ادامه جمله "than" به معنی "از" را مینویسیم و برای درست کردن صفت برترین به انتهای صفت ساده "est" به معنی "ترین" و قبل از آن صفت حرف تعریف معین "the" را مینویسیم اما در هر دو حالات "y" به "i" تبدیل میشود:

صفت ساده دو بخشی با y	صفت برتری یا تفضیلی	صفت برترین یا عالی
easy      آسان	easier than      آسانتر از	the easiest      آسانترین
happy      شاد	happier than      شادتر از	the happiest      شادترین

Lesson one was **easy**.      "درس یک آسان بود."  
 صفت ساده

Lesson two is **easier than** lesson one.      "درس دو آسانتر از درس یک است."  
 صفت برتری

Lesson four is **the easiest** lesson in book.      "درس چهار آسانترین درس در کتاب است."  
 صفت برترین

ج) دو بخشی که آخر آن "y" نمیباشد: این نوع صفات چون از حالت ساده به حالت برتری تبدیل شوند قبل از آنها "more" و در ادامه، بعد از آنها "than" را نوشته و برای ساختن صفت برترین، قبل از آنها "the most" به معنی "ترین" را اضافه میکنیم.

صفت ساده دو بخشی بدون y	صفت برتری یا تفضیلی	صفت برترین یا عالی
useful مفید	more useful than مفید تر از	the most useful مفیدترین
careless بی دقت	more careless than بی دقتتر از	the most careless بی دقت ترین

My father is a **careful** driver. پدرم یک راننده با دقتی است.

My brother is **more careful than** my father. برادرم از پدرم با دقت تر است.

Raman is **the most careful** driver in our city. راما با دقت ترین راننده در شهرمان است.

د) صفت چند بخشی: صفات چند بخشی به صفاتی گفته میشود که در آنها بیشتر از دو بخش وجود داشته باشد. این نوع صفات چون از حالت ساده به حالت برتری تبدیل شوند، دقیقاً مثل صفات دو بخشی که آخر آنها "y" نباشد عمل میکنیم:

صفت ساده چند بخشی	صفت برتری یا تفضیلی	صفت برترین یا عالی
expensive گران	more expensive than گرانتر از	the most expensive گرانترین
beautiful زیبا	more beautiful than زیباتر از	the most beautiful زیباترین

Gold is a very **expensive** metal. طلا یک فلز خیلی گران قیمتی است.

Gold is **more expensive than** silver. طلا گران قیمت تر از نقره است.

Gold is **the most expensive** metal of the world. طلا گران قیمت ترین فلز دنیا است.

ی) صفات بی قاعده: این نوع صفات همان طور که از اسمشان معلوم است، چنانچه به حالت برتری یا برترین تبدیل شوند از قواعد بالا پیروی نمیکنند و در عوض تغییر شکل میدهند و باید آنها را حفظ کرد.

صفت ساده	معنی	صفت برتری	معنی	صفت برترین	معنی
good	خوب	better than	خوبتر از	the best	خوبترین
bad	بد	worse than	بد تر از	the worst	بدترین
far	دور	farther than	دورتر از	the farthest	دورترین
far	بیش	further than	بیشتر از	the furthest	بیشترین
little	کم	less than	کمتر از	the least	کمترین
little	کوچک	smaller than	کوچکتر از	the smallest	کوچکترین
many	زیاد	more than	بیشتر از	the most	بیشترین
much	زیاد	more than	بیشتر از	the most	بیشترین

His handwriting is as **good** as my handwriting. دستخط او به اندازه دستخط من خوب است.

Our car is **better than** their car. ماشین ما بهتر از ماشین آنها است.

It's **the best** food in the restaurant. این بهترین غذا در این رستوران است.



**نکته ۱)** چنانچه در حالت تفضیلی (برتری) تنها یکی از طرفین مقایسه را ذکر کنیم، نیازی به استفاده از **than** نمیباشد:

Ali is 23 years old. Mehdi is 21 years old. Ali is **older**. (than Mehdi)  
 "علی ۲۳ ساله است. مهدی ۲۱ ساله است. علی **بزرگتر** است."

Let's go by bus. It's **cheaper**. (than taxi)  
 "بیا با اتوبوس بریم. **ارزان تر** است."  
 صفت برتری

**نکته ۲)** صفاتی که آخر آنها به پسوندهای **ed** یا **ing** ختم شده باشد، در حالت تفضیلی یا عالی **more** و **most** میگیرند.

tired → **more tired than** → **the most tired**  
 confusing → **more confusing than** → **the most confusing**

I'm very tired today. I'm **more tired than** you.  
 "من امروز خیلی خسته ام. من از تو خسته ترم."  
 صفت برتری

**نکته ۳)** برای مقایسه اعضای خانواده به جای **older** و **oldest** میتوانیم از **elder** و **eldest** همراه با اسم استفاده میکنیم:

My **older / elder** brother is a nurse.  
 "برادر **بزرگترم** پرستار است."

**نکته ۴ (منحصرأ زبان):** برخی از صفات حالت تفضیلی و عالی آنها هم با **er** و **est** و هم با **more** و **most** صحیح میباشد که معمولاً برای این دسته از صفات استفاده از **more** و **most** رایج تر است.

صفت	معنی	صفت	معنی	صفت	معنی	صفت	معنی
clever	باهوش	gentle	نجیب	quiet	ساکت	polite	مؤدب
common	رایج	cruel	ظالم	stupid	نادان	narrow	باریک
pleasant	خوشایند	simple	ساده	likely	احتمالی	handsome	خوشتیپ
happy	خوشحال	lively	سرزنده	true	درست	shallow	کم عمق

This river is **shallower / more shallow** than that one.  
 "این رودخانه از آن یکی **کم عمق تر** است."

**نکته ۵)** هر گاه قبل از صفت برتری از قید "**خیلی**" استفاده کنیم باید از "**much**" و "**a lot**" استفاده کنیم (استفاده از **very** صحیح نیست). و اگر لازم باشد قبل از صفت برتری، قید "**کمی**" را بکار ببریم، باید از کلمات "**a bit**" و یا "**a little**" استفاده کنیم.

Going by bus is **much cheaper than** taking a taxi.  
 "با اتوبوس رفتن از تاکسی گرفتن **خیلی** ارزان تر است."  
 صفت برتری

This table is **a bit bigger than** that brown one.  
 "این میز از آن میز قهوه ای **یه کم** بزرگتر است."  
 صفت برتری

**نکته ۶)** حالت تفضیلی و عالی "قیدهای حالت" با **more** و **most** میباشد.

carefully → **more carefully than** → **the most carefully**

beautifully → **more beautifully than** → **the most beautifully**

He writes English **more beautifully than** me.  
 "او **به زیبایی** من، انگلیسی را مینویسد."  
 قید حالت





## صفات "فاعلی" و "مفعولی"

افعال بسیار مهم زیر: چنانچه **ed** بگیرند تبدیل به "صفت مفعولی" برای انسان میشوند. (در این حالت اثر و نتیجه و احساس انسان به چیزها یا آدمها را نشان میدهند. این صفات اثر پذیر هستند.)  
 چنانچه **ing** بگیرند تبدیل به "صفت فاعلی" برای غیر انسان میشوند. (در این حالت احساس یا حالتی را ایجاد میکنند.)

معنی	صفت فاعلی (ing)	معنی	صفت مفعولی (ed)	معنی	فعل
سرگرم کننده	amusing	سرگرم	amused	سرگرم کردن	amuse
ناراحت کننده	annoying	ناراحت	annoyed	ناراحت کردن	annoy
خسته کننده	tiring	خسته	tired	خسته کردن	tire
کسل کننده	boring	کسل	bored	کسل کردن	bore
آرام بخش	comforting	آرام	comforted	آرام کردن	comfort
گیج کننده	confusing	گیج	confused	گیج کردن	confuse
قانع کننده	convincing	قانع	convinced	قانع کردن	convince
غم انگیز	depressing	غمگین	depressed	غمگین کردن	depress
نا امید کننده	disappointing	نا امید	disappointed	نا امید کردن	disappoint
خجالت آور	embarrassing	خجالت زده	embarrassed	خجالت زده کردن	embarrass
ترغیب کننده	encouraging	ترغیب شده	encouraged	ترغیب کردن	encourage
هیجان انگیز	exciting	هیجان زده	excited	هیجان زده کردن	excite
ترسناک	frightening	ترسیده	frightened	ترساندن	frighten
جالب	interesting	علاقمند	interested	علاقمند کردن	interest
راضی کننده	satisfying	راضی	satisfied	راضی کردن	satisfy
شوکه کننده	shocking	شوکه	shocked	شوکه کردن	shock
غافلگیر کننده	surprising	غافلگیر	surprised	غافلگیر کردن	surprise
نگران کننده	worrying	نگران	worried	نگران کردن	worry

برای فهم این گرامر، به مثالهای زیر و ترجمه آنها دقت کنید:

The children are **excited** because the cartoon is **exciting**.

انسان

غیر انسان

"بچه ها هیجانزده هستند چونکه کارتون هیجان برانگیز است."

The students were **amused** because the lesson was **amusing**.

انسان

غیر انسان

"دانش آموزان سرگرم بودند چونکه درس سرگرم کننده بود."

Our grandma told us an **interesting** story.

غیر انسان

"مادربزرگ برای ما داستانهای جالبی را تعریف کرد."

The computer had **confusing** instructions that all of us became **confused**.

غیر انسان

انسان

"کامپیوتر دستورالعملهای گیج کننده ای داشت که همه ما گیج شدیم."

کلاب کنگوری  
@ClubKonkori

نکته ای بسیار مهم (زبان تخصصی): صفت مفعولی (ed دار) را معمولاً برای توصیف انسان (کلاً موجودات زنده) بکار میبریم اما صفت فاعلی (ing دار) معمولاً هم برای توصیف اشیاء و هم برای موجودات زنده کاربرد دارد:

I'm very **interested** in physics because I think physics is **interesting**.  
انسان غیر انسان

"من خیلی به فیزیک علاقمند هستم چونکه فکر میکنم فیزیک **جالب** است."

My brother is an **interesting** person. All his jokes are really funny.  
انسان (صفت فاعلی - تاثیر گذار)

"برادرم شخص **جذاب** است. تمامی جکهای او واقعاً با مزه هستند."

نکته (زبان تخصصی): صفت قبل از اسم و بعد از افعال ربطی بکار برده میشود. افعال ربطی افعالی هستند که قبل و بعد از خود را به هم ربط میدهند و بعد از آنها **صفت** میآید نه قید حالت.

### مهمترین افعال ربطی عبارتند از: (زبان تخصصی)

معنی	فعل ربطی	معنی	فعل ربطی	معنی	فعل ربطی
مزه دادن	taste	به نظر رسیدن	look	شدن	get
بود دادن	smell	به نظر رسیدن	sound	شدن	become
ماندن	remain	به نظر رسیدن	appear	شدن	turn
ماندن	stay	به نظر رسیدن	seem	شدن	go
بودن	to be	احساس کردن	feel	شدن	grow

We **got amused** by the film because it **was** really **amusing**.  
صفت فعل ربطی      فعل ربطی      صفت

"ما با فیلم **سرگرم** شدیم زیرا واقعاً **سرگرم کننده** بود."

The weather **became** very **cold** last week.  
فعل ربطی      صفت

"هفته گذشته هوا خیلی **سرد** شد."

(NOT: The weather **became** very **coldly** last week.  
فعل ربطی      قید حالت

نتیجه گیری مهم: بعد از افعال ربطی همیشه "صفت" میآید و هرگز قید حالت را بکار نمیبریم.

کانال تلگرام: "انگلیسی کنکور با جمال احمدی" @PracticalEnglish99

کلاب کنکوری

@ClubKonkori

# "جمع بندی موضوعی گرامر کنکور ۹۹"

جلسه چهارم:

مصدر با to - اسم مصدر  
حروف اضافه - افعال دو کلمه ای

- درس ۴ پایه دهم
- درس ۲ و ۳ پایه یازدهم

تألیف و گردآوری:

## جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

## مصدر با to (Infinitive)

چنانچه "شکل ساده" یا "ریشه فعل"، علامت مصدری "to" بگیرد، تبدیل به "مصدر با to" میشود:

شنا کردن	to swim	دیدن	to see	مطالعه کردن	to study	بازی کردن	to play
ملاقات کردن	to meet	رفتن	to go	قدم زدن	to walk	کار کردن	to work

### محل مصدر با to در جمله:

۱- در حالت عادی، چنانچه جمله ای دارای دو فعل باشد، معمولاً فعل دوم جمله بصورت "مصدر با to" خواهد بود (به غیر از استثناء هایی که در ادامه خواهیم خواند که بعد از آنها فعل ing دار می آید). فعل دوم در نقش "مفعول" برای فعل اول عمل میکند: "او تصمیم گرفت تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."  
 She **decided to learn** Spanish carefully.

**نکته:** در این حالت، تمامی تغییرات زمانی تنها بر روی "فعل اول" جمله روی خواهد داد و همواره فعل دوم بدون تغییر (بصورت مصدر با to) باقی خواهد ماند:

She **decides to learn** Spanish carefully. "او تصمیم میگیرد تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."  
فعل دوم فعل اول (حال ساده)

She has **decided to learn** Spanish carefully. "او تصمیم گرفته است تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."  
فعل دوم فعل اول (حال کامل)

۲- چنانچه بعد از کلمات استفهامی Wh دار بلافاصله فعلی بیاید، آن فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

I don't know **where to buy** a nice shirt.  
مصدر با to کلمه wh دار

۳- بعد صفات چنانچه فعلی بیاید آن فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

He was very **careful to look** both ways when he crossed the road.  
مصدر با to صفت

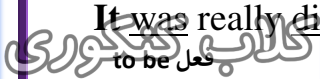
مهمترین صفاتی که معمولاً بعد از آنها "مصدر با to" می آید عبارتند از:

معنی	صفت	معنی	صفت	معنی	صفت
بی دقت	careless	متاسف	sorry	خوشحال	happy
ترسیده	afraid	ممنوع	forbidden	امن - ایمن	safe
خوشحال	glad	نگران	anxious	متعجب	surprised
مناسب	suitable	خوش شانس	lucky	خوب	good
آسان	easy	مغرور	proud	مهم	important
غمگین	sad	مراقب	careful	مطمئن	certain
خوش شانس	fortunate	خطرناک	dangerous	غمگین	upset
آماده	ready	هیجان زده	amazed	شرمنده	ashamed
مشتاق	willing	سخت - مشکل	difficult	سخت	hard

۴- در ساختار بسیار بسیار مهم زیر، فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

It + to be + صفت + (for + مفعول) + to + مصدر با ...

It was really difficult **(for my students) to answer** all the questions correctly.  
مصدر با to مفعول صفت



۵- در ابتدای جمله (در نقش فاعل)، فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود. (فعل جمله باید به شکل "مفرد" باشد).

"یادگرفتن یک زبان خارجی سخت نیست." **To learn** a foreign language **isn't** difficult.

"اسب سواری کردن میتواند جالب باشد." **To ride** a horse can be interesting.

**نکته:** در زبان انگلیسی بیشتر به جای مصدر با to در ابتدای جمله، اولویت با اسم مصدر (فعل **ing** دار) میباشد:

"یادگرفتن یک زبان خارجی سخت نیست." **Learning** a foreign language **isn't** difficult.

"اسب سواری کردن میتواند جالب باشد." **Riding** a horse can be interesting.

۶- برای بیان مقصد و منظور (هدف) از "مصدر با to" استفاده میکنیم:

"پدرم کمی پول برای خرید آن خانه قرض کرد." **My father borrowed some money to buy that house.**  
مصدر با to

۷- بعد از too به معنی "بیش از حد" یا "خیلی" چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود. در این ساختار

بلافاصله بعد از too، "صفت" میآید. (در این حالت، too به تنهایی جمله را "منفی" میکند).

"آن میز برای او بیش از حد سنگین بود که جابجا کند." **That table was too heavy (for him) to move.**  
مصدر با to مفعول صفت

۸- بعد از enough به معنی "کافی" یا "به اندازه کافی" چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود. در این ساختار

بلافاصله بعد از enough، "اسم" میآید.

"رامان به اندازه کافی پول برای خریدن آن دوچرخه ندارد." **Raman don't have enough money to buy that bicycle.**  
مصدر با to اسم

۹- به عنوان متمم فاعل، میتوان هم از "اسم مصدر" و هم از "مصدر با to" استفاده کرد:

**My favorite hobby is reading novels.** = **My favorite hobby is to read novels.**  
فاعل اسم مصدر فاعل مصدر با to

- دو جمله بالا، دقیقاً بیان مجدد نکته شماره ۵ میباشد.

**Reading novels is My favorite hobby.** = **To read novels is My favorite hobby.**  
اسم مصدر مصدر با to

۱۰- چنانچه بعد از ساختار "مجهول" فعل دیگری بیاید آن فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود. (در مباحث جلسات

آتی، به طور مفصل با ساختار جملات مجهول آشنا خواهیم شد).

**They were forced to leave the class quickly.**  
مصدر با to ساختار مجهول

۱۱- بعد از مرتبت اعداد: **the first, the second, the third, the last, ...** و نیز بعد از **the only** و **صفات عالی** چنانچه فعلی

بیاد آن فعل به صورت "مصدر با to" خواهد بود.

"آلفرد همیشه آخرین نفری است که به کلاس میآید." **Alfred is always the last student to come to class.**  
مرتبت اعداد مصدر با to

**نکته ۱:** برای منفی کردن مصدر با to باید قبل از علامت مصدری to قید منفی ساز **not** را اضافه کنیم:

"دانش آموزان قول دادند که اشتباهات زیادی نکنند." **The students promised not to make a lot of mistakes.**  
مصدر با to

3 جمع بندی موضوعی "گرامر" جلسه چهارم: "اسم مصدر - مصدر با to - حروف اضافه" تألیف و گردآوری: "جمال احمدی"

**نکته ۲:** مواظب باشیم که حرف اضافه to که قبل از اسم به معنی "به" بکار برده میشود را با علامت مصدری to که قبل از شکل ساده فعل میآید، اشتباه نگیریم:

I want **to tell** you something about my plan. "میخواهم چیزی را در مورد برنامه ام به تو بگویم."  
 علامت مصدری to

They usually go **to school** by bus. "آنها معمولاً با اتوبوس به مدرسه میروند."  
 اسم حرف اضافه

**نکته ۳:** بعد از "would like" به معنی "مایل بودن"، فعل دوم بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

What would you like **to drink**? "چی میل دارید بنوشید؟"

**نکته ۴ (زبان تخصصی):** برای بیان مقصد و منظور میتوان از "in order to" و "so as to" به معنی "به منظور" یا "تا اینکه" هم استفاده کرد که بعد از آنها "شکل ساده فعل" میآید:

Yesterday, she went to the library **so as to / in order to study** her lessons there.  
 شکل ساده فعل  
 "دیروز او به کتابخانه رفت تا اینکه در آنجا درسهایش را بخواند."

**نکته ۵ (زبان تخصصی):** برای بیان مقصد و منظور میتوان از "so that" و "in order that" به معنی "به منظور" یا "تا اینکه" هم استفاده کرد که بعد از آنها "یک جمله کامل با افعال ناقص" میآید:

Yesterday, she went to the library **so that / in order that she could** study her lessons there.  
 جمله کامل با فعل ناقص

**نکته ۶ (زبان تخصصی):** بعد از افعال زیر فعل دوم بصورت "شکل ساده" میآید:

let	اجازه دادن	help	کمک کردن	make	مجبور کردن
-----	------------	------	----------	------	------------

The teacher didn't **let** the students **speak** at the class.  
 شکل ساده فعل

"معلم به دانش آموزان اجازه نداد که در کلاس صحبت کنند."

• بعد از فعل **help**، فعل دوم هم به صورت "مصدر با to" و هم بصورت "شکل ساده" خواهد آمد:

Raman **help** me **repair / to repair** my car. "رامان به من کمک کرد تا ماشینم را تعمیر کنم."  
 مصدر با to شکل ساده

• فعل **make** چنانچه به معنی "ساختن" یا "درست کردن"، فعل دوم هم به صورت "مصدر با to" و در صورتیکه به معنی "مجبور کردن" باشد، فعل دوم هم بصورت "شکل ساده" خواهد آمد:

**نکته ۷ (زبان تخصصی):** بعد از افعال زیر، فعل دوم هم بصورت "مصدر با to" و هم بصورت "ing دار" خواهد آمد:

<b>like</b>	دوست داشتن	<b>prefer</b>	ترجیح دادن	<b>stop</b>	متوقف کردن
<b>love</b>	دوست داشتن	<b>intend</b>	مایل بودن	<b>need</b>	نیاز داشتن
<b>hate</b>	متنفر بودن	<b>remember</b>	به یاد آوردن	<b>continue</b>	ادامه دادن
<b>begin</b>	شروع کردن	<b>start</b>	شروع کردن	<b>forget</b>	فراموش کردن

Fortunately, my father **stopped smoking**. "خوشبختانه پدرم سیگار کشیدن را متوقف کرد." (توقف برای همیشه)  
 اسم مصدر

کلاب کنکوری  
 I want **to buy** a newspaper.  
 مصدر با to

"من برای خریدن یک روزنامه توقف کردم." (توقف موقتی)

“Gerund”

“اسم مصدر”

اسم مصدر یا "جرند" فعلی است که ing گرفته و در نقش "اسم" بکار رفته باشد. پس اسم مصدر دیگر فعل محسوب نمیشود و همچون اسم میتواند "فاعل" یا "مفعول" جمله باشد.

محل اسم مصدر یا فعل ing دار در جمله:

۱- در ابتدای جمله در نقش "فاعل"، فعل به صورت "اسم مصدر" یا ing دار میآید.

Swimming in this part of the river is very dangerous. Be careful!

اسم مصدر

فعل مفرد

"شنا کردن در آن قسمت رودخانه خیلی خطرناک است. مواظب باشید."

توجه: گاهی در تستها میبینیم که برای فریب ما، ساختار بالا را در وسط جمله ای دیگر مانند مثال زیر می آورند. پس مواظب باشیم که گول نخوریم!!!

I think that Learning a foreign language isn't difficult.

اسم مصدر

فعل مفرد

"من فکر میکنم که یادگیری یک زبان خارجی مشکل نیست."

نکته کنکوری و مهم: اسم مصدر همواره همچون اسم مفرد در جمله در نظر گرفته میشود و فعل همراه آن همواره به صورت

"مفرد" خواهد بود. اما چنانچه در جمله ای بیشتر از یک اسم مصدر داشته باشیم، فعل همراه آن بصورت "جمع" میآید:

Fishing and swimming are my favorite hobbies. "ماهیگیری و شنا کردن سرگرمیهای مورد علاقه من هستند."

اسم مصدر

اسم مصدر

فعل جمع

۲- بعد از go و اشکال آن، برای اشاره به تفریحات و سرگرمیها، فعل به صورت "ing دار" میآید.

go shopping - goes hunting - go swimming

Yesterday, my mother went shopping to buy some meat.

اسم مصدر

"دیروز مادرم به خرید رفت تا کمی گوشت بخرد."

۳- در تابلوها و هشدارها بعد از NO : No smoking - No fishing

۴- بعد از حروف اضافه (در نقش مفعول) چنانچه فعل بیاید آن فعل به صورت "اسم مصدر" یا فعل ing دار خواهد بود.

مهمترین حروف اضافه عبارتند از:

in	off	from	with	of	up
into	for	by	at	to	down
on	after	among	between	through	against
before	without	about	towards	out	over

She is interested in reading history books in her free time.

اسم مصدر

"او به خواندن کتابهای تاریخ در وقت آزادش علاقمند است."

۵- بعد از افعال بسیار مهم زیر، فعل دوم (در نقش مفعول) بصورت "اسم مصدر" بکار برده میشود:

معنی	فعل	معنی	فعل	معنی	فعل
تمرین کردن	<i>practice</i>	پایان دادن	<i>stop</i>	لذت بردن	<i>enjoy</i>
بحث کردن	<i>discuss</i>	تصور کردن	<i>imagine</i>	پایان دادن	<i>finish</i>
ترک کردن	<i>quit</i>	از دست دادن	<i>miss</i>	دوست داشتن	<i>love</i>
نگه داشتن	<i>keep</i>	اهمیت دادن	<i>mind</i>	دوست داشتن	<i>like</i>
خود داری کردن	<i>avoid</i>	انکار کردن	<i>deny</i>	متنفر بودن	<i>dislike</i>
خطر کردن	<i>risk</i>	در نظر گرفتن	<i>consider</i>	متنفر بودن	<i>hate</i>
ادامه دادن	<i>keep on</i>	پیشنهاد دادن	<i>suggest</i>	توجه کردن	<i>notice</i>
ادامه دادن	<i>go on</i>	به تعویق انداختن	<i>postpone</i>	قدردانی کردن	<i>appreciate</i>
جلوگیری کردن	<i>prevent</i>	ممنوع کردن	<i>forbid</i>	رها کردن	<i>give up</i>

"او از **قدم زدن** در پارک در بعد از ظهرها لذت میبرد." He **enjoys walking** at the park in the afternoon.

اسم مصدر

**توجه:** فعل دوم جمله، بعد از برخی از افعال بالا، هم بصورت "اسم مصدر" و هم بصورت "مصدر با to" خواهد بود. که مربوط به کنکور منحصرأ زبان بوده و در انتهای این مبحث به این دسته از افعال اشاره خواهیم کرد.

۶- (زبان تخصصی): به عنوان متمم برای تکمیل معنای فاعل:

"سرگرمی مورد علاقه من **کوه نوردی** است." My favorite hobby is **hiking**.

متمم فاعل      فاعل

**نکته:** حالت بالا را با زمان حال استمراری اشتباه نگیریم که در آن فعل ing میگیرد تا استمرار را نشان دهد و در نقش فعلی خود باقی مانده است:

"آنها الان در حال مطالعه کردن انگلیسی هستند." They **are studying** English now.

زمان حال استمراری

۷- (زبان تخصصی): بعد از افعال حسی، فعل هم بصورت شکل ساده و هم بصورت اسم مصدر (ing دار) خواهد آمد. چنانچه تمام عمل حس شده باشد از شکل ساده فعل ولی چنانچه بخشی از عمل حس شده باشد از اسم مصدر بهره میگیریم:

"من او را دیدم که ظرفها را شست." I **saw** her **wash** the dishes. (کل عمل را دیدم)

شکل ساده فعل      فعل حسی

"من او را در حال شستن ظرفها دیدم." I **saw** her **washing** the dishes. (بخشی از عمل را دیدم نه تمام عمل را)

اسم مصدر      فعل حسی

**افعال حسی عبارتند از:**

<i>see</i>	دیدن	<i>hear</i>	شنیدن	<i>notice</i>	توجه کردن
<i>listen</i>	گوش دادن	<i>taste</i>	مزه کردن	<i>feel</i>	احساس کردن
<i>watch</i>	تماشا کردن	<i>smell</i>	بو کردن	<i>find</i>	پی بردن



## افعال دو کلمه ای جدا شونده (افعال مرکب)

دسته ای از افعال هستند که از دو قسمت "جزء قیدی + فعل" تشکیل شده اند. به بیانی ساده تر در این حالت حرف اضافه ای که بعد از فعل میآید باعث تغییر معنای فعل شده و معنای جدیدی به وجود میآید و خود آن حرف اضافه هم دیگر هنگام ترجمه نخواهد آمد و معنی ندارد.

مفعول چنانچه اسم باشد هم ما بین فعل و حرف اضافه میآید و هم میتواند بعد از آن حرف اضافه بیاید. اما چنانچه مفعول به صورت ضمیر باشد، فقط "ما بین فعل و حرف اضافه" بکار برده میشود و هرگز بعد از حرف اضافه نمیآید:

Turn on the TV please. = Turn the TV on please.  
مفعول بصورت اسم مفعول بصورت اسم

Turn it on please. ( **NOT**: Turn on it please.)  
مفعول بصورت ضمیر مفعول بصورت ضمیر

Does he put on his glasses? = Yes, he put them on.  
مفعول بصورت اسم مفعول بصورت ضمیر

### مهمترین افعال دو کلمه ای جدا شدنی:

فعل	معنی	فعل	معنی
turn on	روشن کردن	call up	صدا زدن - تلفن کردن
turn off	خاموش کردن	give back	پس دادن
turn up	صدای چیزی را بالا بردن	pick up	بر داشتن، بلند کردن
turn down	صدای چیزی را پائین آوردن	look up	گشتن به دنبال معنی لغت
put on	پوشیدن	wake up	از خواب بیدار کردن
take off	کندن - در آوردن	take apart	از هم جدا کردن
throw away	دور انداختن	put out	خاموش کردن
add up	اضافه کردن	find out	پی بردن، فهمیدن

حروف اضافه مربوط به زمان (*Prepositions of Time*):

کاربردهای حرف اضافه "in"	
قسمتهای مختلف روز	<u>in</u> the morning / <u>in</u> the afternoon / <u>in</u> the evening
ماه	<u>in</u> April / <u>in</u> January / <u>in</u> February
فصل	<u>in</u> (the) spring / <u>in</u> summer / <u>in</u> autumn / <u>in</u> winter
سال، دهه و قرن	<u>in</u> 1998 / <u>in</u> 1980s / <u>in</u> 18 <sup>th</sup> century
مناسبت ها	<u>in</u> Norooz

❖ برخی از کاربردهای دیگر (in) برای زمان در کتاب های درسی و در حد کنکور:

in a week "در یک هفته" in the past "در گذشته"

in a few minutes "در چند دقیقه" in the future "در آینده"

کاربردهای حرف اضافه "on"	
روز	<u>on</u> Sunday / <u>on</u> Saturday
تاریخ	<u>on</u> April 18 <sup>th</sup> / <u>on</u> the first of June
قسمتی از روز با ذکر نام	<u>on</u> Tuesday evening / <u>on</u> Monday morning
تعطیلی، آخر هفته	<u>on</u> holiday / <u>on</u> vacation

کاربردهای حرف اضافه "at"	
ساعت	<u>at</u> 2 o'clock / <u>at</u> 7:45
طلوع و غروب آفتاب	<u>at</u> sunrise (طلوع آفتاب) / <u>at</u> sunset (غروب آفتاب)
ظهر و نصف روز	<u>at</u> noon / <u>at</u> midday (نیمه روز)
شب و نصف شب	<u>at</u> night / <u>at</u> midnight (نیمه شب)
هنگام صرف غذا	<u>at</u> lunch / <u>at</u> dinner time
کریسمس	<u>at</u> Christmas

❖ برخی از کاربردهای دیگر (at) برای زمان در کتاب های درسی و در حد کنکور:

at present [در حال حاضر] at the moment [همین الان]

at once [فورا] at first [ابتدا]

at the same time [بطور همزمان] at last [سرانجام]

at the beginning [در شروع] at least [حداقل]

حروف اضافه مربوط به مکان (*Prepositions of Place*):

کاربردهای حرف اضافه "in"	
روستا	<b>in</b> Dashband
شهر	<b>in</b> Bukan / <b>in</b> Tehran / <b>in</b> Paris
استان	<b>in</b> West Azerbaijan
کشور	<b>in</b> Iran / <b>in</b> the USA / <b>in</b> Spain
قاره	<b>in</b> Asia / <b>in</b> Europe
درون، داخل	<b>in</b> the garden / <b>in</b> my bag

برخی از کاربردهای دیگر (in) برای مکان در کتابهای درسی و در حد کنکور:

<b>in</b> a village	<b>in</b> a town	<b>in</b> a city
<b>in</b> the world	<b>in</b> mountains	<b>in</b> a hurry (در عجله بودن)
<b>in</b> a forest	<b>in</b> the yard	<b>in</b> the street
<b>in</b> the river	<b>in</b> the lake (در دریاچه)	<b>in</b> the sea
<b>in</b> ocean	<b>in</b> bed	<b>in</b> hospital
<b>in</b> prison (در زندان)	<b>in</b> a book	<b>in</b> the picture
<b>in</b> the middle (در وسط)	<b>in</b> a line (در یک صف)	<b>in</b> a country

کاربردهای حرف اضافه "on"	
بر روی (با داشتن تماس)	<b>on</b> the table / <b>on</b> the desk
جهت، سمت	<b>on</b> the left [سمت چپ] / <b>on</b> the right [سمت راست]
صفحه	<b>on</b> page 5
رادیو، تلویزیون	<b>on</b> TV / <b>on</b> the radio
طبقه ساختمانی	<b>on</b> the second floor
قبل از تلفن	<b>on</b> the phone

برخی از کاربردهای دیگر (on) برای مکان در کتابهای درسی و در حد کنکور:

<b>on</b> a chair	<b>on</b> the wall [بر روی دیوار]
<b>on</b> the ground [بر روی زمین]	<b>on</b> the way [در راه]
<b>on</b> the floor [کف اتاق]	<b>on</b> the bus
<b>on</b> the train	<b>on</b> the table
<b>on</b> the farm [بر روی مزرعه]	<b>on</b> the map [بر روی نقشه]

## کاربرد "next to" به معنی "جنب، کنار" برای مکان:

کاربرد این حرف اضافه از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

**next to** police station / **next to** the post office / **next to** the hospital  
**next to** the window / **next to** the drugstore

نکته: به جای حرف اضافه next to میتوان از معادل های آن یعنی "near"، "by"، "beside" هم استفاده کرد.

## کاربرد "in front of" به معنی "جلوی" برای مکان:

کاربرد این حرف اضافه هم، مانند **next to** از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

**in front of** the hospital / **in front of** the post office / **in front of** police station  
**in front of** the drugstore / **in front of** the window

نکته اضافی: حروف اضافه (at)، (under)، (over)، (روی)، (behind پشت)، (at / in the back of) و (between بین)، (among ما بین)، برای مکان استفاده می شوند.

→ **at** home / **at** work / **at** school / **at** the station / **at** the airport / **at** the seaside

→ **under** the desk / **under** table / **under** the bed / **under** the water

→ **over** the table / **over** the door / **over** the body (بدون تماس)

→ **behind** a chair / **behind** the door / **behind** the car

→ **between** Rasht and Tehran / **between** the two countries (بین دو اسم)

→ **among** the students / **among** the animals (ما بین چندین اسم)

**At** 159 Main Street.

نکته ۱: حرف اضافه مربوط به آدرس **at** میباشد.

**by** car - **by** bus

نکته ۲: حرف اضافه مربوط به وسایل نقلیه **by** میباشد.

**from** Tehran **to** Bukan

نکته ۳: حرف اضافه مربوط به نقطه شروع ... نقطه پایان **from ... to** میباشد.

@PracticalEnglish99

کانال تلگرام: "انگلیسی کنکور با جمال احمدی"

کلاب کنکورچی

@ClubKonkori

# "جمع بندی موضوعی گرامر کنکور ۹۹"

جلسه پنجم:

کاربرد افعال ناقص (*Modals*)  
جملات شرطی (*Conditional Sentences*)

- درس ۴ پایه دهم
- درس ۳ پایه یازدهم
- درس ۲ و ۳ پایه دوازدهم

تألیف و گردآوری:

# "جمال احمدی"

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

کانال تلگرام: "انگلیسی کنکور با جمال احمدی" @PracticalEnglish99

## “Modals”

## افعال ناقص یا وجهی

معنی	شکل سوم	شکل دوم	شکل اول
توانستن	-	could	can
ممکن بودن	-	might	may
باید، بهتره	-	-	should
باید	-	-	must
خواستن	-	would	will

این دسته از افعال، تمامی ویژگیهای سایر افعال دیگر را دارا نمیباشند و خود دارای ویژگیهای منحصر به فرد زیر میباشند:

- این افعال هرگز علامت مصدری to ، ing استمرار، ed برای زمان گذشته و s سوم شخص مفرد نمیگیرند و همیشه در جمله بصورت "شکل ساده" (مصدر بدون to) بکار برده میشوند.
- بعد از افعال ناقص، فعل همواره به صورت "شکل ساده" (مصدر بدون to) می آید.
- افعال ناقص همانند افعال کمکی در جمله بکار میروند یعنی "ما بین فاعل و فعل اصلی" جمله میآیند.
- هر گاه جمله ای داشته باشیم که در آن یک فعل ناقص بکار رفته باشد، برای سؤالی کردن آن جمله فعل ناقص را به قبل از فاعل انتقال میدهیم و برای منفی کردن بعد از آن فعل ناقص قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن یعنی **n't** را اضافه میکنیم.
- این افعال شکل سوم فعل (p.p.) ندارند.

### کاربرد فعل ناقص "Can" به معنی "توانستن":

**الف) توانایی انجام کار یا عملی در زمان حال یا آینده:**

I **can speak** French.

"من میتوانم فرانسوی صحبت کنم."

She **can swim** well.

"او به خوبی میتواند شنا کند."

**ب) درخواست و اجازه انجام کار یا عملی:**

**Can you help** me lift this box?

"میتوانی بهم کمک کنی که این جعبه را بردارم."

You **can stop** work early today.

"تو میتوانی امروز کارت را زودتر متوقف کنی."

A: "Can I **use** your car?"

"میتوانم از ماشینت استفاده کنم؟"

**نکته ۱:** "be able to" به معنی "قادر بودن" برای توانایی انجام کار بکار می رود. در برخی موارد به جای "can" بکار میروند. بعد

از ساختار be able to هم "شکل ساده فعل" میآید. در جمله be با توجه به زمان و نوع فاعل به شکلهای مختلف افعال to be

تغییر میکند. (در زمان حال به: am, is, are و در زمان گذشته به: was, were)

She **can speak** English well.

"او میتواند انگلیسی را به خوبی صحبت کند."

She **is able to speak** English well.

"او قادر است که انگلیسی را به خوبی صحبت کند."

**نکته ۲:** شکل گذشته این فعل ناقص، **could** میباشد که توانایی انجام کار در گذشته را نشان میدهد.

When I was a child, I **could climb** the trees easily.

"وقتیکه بچه بودم به راحتی از درختان بالا میرفتم."

شکل ساده فعل

## کاربرد فعل ناقص "May" به معنی "ممکن بودن":

(الف) برای بیان احتمال کار یا عملی در زمان حال یا آینده:

It may **rain** tomorrow. "فردا احتمال داره باران بباره."

It may **be** late, so don't wait for me. "احتمالاً دیر بشه، پس منتظر من نشو."

(ب) اجازه انجام کار یا عملی:

May I **use** your cellphone? "ممکنه از موبالیت استفاده کنم؟"

May I **leave** the classroom? "ممکنه کلاس را ترک کنم؟"

**نکته ۱:** شکل گذشته این فعل ناقص، **might** میباشد که احتمال انجام کار در گذشته را نشان میدهد. اگر این فعل ناقص در زمان حال بکار برده شود به نسبت may احتمال آن ضعیف تر خواهد بود.

## کاربرد فعل ناقص "Should" به معنی "باید" یا "بهبتره":

(الف) برای بیان نصیحت، پیشنهاد، توصیه و بهتر بودن انجام کار یا عملی:

You look tired. You **should go** to bed. "به نظر خسته میرسی. بهتره بری بخوابی."

The government **should help** poor people. "حکومت باید به افراد فقیر کمک کند."

(ب) برای بیان انجام وظیفه و مسئولیت:

You **should visit** your parents more than this. "تو بهتره بیشتر از این از والدینت دیدن کنی."

He **shouldn't waste** your money. "تو نباید پولت را هدر بدی."

**نکته ۱ (زبان تخصصی):** عبارت (**had better = 'd better**) موقعی استفاده می شود که فرد، چیزی را که مطلوب و دلخواه باشد را انجام ندهد، نتایج و تاثیرات منفی خواهد داشت. بعد از این فعل ناقص هم "شکل ساده فعل" بکار برده میشود.

It's five o'clock. I **had better go** now before the traffic gets too heavy. "ساعت ۵ است. بهتره الان بروم تا قبل از اینکه ترافیک خیلی شدید بشود." شکل ساده فعل

**نکته ۲ (زبان تخصصی):** کلمه "**ought to**" برای چیزی که مطلوب و ایده آل باشد، به ویژه در سبک رسمی انگلیسی بریتانیا بکار می رود. بعد از این فعل ناقص هم "شکل ساده فعل" بکار برده میشود.

We **ought to eat** lots of fruit and vegetables every day. "تو باید هر روزه میوه و سبزیجات زیادی بخوری." شکل ساده فعل

## موارد کاربرد فعل ناقص "Must" به معنی "باید":

(الف) برای بیان الزام و ضرورت شدید شخصی:

I **must buy** some new clothes. My clothes are so old. "من باید لباسهای تازه بخرم. لباسهام خیلی کهنه هستند."

(ب) برای بیان استنباط و نتیجه گیری (احتمال خیلی زیاد):

Mary **must have** a problem. She keeps crying. "مری میبایستی مشکلی داشته باشه. همش داره گریه میکنه."

(ج) در اطلاعیه های عمومی و علائم هشداردهنده که نشانگر قوانین، امر و نهی و .... می باشد.

You **must wash** your hands before returning to work. "تو میبایستی دستهایت را قبل از برگشتن به سرکار بشویی."



نکته ۱: برای الزام بیرونی (یعنی الزام از طرف بیرون) به جای (must) از (has to , have to) به معنی "مجبور بودن" استفاده می شود. بعد از آنها هم همواره شکل ساده فعل می آید. (در این حالت have و has به معنی "داشتن" یا "خوردن" نیستند).  
از has to برای فاعلهای سوم شخص مفرد و برای سایر فاعلها از have to استفاده میشود.

I **have to wear** formal clothes. I have a new job as a teacher.  
"من مجبورم لباس رسمی بپوشم. من شغل جدیدی رو به عنوان یک معلم دارم."  
You **have to pass** your exam or (وگرنه) the university will not accept you.  
"تو مجبوری در امتحانات قبول بشی وگرنه دانشگاه تو را اخراج خواهد کرد."

نکته ۲: فعل ناقص must شکل گذشته ندارد و برای الزام و ضرورت به انجام کاری در گذشته از (had to) به معنی "مجبور بودن" استفاده می شود که اجبار در گذشته را نشان میدهد و شکل گذشته have to و has to میباشد.  
The car broke down. We **had to get** a taxi. "ماشین خراب شد. ما مجبور شدیم تاکسی بگیریم."  
When she got home, she **had to cook** dinner before everyone arrived.  
"وقتی که او به خانه رسید، قبل از اینکه همه وارد شوند، مجبور بود شام پزند."

نکته مهم ۳: چنانچه بعد از افعال ناقص، شکلی از افعال to be بیاید آن فعل to be، فقط خود be خواهد بود.  
It **may be** rain today. "امروز احتمال داره باران بباره."  
فعل ناقص

نکته مهم ۴: در جلسه ششم جمع بندی یاد خواهیم گرفت که چنانچه افعال ناقص، در جملات مجهول بکار برده شوند ساختار جمله به صورت زیر خواهد بود:

**(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + be + فعل ناقص + مفعول**

"مدیر باید به والدین زنگ بزند."  
The principal **should call** the parents. جمله معلوم  
"به والدین باید زنگ زده شود. (توسط مدیر)"  
The parents **should be called** (by the principal). جمله مجهول

یادداشت:

-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----

## کاربرد افعال ناقص در ساختارهای زمان گذشته (نظام قدیم - زبان تخصصی):

**نکته:** چنانچه بعد از افعال ناقص، ساختار have + p.p. آمده باشد، به زمان "گذشته" اشاره دارند.

### 1- should + have + p.p.

از این ساختار برای اشاره به عملی که "می بایست" یا "بهبتر بود" در گذشته انجام بگیرد استفاده میکنیم. (برای نصیحت و توصیه و بیان سهل انگاری و بی توجهی در زمان گذشته):

Alfred failed the test. He **should have studied** so hard.

"آلفرد در آزمون قبول نشد. او میبایستی خیلی به سختی مطالعه میکرد. ( اما مطالعه نکرد.)"

You **should have practiced** more to win the competition. But you shouldn't.

"تو باید بیشتر تمرین میکردی تا در مسابقه پیروز بشوی. اما این کار را نکردی."

He lost his watch yesterday. He **should have been** more careful. (but he wasn't.)

"او ساعتش را دیروز گم کرد. باید بیشتر مراقب می بود. (اما نبود)"

He was sleepy in the classroom. He **should have slept** more last night. (But he didn't.)

"او در کلاس درس خواب آلود بود. او دیشب می بایستی بیشتر می خوابید (ولی نخوابید.)"

### 2- shouldn't + have + p.p.

این ساختار حالت منفی ساختار شماره ۱ میباشد و برای اشاره به عملی بکار میرود که "نمی بایست" در گذشته انجام گیرد. (انجام گرفته است اما بهتر بود انجام نگیرد).

I hurt my back. I **shouldn't have lifted** that heavy box alone.

"پشتم درد میکنه. من نباید آن جعبه سنگین را به تنهایی برمیداشتم." (اما این کار را کردم)

The letter wasn't for her. She **shouldn't have opened** it. (But she did.)

"نامه برای او نبود. او نمی بایست نامه را باز می کرد." (ولی باز کرد).

It was very cold. You **shouldn't have gone out** without a coat. (but you did.)

"هوا سرد بود. شما نمی بایست بدون کت بیرون می رفتید." (اما بیرون رفتید)

### 3- may / might + have + pp

این ساختار برای بیان "احتمال ضعیف وقوع عملی در گذشته" است که احتمال آن کمتر از ۵۰٪ باشد بکار برده میشود. (شک، تردید و عدم اطمینان)

Mary wasn't at the party. She **may / might have been** sick.

"مری در مهمانی نبود. احتمال داره مریض بوده باشد."

در جمله بالا، گوینده از مریض بودن "مری" مطمئن نمی باشد و تنها احتمال می دهد که او مریض است.

**نکته:** باید توجه داشت که might نسبت به may از درجه احتمال کمتری برخوردار میباشد.

#### 4- may / might + not + have + pp

حالت منفی فرمول شماره ۳ میباشد. این ساختار برای بیان "احتمال ضعیف عدم وقوع عملی در گذشته" است که احتمال آن کمتر از ۵۰٪ باشد بکار برده میشود. یعنی برای اشاره به عملی که احتمال ندارد در گذشته انجام گرفته باشد. (اما مطمئن نیستیم که انجام گرفته است یا نه)

I wonder why the math teacher didn't come to the meeting. He **might not have known** about it.  
"من نمی دانم چرا معلم ریاضی به جلسه نیامد. ممکن است او درباره آن خبر نداشته باشد." (شاید از جلسه خبر نداشت.)

A: "I was surprised that Maryam wasn't at the party." "عجیب بود که مریم در جلسه حضور پیدا نکرد."  
B: I'm not sure. "She **might not have been** sick." "مطمئن نیستیم. احتمال نداشت مریض باشد."

#### 5- must + have + pp

از این ساختار برای اشاره به عملی که "لابد" یا "حتماً" در گذشته انجام گرفته است. (با دلیل و مدرک و یا استنباط منطقی) یعنی برای بیان عملی است که به احتمال قوی (بیش از ۹۵٪) در گذشته رخ داده است. از آن برای نتیجه گیری در زمان گذشته استفاده میشود. این ساختار حالت منفی ندارد و در تستها حالت منفی آن همواره اشتباه میباشد.

Raman passed all the final exams with the highest grades. He **must have studied** very hard during the academic year.

"رامان" تمامی امتحانات نهایی را با بالاترین نمرات قبول شد. او لابد در طی سال تحصیلی خیلی سخت درس خوانده است."

#### 6- can't / couldn't + have + pp

فرمول شماره ۵ حالت منفی ندارد و این فرمول برای حالت منفی آن بکار میرود. از این ساختار برای اشاره به عملی که لابد یا حتماً (با دلیل، مدرک و یا استنباط منطقی) در گذشته "نمی توانسته" انجام گرفته باشد.

A: "Your grandfather answered the phone." "پدر بزرگت جواب تلفن را داد."

B: "He **can't / couldn't have been** my grandfather. He died many years ago."

"او نمی توانسته پدر بزرگم باشد چون او خیلی سالها قبل فوت کرد."

She passed the exam without studying for it. The exam **can't have been** very difficult.

"او بدون این که درس خوانده باشد در امتحان قبول شد. حتماً امتحان آن قدرها دشوار نبوده است."

#### 7- could + have + pp

از این ساختار برای اشاره به عملی استفاده میکنیم که "میتوانست" انجام بگیرد اما انجام نگرفته است. (برای بیان عملی است که توانایی انجام آن در گذشته وجود داشته، ولی روی نداده است.) این ترکیب نشان میدهد که فاعل امکان، شانس و فرصت انجام کاری را در گذشته داشته ولی بنا به ملاحظاتی آنرا انجام نداده است.

There was an interesting film on TV. I **could have watched** it, but I went to the cinema.

"تلویزیون فیلم عالی را نشان میداد. میتوانستم که فیلم را تماشا کنم (ولی تماشا نکردم) و به جای آن به سینما رفتم."

He is a rich man. He **could have bought** an expensive car. (But he didn't.)

"او مرد ثروتمندی است. او میتوانست یک ماشین گران قیمت را بخرد. (ولی نخریده است.)"

They had enough time. They **could have gone** to park. (but they didn't.)

"آنها وقت کافی داشتند، میتوانستند به پارک بروند. (اما نرفتند.)"

برای فهم بهتر این گرامر مهم " کاربرد افعال ناقص در گذشته"، به مثالهای زیر و ترجمه ی فارسی آنها به دقت توجه نمائید:

### (نظام قدیم - زبان تخصصی)

1- Farid worked hard all day long. So, he went to bed early last night. He **must have been** too tired.

"فرید در تمام طول روز به سختی کار کرد. بنابراین دیشب زود به بستر رفت. حتماً (لابد) بیش از حد خسته بوده است." (نتیجه گیری منطقی)

2- I wonder why she didn't answer the phone. She **may have been** asleep.

"نمی دانم چرا تلفن را جواب نداد. شاید خواب بوده باشد." (احتمال ضعیف)

3- Farhad caught a bad cold last night, He **must have stayed** in the rain for a long time.

"فرهاد دیشب سرماخوردگی شدیدی گرفت، باید مدت طولانی زیر باران مانده باشد." (بر اساس يك نتیجه گیری منطقی و عقلايي)

4- This report is full of mistakes. You **should have worked** more carefully.

"این گزارش پر از غلط املايي است، باید با دقت بیش تر کار می کردی. (اما با دقت بیش تری کار نکردی.)"

5- A: I can't find my bag anywhere.

B: you **might have left** in the shop. I'm not sure.

"من کیفم را نمی توانم هیچ جا پیدا کنم. - ممکن است شما آن را در مغازه جا گذاشته باشی. مطمئن نیستم." (احتمال ضعیف)

6- They aren't home. They **may have gone** out shopping.

"آنها خانه نیستند. ممکن است برای خرید بیرون رفته باشند." (احتمال ضعیف)

7- I hurt my back. I **shouldn't have lifted** that heavy box.

"پشتم صدمه دید. نباید آن جعبه ی سنگین را بلند می کردم." (ولی جعبه ی سنگین را بلند کردم.)

8- That big box was very heavy. He **can't / couldn't have taken** it by himself.

"آن جعبه بزرگ خیلی سنگین بود. او به تنهایی نمی توانسته آن را برده باشد." (بر اساس يك نتیجه گیری منطقی و عقلايي)

9- You shouldn't have driven so fast! You **might have had** an accident.

"نبايد این قدر به سرعت رانندگی میکردی! ممکن بود تصادف کنی." (ولی میدانیم تصادف رخ نداده است.)

10- We had enough food at home. They **could have eaten** lunch with us, but they ate at a restaurant.

"ما در خانه غذای کافی داشتیم. آنها می توانستند با ما ناهار بخورند اما در رستوران ناهار میل کردند."

11- Why did you throw the bottle out of the window? It **might have hit** somebody.

"چرا بطری را از پنجره بیرون انداختی؟ ممکن بود به کسی بخورد." (احتمال ضعیف)



## جملات شرطی "Conditional Sentences"

این نوع از جملات، جملات مرکبی هستند که در آنها انجام یک عمل مشروط به انجام کاری دیگری میباشد. مثال:

"اگر باران نبارد من بیرون می روم."  
 - در این مثال شرط بیرون رفتن گوینده، باران نباریدن است.  
**If it doesn't rain, I will go out.**

"اگر قطار تاخیر نداشته باشد او دیر نخواهد کرد."  
 - در این مثال شرط تاخیر نداشتن فاعل، این است که قطار تاخیر نداشته باشد.  
**He won't be late if the train isn't delayed.**

### ساختار کلی جملات شرطی:

جمله شرط **if** جواب شرط → جواب شرط , جمله شرط **if**

همانطور که ملاحظه می نمائید میتوان جواب شرط را به ابتدای جمله منتقل کرد و در این حالت برای معنای جمله مشکلی پیش نخواهد آمد و تنها ویرگول حذف میشود.

## انواع جملات شرطی:

۱- شرطی نوع اول      ۲- شرطی نوع دوم      ۳- شرطی نوع سوم      ۴- شرطی نوع صفر

۱- جملات شرطی نوع اول: در شرطی نوع اول، جمله شرط در زمان "حال ساده" و جواب شرط در زمان "آینده ساده" خواهد بود. یعنی عملی را نشان میدهد که به شرط انجام کار دیگری احتمال دارد در آینده میشود.

### زمان آینده ساده , زمان حال ساده **if**

**If** you study more, you will learn a lot.      →      You will learn a lot **if** you study more.  
 حال ساده      آینده ساده      آینده ساده      حال ساده

نکته ۱: در جواب شرط به جای Will میتوان از شکل اول افعال ناقص (**can, may, should, must**) استفاده کرد.

"اگه الان نروی، قطار را از دست خواهی داد."  
**If you don't go now, you may miss the train.**

نکته ۳: برای سؤالی کردن جملات شرطی، جواب شرط را سؤالی میکنیم:

"اگه در بعد از ظهر باران ببارد، در خانه خواهی ماند؟"  
**Will you stay home if it rains in the afternoon?**

نکته ۳: در جملات شرطی نوع اول میتوان جواب شرط را برای اشاره به توصیه، پیشنهاد یا دستور به صورت امری بیان کرد:

یادآوری: جملات امری با شکل ساده فعل شروع شده و با **don't** منفی میشوند:

"اگه او به اینجا آمد، بهش بگو که من در خانه نیستم."  
**If he comes here, tell him that I'm not at home.**  
 جمله امری

نکته ۴: اگر قصد انجام عملی را در آینده داشته باشیم و یا بخواهیم برنامه ریزی را در آینده بیان کنیم، در جواب شرط، به جای Will میتوان از ساختار "**be going to**" استفاده کرد:

**If Raman wins the competition, he is going to invite us to dinner next Friday.**

"اگه رامان در رقابت برنده بشود، جمعه آینده ما را به شام دعوت خواهد کرد."

**نکته ۵:** در جمله شرط به جای زمان حال ساده میتوان از زمانهای "**حال استمراری**" برای اشاره به عملی که هم اکنون در حال انجام میباشد و زمان "**حال کامل**" برای اشاره به عملی که در گذشته انجام شده و اثر و نتیجه آن باقی مانده باشد، هم استفاده کرد:

If you **are studying** your final exams, you **shouldn't use** your cell phone.  
 "اگر برای امتحانات نهایی در حال مطالعه کردن هستی، نباید از تلفن همراهت استفاده کنی."  
 حال استمراری

If he **has written** the letter, I **will post** it soon.  
 "اگر او نامه را نوشته است، من آن را پست خواهم کرد."  
 حال حامل

**نکته ۶:** بعد از if هرگز will و یا would بکار برده نمیشود:  
 "تو بیشتر یاد خواهی گرفت اگر بیشتر مطالعه کنی."

You will learn a lot **if** you **will** study more.

**۲- جملات شرطی نوع دوم:** این جملات درباره موقعیتهای فرضی یا خیالی صحبت می کنند که احتمال رخ دادن آنها غیر ممکن است یا در گذشته می توانستند رخ بدهند اما چون اتفاق نیافتاده اند، حالا احتمال رخ دادن آنها غیر ممکن شده است. در این نوع از جملات شرطی، جمله شرط در "**زمان گذشته ساده**" (شکل دوم فعل + فاعل) و جواب شرط در "**زمان آینده در گذشته ساده**" (شکل ساده فعل + Would + فاعل) خواهد بود. در جواب شرط به جای would میتوان از شکل دوم افعال ناقص (could, might) هم استفاده کرد.

**زمان آینده در گذشته ساده , زمان گذشته ساده If**

If you **studied** more, you **would learn** more. → You **would learn** more **if** you **studied** more.  
 گذشته ساده                      آینده در گذشته ساده  
 "اگر بیشتر مطالعه میکردی، بیشتر یاد میگرفتی."

If it **didn't rain**, she **would go** on a picnic. → she **would go** on a picnic **if** it **didn't rain**.  
 گذشته ساده                      آینده در گذشته ساده  
 "اگر باران نمیبارید او به گردش میرفت."

If I **had** enough money, I **could** visit 80 countries.  
 "اگر به اندازه کافی پول داشتم میتونستم از ۸۰ کشور دیدن کنم."

If I **knew** his name, I **would** tell you.  
 "اگر اسمش را می دانستم به تو می گفتم."

**نکته ۱:** در جملات شرطی نوع دوم، اگر بخواهیم یکی از افعال **to be** را بکار ببریم، برای تمامی فاعلها، فقط از **were** استفاده میکنیم. و نمیتوان **was** را بکار برد.

If I **were** you, I **would** tell my parents.  
 "اگر من به جای تو بودم، به والدینم می گفتم."

If he **were** a millionaire, he **could** travel around the world.  
 "اگر میلیونر بود، میتوانست به دور دنیا سفر کنه."

If my brother **were** you, he **would** never buy that car.  
 "اگر برادرم جای تو بود، هرگز اون ماشین را نمیخرید."

If I **were** rich, I **might** spend all my time traveling.  
 "اگر ثروتمند بودم، احتمالاً همه وقتم را صرف مسافرت میکردم."



**نکته ۲ (زبان تخصصی):** در این حالت میتوان if را از جمله حذف کرده و were را به ابتدای جمله بیاوریم، در این صورت جمله خبری، دارای ساختار سؤالی میشود اما در معنی جمله تغییر ایجاد نخواهد شد:

"اگه برادرم جای تو بود، هرگز اون ماشین را نمیخرید." **Were** my brother you, he **would** never buy that car.

"اگه ثروتمند بودم، احتمالاً همه وقتم را صرف مسافرت میکردم." **Were** I rich, I **might** spend all my time traveling.

**۳- جملات شرطی نوع سوم (زبان تخصصی):** از این نوع از جملات شرطی در مواردی که کاری در گذشته انجام نشده است و یا اتفاقی که امکان وقوع آن در زمان حال یا آینده دیگر وجود ندارد، استفاده میکنیم. (زمان در این نوع از جملات مربوط به گذشته است که برای تصور کردن نتیجه چیزی که در گذشته روی نداده است به کار می رود.)

در این نوع از جملات شرطی، جمله شرط در زمان گذشته کامل (شکل سوم فعل + had + فاعل) و جواب شرط در زمان آینده در گذشته ساده (شکل سوم فعل + would + have + فاعل) خواهد بود. در جواب شرط به جای would میتوان از شکل دوم افعال ناقص (could, might) هم استفاده کرد. در درس سوم با زمان گذشته کامل آشنا خواهیم شد!!!!

### زمان آینده در گذشته کامل, زمان گذشته کامل If

"اگه بیشتر مطالعه کرده بودی، بیشتر یاد میگرفتی." **If** you **had studied** more, you **would have learnt** a lot.  
گذشته کامل آینده در گذشته کامل

→ You **would have learnt** a lot **if** you **had studied** more.  
گذشته کامل آینده در گذشته کامل

"اگه باران نباریده بود، آنها به گردش میرفتند." **If** it **hadn't rained**, they **could have gone** on a picnic.  
گذشته کامل آینده در گذشته کامل

→ They **could have gone** on a picnic **if** it **hadn't rained**.  
گذشته کامل آینده در گذشته کامل

برای فهم بهتر این نوع از جملات شرطی نوع سوم، به مثالهای زیر و معنی آنها توجه کنید:

**If** we **had taken** a taxi, we **wouldn't have missed** the train  
"اگر تاکسی گرفته بودیم قطار را از دست نمی دادیم." (ولی ما تاکسی نگرفتیم و قطار را هم از دست دادیم)

**If** I **had found** his address, I **would have sent** him an invitation  
"اگر آدرسش را پیدا می کردم دعوتش می کردم." (ولی آدرس او را پیدا نکردم و دعوتش هم نکردم).

**نکته ۱ (زبان تخصصی):** در این حالت میتوان if را از جمله حذف کرده و had را به ابتدای جمله بیاوریم، در این صورت جمله خبری، دارای ساختار سؤالی میشود اما در معنی جمله تغییر ایجاد نخواهد شد:

**Had** I **known** you wanted to talk to me, I **wouldn't have left** the office." (= if I had known...)  
"اگه میدانستم تو میخواستی با من حرف بزنی، من اداره را ترک نمیکردم."

**Had** we **not missed** the plane, we **would all have been killed** in the crash. (NOT: **Hadn't** we missed...)  
"اگه ما قطار را از دست نداده بودیم در تصادف کشته شده بودیم."

- در ساختار بالا، not به اول جمله نیاید و صورت منفی فعل، مخفف نمی شود.



# "جمع بندی موضوعی گرامر کنکور ۹۹"

جلسه ششم:

## جملات معلوم و مجهول (Active & Passive Voice)

درس ۱ و ۳ پایه دوازدهم

تألیف و گردآوری:

# "جمال احمدی"

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

# "جملات معلوم و مجهول"

**جمله معلوم (Active Voice):** جمله ای که در آن فاعل (یا کننده کار) معلوم و مشخص باشد و در ابتدای جمله بیاید را "جمله معلوم" مینامیم. در جملات معلوم تأکید بر "رابطه ی ما بین فاعل و فعل" میباشد.

## ترتیب اجزای جمله معلوم (جملات مثبت):

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل اصلی + فعل کمکی + فاعل

My mother is washing the dishes carefully at the kitchen right now.

فاعل      فعل کمکی      فعل اصلی      مفعول      قید حالت      قید مکان      قید زمان

"مادرم هم اکنون در آشپزخانه با دقت در حال شستن ظرفها میباشد."

**جمله مجهول (Passive Voice):** جمله ای که در آن یا فاعل (کننده کار) جمله معلوم و مشخص نباشد و یا اینکه اهمیت فعل و مفعول بیشتر از دانستن فاعل جمله باشد را "جمله مجهول" مینامیم. در جملات مجهول، مفعول به جای فاعل در ابتدای جمله قرار می گیرد. در جملات مجهول "تأکید بر رابطه فعل و مفعول" میباشد.

## ترتیب اجزای جمله مجهول (جملات مثبت):

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + فعل کمکی + مفعول

The dishes are being washed carefully at the kitchen right now (by My mother).

مفعول      فعل کمکی      شکل سوم فعل      قید حالت      قید مکان      قید زمان      فاعل

"هم اکنون ظرفها با دقت در آشپزخانه در حال شسته شدن هستند (توسط مادرم)."

## موارد ترجیح جمله مجهول بر جمله معلوم:

**(الف)** وقتی نمی دانیم یا اهمیت ندارد که چه کسی کار را انجام داده است.

**(ب)** در متون علمی که تأکید عمدتاً بر عمل است، و نه فاعل عمل. (یعنی اهمیت عمل انجام شده، از خود فاعل بیشتر است).

**نکته مهم:** جمله ای که فعل آن متعدی یا گذرا است، (مفعول دارد) را میتوان به صورت مجهول بکار برد. اما جمله ای که فعل آن لازم یا ناگذرا است، مجهول نمیشود، چون مفعول ندارد. پس فعلهای لازم، هیچگاه بصورت مجهول بکار برده نمیشوند. مهمترین افعال لازم عبارتند از:

<b>happen</b>	<b>get up</b>	<b>wait</b>	<b>understand</b>	<b>occur</b>
اتفاق افتادن	از خواب بیدار شدن	منتظر ماندن	درک کردن	اتفاق افتادن
<b>rise</b>	<b>live</b>	<b>arrive</b>	<b>seem</b>	<b>work</b>
بالا آمدن	زندگی کردن	رسیدن به	به نظر رسیدن	کار کردن
<b>die</b>	<b>appear</b>	<b>sleep</b>	<b>go</b>	<b>disappear</b>
مردن	ظاهر شدن	خوابیدن	رفتن	ناپدید شدن

## مراحل تبدیل جمله ی معلوم به مجهول:

- ۱- مفعول را به اول جمله آورده و آن را **نائب فاعل** مینامیم. برای یافتن مفعول جمله، فعل اصلی جمله ی معلوم را ترجمه کرده و از خود میپرسیم: "**چه چیز را**" یا "**چه کسی را**". جواب این سؤال، مفعول جمله خواهد بود.
  - ۲- با توجه به زمان جمله و مفرد و جمع بودن مفعول (نائب فاعل)، یکی از افعال **to be** را مینویسیم.
  - ۳- شکل سوم فعل یا اسم مفعول (past participle) جمله معلوم را در ادامه جمله مجهول می آوریم. چنانچه فعلی باقاعده باشد، شکل سوم فعل **ed** میگیرد و چنانچه فعلی بی قاعده باشد، شکل سوم آن را باید حفظ کرد.
  - ۴- بقیه جمله یعنی قیدها را در ادامه می آوریم.
- نکته:** در جملات مجهول میتوان قید حالت را به "**قبل از شکل سوم فعل**" هم منتقل کرد.
- ۵- در انتهای جمله مجهول، میتوان فاعل جمله را با کمک "**حرف اضافه by**" (به وسیله، توسط) بیاوریم. میتوان این مرحله را بلافاصله بعد از شکل سوم فعل آورد.

**توجه مهم ۱:** اگر بخواهیم فاعل را در جمله مجهول بصورت ضمیر بکار ببریم، از "**ضمیر مفعولی**" استفاده میکنیم. چون بعد از حروف اضافه ضمائر به صورت مفعولی بکار میروند.

**جمله معلوم:** The famous writer **wrote** the book in his hometown last year.  
 نویسنده معروف این کتاب را سال گذشته در زادگاهش نوشت. فاعل

**جمله مجهول:** The book **was written** in his hometown last year (by him).  
 این کتاب سال گذشته توسط او در زادگاهش نوشته شد. ( him یک ضمیر مفعولی میباشد.)

**توجه مهم ۲:** اگر مفعول را در جمله مجهول به ضمیر تبدیل کنیم، آن ضمیر فقط "**ضمیر فاعلی**" خواهد بود چون ضمائر مفعولی را نمیتوان در ابتدای جمله به کار برد.

**جمله معلوم:** They saw him in the park yesterday.  
 مفعول فعل فاعل  
 "من دیروز او را در پارک دیدم."

**جمله مجهول:** He was seen in the park yesterday (by them).  
 او دیروز در پارک دیده شد (توسط آنها).  
 (در مثال بالا، ضمیر مفعولی **him** چون به ابتدای جمله آمده، تبدیل به ضمیر فاعلی **he** شده است.)

**یادآوری:** ضمائر فاعلی عبارتند از: I, you, he, she, it, we, you, they  
 ضمائر مفعولی عبارتند از: me, you, him, her, it, us, you, them

**نکته:** چنانچه در جمله مجهولی، فاعل جمله، "**شیء** یا **ابزار**" باشد از حرف اضافه **with** استفاده میکنیم.

**جمله معلوم:** Snow covered the yard.  
 فاعل (شیء)  
 "برف حیاط را پوشاند."

**جمله مجهول:** The yard was covered **with** snow.  
 "حیاط با برف پوشیده شد."

## ۱- مجهول جملات "زمان حال ساده":

یادآوری: برای بیان کارهای روزمره، تکرار، عادات و حقایق علمی از "زمان حال ساده" استفاده می‌کنیم.

### فرمول جملات مثبت زمان حال ساده:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	------

They **visit** their grandmother on **Fridays**.  
 آنها در روزهای جمعه به مادربزرگشان سر می‌زنند.  
 شکل ساده فعل فاعل

### مشخصه های زمان حال ساده:

- ترکیب **every** با قید زمان (every week)
- ایام هفته به صورت جمع (on Mondays)
- قیدهایی تکرار (در جلسات آتی به طور کامل با قیدهایی تکرار آشنا خواهیم شد).

<b>always</b>	همیشه	<b>usually</b>	معمولاً	<b>generally</b>	معمولاً	<b>often</b>	اغلب
<b>sometimes</b>	گاهی اوقات	<b>normally</b>	معمولاً	<b>hardly</b>	به ندرت	<b>never</b>	هرگز
<b>scarcely</b>	به ندرت	<b>barely</b>	به ندرت	<b>seldom</b>	به ندرت	<b>occasionally</b>	گاهگاهی
<b>frequently</b>	اغلب	<b>rarely</b>	به ندرت	<b>hardly ever</b>	به ندرت		

I **usually** go to the park on Thursdays.  
 من معمولاً روزهای پنجشنبه به پارک می‌روم.

در زمان حال ساده همیشه برای فاعل‌های "سوم شخص مفرد" که ضمیر فاعلی آنها (it/ she / he) میباشد، به فعل جمله «s» یا «es» سوم شخص اضافه می‌کنیم:

He **plays** football in the park **every** day.  
 او هر روز در پارک فوتبال بازی میکند.

### سؤالی و منفی کردن زمان حال ساده:

برای سؤالی کردن از **do** به معنی (آیا) و برای منفی کردن از فعل کمکی **don't** به معنی (ن) استفاده می‌کنیم:

**Do** they speak English in class every session?  
 آیا آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت می‌کنند.

They **don't** speak English in class every session.  
 آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت نمی‌کنند.

**نکته:** در جملات زمان حال ساده، هر گاه فاعل جمله یکی از سوم شخصهای مفرد باشد برای سؤالی کردن جمله از **does** و برای منفی کردن جمله از **doesn't** استفاده می‌کنیم.

**Does** she usually eat pizza for lunch.  
 آیا او معمولاً برای ناهار پیتزا می‌خورد؟

She **doesn't** usually eat pizza for lunch.  
 او معمولاً برای ناهار پیتزا نمی‌خورد.

### فرمول جمله مجهول زمان حال ساده:

(فاعل + **by**) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + افعال کمکی **am / is / are** + مفعول

دانشمندان راه‌هایی برای مسائل پیدا میکنند.  
 Scientists **find** solutions to problems.

راه‌هایی برای مسائل توسط آنها پیدا میشود.  
 Solutions to problems **are found** (by them).

شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

## ۲- مجهول جملات "زمان گذشته ساده":

یادآوری: برای بیان کاری که در گذشته انجام شده و به پایان رسیده باشد از "زمان گذشته ساده" استفاده می کنیم.

### فرمول جملات مثبت زمان گذشته ساده:

فاعل	شکل دوم فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	-------------	-------	----------	----------	----------

"دیروز در پارک فوتبال بازی کردم." I **played** football in the park yesterday.

### طریقه ساختن زمان گذشته ساده:

قاعده کلی این است که به آخر فعل «ed» اضافه کنیم (مانند مثال بالا) اما بعضی افعال از این قاعده پیروی نمی کنند که به آنها "افعال بی قاعده" می گوئیم و باید گذشته آنها را حفظ کنیم.

"دیشب در یک رستوران ایتالیایی شام خوبی خوردیم." We **ate** a good dinner in an Italian restaurant *last* night.

### مشخصه های زمان گذشته ساده:

(۱) قیدهای زمان گذشته (yesterday)

(۲) ترکیب last (گذشته) با قید زمان (last night)

(۳) ago (قبل، پیش) با قید زمان (2 years ago)

(۴) شکل دوم فعل (در مثال بالا ate شکل دوم فعل eat است)

### سؤالی و منفی کردن زمان گذشته ساده:

این زمان هم همانند زمان حال ساده فعل کمکی ندارد و برای سؤالی کردن جمله از فعل کمکی **did** (آیا) و برای منفی کردن جمله از فعل کمکی **didn't** (ن) استفاده می کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

"آیا او دیشب مقداری شیر نوشید؟" **Did** she **drink** some milk last night?

"او دیشب مقداری شیر ننوشید." She **didn't drink** some milk last night.

**نکته:** هنگام سؤالی و منفی زمان گذشته ساده باید فعل اصلی جمله به "شکل ساده" تبدیل شود. پس شکل دوم فعل فقط در جملات مثبت این زمان بکار برده میشود.

### فرمول جمله مجهول زمان گذشته ساده:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + افعال کمکی were / was + مفعول

"علی دیروز پنجره را شکست." Ali **broke** the window yesterday. جمله معلوم

"پنجره دیروز توسط علی شکسته شد." The window **was broken** yesterday (by him). جمله مجهول

مفعول to be شکل سوم فعل

"الکساندر فلمینگ پنیسیلین را کشف کرد." Alexander Fleming **discovered** penicillin. جمله معلوم

"پنیسیلین توسط او کشف شد." Penicillin **was discovered** (by him). جمله مجهول

مفعول شکل سوم فعل فعل کمکی

### ۳- مجهول جملات "زمان آینده ساده":

**یادآوری:** "زمان آینده ساده" به عملی اشاره می کند که در آینده صورت می گیرد. آینده ای که بدون تصمیم و برنامه ریزی قبلی انجام خواهد شد و با فعل کمکی "will" ساخته می شود. مخفف will بصورت (ll) نوشته میشود.

#### ساختار جملات مثبت زمان آینده ساده:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	فعل کمکی will	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	---------------	------

او به زودی به اروپا سفر خواهد کرد. He **will travel** to Europe soon.

#### سؤالی و منفی کردن زمان آینده ساده:

برای سؤالی کردن زمان آینده ساده، فعل کمکی "will" را به ابتدای جمله منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان بعد از فعل کمکی "will"، از "not" استفاده کرده یا آن را به صورت مخفف یعنی "won't" به کار میبریم.

#### مشخصه های زمان آینده ساده:

*will - won't - soon - later - next month - next week - tomorrow - future*

#### فرمول جمله مجهول زمان آینده ساده:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + will be + مفعول

"خانم کاظمی فردا اتاق را تمیز خواهد کرد." Mrs. Kazemi will clean the room tomorrow. **جمله معلوم**

"فردا اتاق تمیز خواهد شد. (توسط او)" The room **will be cleaned** tomorrow (by her). **جمله مجهول**  
شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

**نکته:** از ساختار "be going to" به معنای «**قصد داشتن**» برای اشاره به برنامه ریزی و تصمیم قبلی که قرار است در آینده صورت بگیرد. استفاده می شود. (برای بیان قصد و تصمیم انجام عملی در آینده) و همچنین برای بیان پیش بینی عملی در آینده که نشانه های وقوع آن وجود دارد. (با دلیل و مدرک).

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	(am / is / are) going to	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	--------------------------	------

I've saved enough money. I **am going to buy** a big house in Boukan next month.  
"من پول کافی پس انداز کرده ام، قصد دارم ماه آینده در بوکان یک خانه بزرگ بخرم."

#### فرمول جمله مجهول زمان آینده ساده (قصد داشتن و برنامه ریزی):

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + am, is, are + going to be + مفعول

او قرار است هفته آینده یک ماشین قشنگی را بخرد. He **is going to buy** a nice car next week. **جمله معلوم**

A nice car **is going to be bought** next week (by him). **جمله مجهول**  
شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول  
"یک ماشین قشنگی هفته آینده قرار است خریداری شود. (توسط او)."

## ۴- مجهول جملات "زمان حال استمراری":

**یادآوری:** برای بیان کاری که همین الان در حال انجام آن هستیم از "زمان حال استمراری" استفاده می‌کنیم:

**فرمول جملات مثبت زمان حال استمراری:**

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ing دار فعل	فعلهای کمکی am / is / are	فاعل
----------	----------	----------	-------	-----------------	---------------------------	------

**سؤالی و منفی کردن زمان حال استمراری:**

برای سؤالی کردن این زمان، am , is , are را به ابتدای جمله آورده و برای منفی کردن بعد از آنها not را اضافه می‌کنیم.

**مشخصه های زمان حال استمراری:**

<i>now</i>	<i>at the moment</i>	<i>at the present</i>	<i>right now</i>
------------	----------------------	-----------------------	------------------

**فرمول جمله مجهول زمان حال استمراری:**

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + being + am / is / are + مفعول
--

"آنها هم اکنون در حال ساخت یک فیلمی هستند." They are making a film right now. : جمله معلوم

"یک فیلمی (توسط آنها) هم اکنون در حال ساخته شدن است." A film is being made right now (by them). : جمله مجهول

شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

## ۵- مجهول جملات "زمان گذشته استمراری":

**یادآوری:** از "زمان گذشته استمراری" برای بیان عملی که در گذشته به صورت استمرار انجام گرفته باشد، استفاده میشود.

**ساختار جملات مثبت زمان گذشته استمراری:**

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ing دار فعل	was / were	فاعل
----------	----------	----------	-------	-----------------	------------	------

او دیروز از ساعت ۶ تا ۸ مشغول تماشای یک فیلم بود. He was watching a movie yesterday from 6 to 8.

**سؤالی و منفی کردن زمان گذشته استمراری:**

برای سؤالی کردن این زمان was یا were را به ابتدای جمله بیاوریم و برای منفی کردن بعد از آنها، not را اضافه کنیم.

**مشخصه های زمان گذشته استمراری:**

زمان گذشته استمراری به کمک کلمات ربط when و while با جمله های "زمان گذشته ساده" ترکیب میشود. فعل استفاده شده در عباراتی که با when می آید، معمولاً گذشته ساده و با while زمان گذشته استمراری به کار می رود.

**فرمول جمله مجهول زمان گذشته استمراری:**

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + being + was / were + مفعول
---

"خواهرم مشغول تمیز کردن پنجره ها بود وقتی که به خانه رسیدم." My sister was cleaning the windows when I arrived home. : جمله معلوم

"پنجره ها در حال تمیز شدن بودند وقتی که من به خانه رسیدم." The windows were being cleaned when I arrived home. : جمله مجهول

شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

## ۶ - مجهول جملات "زمان حال کامل (ماضی نقلی)":

**یادآوری:** از "زمان حال کامل" برای اشاره به عملی که در گذشته انجام گرفته و اثر و نتیجه آن تا زمان حال باقی مانده باشد، یا آن عمل تا حال ادامه پیدا کرده باشد استفاده میکنیم.

ساختار جملات مثبت زمان حال کامل:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (P.P.)	have / has	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	------------	------

"پدرش به مدت ۱۵ سال در آن اداره کار کرده است." His father **has worked** in that office for 15 years.

سؤالی و منفی کردن زمان حال کامل:

برای سؤالی کردن این زمان have / has را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن، بعد از آنها not را اضافه میکنیم.

مشخصه های زمان حال کامل:

since - for - yet - ever - so far - up to now - during - already - recently - once - twice - ...

فرمول جمله مجهول زمان حال کامل:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + has / have + been + مفعول

"آنها از سال ۱۹۹۸ از این ماشین استفاده کرده اند." They **have used** this car since 1998. جمله معلوم

"از سال ۱۹۹۸ از این ماشین استفاده شده است." This car **has been used** since 1998. جمله مجهول

## ۷ - مجهول جملات زمان گذشته کامل (ماضی بعید):

**یادآوری:** برای اشاره به عملی که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام گرفته باشد، از "زمان گذشته کامل" استفاده میکنیم.

ساختار جملات مثبت زمان گذشته کامل:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (P.P.)	had	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	-----	------

سؤالی و منفی کردن زمان گذشته کامل:

برای سؤالی کردن این زمان، had را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن، بعد از آن، not را اضافه میکنیم.

مشخصه های زمان گذشته کامل:

when, before, after, because, since, by the time, as soon as, until, ...

فرمول جمله مجهول زمان گذشته کامل:

... + (فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + had + been + مفعول

They **had learnt** French carefully before they traveled to France. جمله معلوم

"آنها به دقت زبان فرانسوی را یادگرفته بودند قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند."

French **had been learnt** carefully (by them) before they traveled to France. جمله مجهول

"زبان فرانسوی به دقت توسط آنها یاد گرفته شده بود قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند."

## ۸- مجهول کردن جملاتی که "افعال ناقص (Modals) دارند:

**یادآوری:** افعال ناقص تمامی ویژگیهای سایر افعال دیگر را دارا نمیباشند خود دارای ویژگیهای منحصر به فرد میباشند. این افعال بعد از فاعل و قبل از فعل اصلی جمله بکار میروند و فعل بعد از آنها بصورت "شکل ساده" خواهد بود.  
can, could, may, might, should, must, ...

### فرمول جملات معلومی که فعل ناقص دارند:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	فعل ناقص	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	----------	------

You **can stop** work early today. "تو امروز میتونی کارت را زودتر تمام کنی."  
You **should visit** your parents more than this. "تو باید بیشتر از این از والدینت دیدن کنی."

### فرمول مجهول جملاتی که فعل ناقص دارند:

(فاعل + by)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	be +	فعل ناقص	مفعول
-------------	----------	----------	----------	-------------	------	----------	-------

The principal **should call** the parents. "مدیر باید به والدین زنگ بزند."  
The parents **should be called** (by the principal). "به والدین باید زنگ زده شود. (توسط مدیر)."  
شکل سوم فعل      فعل کمکی      مفعول

## فرمول اصلی جملات مجهول زمانهای مورد نیاز در کنکور:

زمان	مرحله ۱	مرحله ۲	مرحله ۳	مرحله ۴			مرحله ۵
حال ساده	مفعول	am / is / are	شکل سوم فعل	قید حالت	قید مکان	قید زمان	(فاعل + By)
گذشته ساده	مفعول	was / were	شکل سوم فعل	قید حالت	قید مکان	قید زمان	(فاعل + By)
آینده ساده	مفعول	will be	شکل سوم فعل	قید حالت	قید مکان	قید زمان	(فاعل + By)
حال استمراری	مفعول	am / is / are + being	شکل سوم فعل	قید حالت	قید مکان	قید زمان	(فاعل + By)
گذشته استمراری	مفعول	was / were + being	شکل سوم فعل	قید حالت	قید مکان	قید زمان	(فاعل + By)
حال کامل	مفعول	have / has	شکل سوم فعل	قید حالت	قید مکان	قید زمان	(فاعل + By)
گذشته کامل	مفعول	had	شکل سوم فعل	قید حالت	قید مکان	قید زمان	(فاعل + By)

**یادآوری ۱:** در جملات مجهول، میتوان "قید حالت" را به قبل از شکل سوم فعل انتقال داد.

**یادآوری ۲:** در جملات مجهول، میتوان "فاعل + By" را به بعد از شکل سوم فعل انتقال داد.

**یادآوری ۳:** چنانچه در جمله ای فعل ناقص وجود داشته باشد، در حالت مجهول فرمول آنها به صورت زیر خواهد بود:

(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	be + فعل ناقص	مفعول
-------------	----------	----------	----------	-------------	---------------	-------



دانستن نکات زیر در حل تستهای مربوط به جملات معلوم و مجهول بسیار مفید خواهد بود:

**نکته ۱:** برای سؤالی کردن جملات مجهول، فعل کمکی را به قبل از فاعل میآوریم. چنانچه در جمله ی مجهولی بیشتر از یک فعل کمکی داشته باشیم، فقط اولین فعل کمکی را به قبل از فاعل آورده و فعل کمکی دوم در جای خود باقی خواهد ماند:

Their names **have just been added** on this list. "اسم آنها تازه به این لیست اضافه شده است."  
**Have** their names just **been added** on this list? "آیا اسم آنها تازه به این لیست اضافه شده است؟"

The monkeys **are being studied** in this lab. "در این آزمایشگاه بر روی این میمونها آزمایش انجام میشود."  
 Where **are** the monkeys **being studied** now? "کجا بر روی این میمونها آزمایش انجام میشود؟"

**نکته ۲:** برای منفی کردن جملات مجهول، به اولین فعل کمکی، not یا مخفف آن n't اضافه می شود:

The window **was broken** yesterday. "پنجره دیروز شکسته شد."  
 Window **was not broken** yesterday. "پنجره دیروز شکسته نشد."  
 The letter **will be typed** tomorrow. "فردا نامه تایپ خواهد شد."  
 The letter **won't be typed** tomorrow. "فردا نامه تایپ نخواهد شد."

**نکته ۳:** معمولاً در جملات مجهول، قید حالت، "قبل از شکل سوم فعل" بکار می رود:

Behnam ate the dinner **rapidly** last night. "بهنام شب گذشته شام را با عجله خورد."  
 قید حالت  
 The dinner **was rapidly eaten** last night. (by him). "شام شب گذشته با عجله توسط او خورده شد."  
 قید حالت

**نکته ۴:** برای مجهول کردن فعل دومی که بصورت ing دار (یعنی اسم مصدر) باشد، از ساختار زیر استفاده میکنیم:

**being + pp**

I **like** my father **taking** me to the zoo. "من دوست دارم پدرم من را به باغ وحش ببرد."  
 فعل اول                      فعل دوم  
 I **like being taken** to the zoo by my father. "من دوست دارم (توسط پدرم) به باغ وحش برده شوم."  
 فعل اول                      فعل دوم (مجهول)

**نکته ۵:** برای مجهول کردن فعل دوم بصورت مصدر با to ، از ساختار زیر استفاده می کنیم.

My father **wanted** my brother **to post** the letter yesterday. "پدرم میخواست که برادرم نامه را پست کند."  
 فعل اول                      فعل دوم  
 My father **wanted** the letter **to be posted** by my brother yesterday. "پدرم میخواست که نامه (توسط برادرم) پست شود."  
 فعل اول                      فعل دوم (مجهول)

**نکته ۶:** چنانچه بعد از ساختار مجهول فعل دیگری بیاید آن فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود. در این حالت حتی اگر فعل اول جزء افعالی باشد که بعد از آن اسم مصدر یا فعل ing دار هم بیاید، (مثل فعل finish, enjoy) اگر مجهول شوند، فعل بعد از آنها بصورت "مصدر با to" خواهد بود.

They **were forced to leave** the class quickly. "آنها مجبور شدند تا کلاس را فوراً ترک کنند."



**نکته ۷:** قبلاً یاد گرفتیم که بعد از حروف اضافه، فعل به صورت ing دار می آید. حال یاد میگیریم چنانچه بخواهیم فعل بعد از حروف اضافه را مجهول کنیم، ساختار مجهول آن فعل بصورت "**being + pp**" خواهد بود:

He is looking forward **to being sent** to a mission by his company.

"او منتظر است تا به وسیله شرکتش، به یک مأموریتی **فرستاده شود**." حرف اضافه

**نکته ۸:** مجهول کردن افعالی که دو مفعول دارند: بعضی از فعلها میتوانند به طور همزمان ۲ مفعول در جمله داشته باشند:

- مفعولی که کار روی آن انجام میشود و اکثراً غیر انسان میباشد (مفعول مستقیم یا بی واسطه یا شیء)

- مفعولی که کار برای آن انجام می شود (مفعول غیر مستقیم یا متمم) این مفعول اکثراً انسان میباشد (جاندار)

بنابراین میتوانیم دو بار جمله را مجهول کنیم و هر دفعه یکی از مفعولها را به ابتدای جمله بیاوریم ( معمولاً بهتر است مفعول غیر مستقیم ( مفعول شخصی ) به ابتدای جمله بیاید:

I gave him the book yesterday.

"من دیروز به او کتاب را دادم."

۱ جمله مجهول a) **He was given** the book yesterday.

"به او دیروز کتاب داده شد."

I gave the book to him yesterday.

"من دیروز کتاب را به او دادم."

۲ جمله مجهول b) **The book was given** to him yesterday.

"کتاب به او دیروز داده شد."

مهمترین افعال دو مفعولی:

ask	teach	get	bring	give	promise	borrow	tell
buy	make	offer	cook	lend	show	send	pay

**نکته ۹ (زبان تخصصی):** برای مجهول کردن جملات امری از ساختار زیر استفاده می کنیم:

**let + مفعول + be + pp**: مجهول جملات امری مثبت

جمله معلوم: Open the door.

"در را باز کن."

جمله مجهول: **Let** the door **be opened**.

"بزار در باز بشه."

**mustn't + be + pp**: مجهول جملات امری منفی

جمله معلوم: **Don't open** this door.

"این در را باز نکن."

جمله مجهول: This door **mustn't be opened**.

"این در نباید باز شود."

# "جمع بندی موضوعی گرامر کنکور ۹۹"

## جلسه هفتم:

انواع ضمائر (*Pronouns*)

عبارت الحاقی (*Tag Questions*)

- درس ۱ و ۶ پایه نهم
- درس ۳ پایه دهم
- درس ۱ پایه دوازدهم

تألیف و گردآوری:

# "جمال احمدی"

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

"جمع بندی موضوعی گرامر کنکور ۹۹ - جلسه هفتم"

ترتیب اجزای جمله در جملات مثبت زبان انگلیسی:

فاعل	فعل کمکی	فعل اصلی	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	----------	----------	-------	----------	----------	----------

**نکته ۱:** مهمترین و اصلی ترین افعال کمکی در زبان انگلیسی عبارتند از:

**am, is, are, was, were, will, would, have, has, had**

(به هنگام بررسی زمانهای مختلف در جلسه اول جمع بندی، با تمامی افعال کمکی و کاربردهای آنها در جمله آشنا شدیم.)

**نکته ۲:** در جملات منفی، فعل کمکی، قید منفی ساز "not" و یا مخفف آن "n't" را میگیرد و در جملات سؤالی، فعل کمکی به قبل از فاعل منتقل میشود.

**ضمایر فاعلی (Subjective Pronouns)**

این ضمایر جانشین "فاعل" جمله شده و در "ابتدای جمله" بکار برده میشوند و از تکرار فاعل جلوگیری مینمایند.

ضمایر فاعلی مفرد		ضمایر فاعلی جمع	
I	من	we	ما
you	تو	you	شما
he	او (مذکر)	they	آنها
she	او (مؤنث)		
it	آن (غیرانسان)		

**Raman** is a clever student. **He** gets good marks.  
فاعل ضمیر فاعلی

"رامان دانش آموز باهوشی است. او نمرات خوبی میگیرد."

**افعال to be (مصدر بودن):**

اگر در جمله ای یک فعل to be وجود داشته باشد و بخواهیم آن جمله را سؤالی کنیم، تنها کافیست که آن فعل to be را به قبل از فاعل منتقل کنیم و برای منفی کردن جمله به بعد از فعل to be, قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را اضافه کنیم. این دسته از افعال جز پرکاربردترین افعال زبان انگلیسی هستند:

- افعال to be میتوانند تنها فعل جمله باشند:
- در زمانهای استمراری بعد از آنها، فعل بصورت ing دار می آید:
- در جملات مجهول بعد از آنها، شکل سوم فعل بکار برده می شود:

زمان حال ساده و حال استمراری: **am, is, are** ( هستم، هستی، ... )

زمان گذشته ساده و گذشته استمراری: **was, were** ( بودم، بودی، ... )

زمان آینده ساده و آینده استمراری: **will be** (خواهم بود، خواهی بود،...)

زمان آینده در گذشته ساده و استمراری: **would be** (میخواستم ... باشم، میخواستی... باشی، ...)

زمان حال کامل: **has been, have been** (بوده ام، بوده ای، ...)



### رابطه ضمائر فاعلی با افعال to be در زمانهای حال:

ضمائر فاعلی مفرد		ضمائر فاعلی جمع	
I am	من هستم	We are	ما هستیم
You are	تو هستی	You are	شما هستید
He is	او هست (مذکر)	They are	آنها هستند
She is	او هست (مونث)		
It is	آن هست (غیرانسان)		

### رابطه ضمائر فاعلی با افعال to be در زمانهای گذشته:

ضمائر فاعلی مفرد		ضمائر فاعلی جمع	
I was	من بودم	We were	ما بودیم
You were	تو بودی	You were	شما بودید
He was	او بود (مذکر)	They were	آنها بودند
She was	او بود (مونث)		
It was	آن بود (غیرانسان)		

### رابطه ضمائر فاعلی با افعال to be در زمانهای آینده:

ضمائر فاعلی مفرد		ضمائر فاعلی جمع	
I will be	من خواهم بودم	We will be	ما خواهیم بود
You will be	تو خواهی بودی	You will be	شما خواهید بود
He will be	او خواهد بود (مذکر)	They will be	آنها خواهند بود
She will be	او خواهد بود (مونث)		
It will be	آن خواهد بود (غیرانسان)		

**نکته:** در زمانهای آینده در گذشته برای تمامی فاعلها به جای will از would استفاده میکنیم.

### رابطه ضمائر فاعلی با افعال to be در زمان حال کامل:

ضمائر فاعلی مفرد		ضمائر فاعلی جمع	
I have been...	من ... بوده ام	We have been ...	ما ... بوده ایم
You have been...	تو ... بوده ای	You have been ...	شما ... بوده اید
He has been...	او ... بوده است (مذکر)	They have been ...	آنها ... بوده اند
She has been...	او ... بوده است (مونث)		
It has been...	آن ... بوده است (غیرانسان)		

صفات اشاره:

صفات اشاره به نزدیک

this این
these اینها

صفات اشاره به دور

that آن
those آنها

"this, that" هر دو با "اسم قابل شمارش مفرد" و "غیرقابل شمارش" به کار می روند. از "this" (این) برای اشاره به نزدیک و از "that" (آن) برای اشاره به دور استفاده می شود.

That money was on the table. "آن پول بر روی میز بود."
فعل مفرد اسم غ ق ش

This is a book. "این یک کتاب است."
اسم مفرد فعل مفرد

"these, those" شکل جمع "this, that" می باشند. هر دو با "اسم قابل شمارش جمع" به کار می روند. "these" (اینها) برای اشاره به نزدیک و "those" (آنها) برای اشاره به دور به کار می روند.

These students are my friends.
فعل جمع اسم جمع

"این دانش آموزان دوستهای من هستند."

Those boys play football very well.
فعل جمع اسم جمع

"آن پسرها به خوبی فوتبال بازی میکنند."

افعال have, has, had :

این افعال چنانچه به تنهایی در جمله ای بکار برده شوند، به معنی "داشتن" میباشند:

I have a pencil. "من یک مداد دارم."
He has some good friends. "او تعدادی دوست خوب دارد.."

have و has مشخصه زمان حال میباشند. has برای فاعلهای سوم شخص مفرد و برای سایر فاعلها have. این افعال چنانچه با وعده های غذایی بکار برده شوند به معنی "خوردن" ترجمه میشوند.

had شکل گذشته هر دو فعل بالا بوده برای تمامی فاعلها بکار برده میشود:

He had a meeting last night. "او شب گذشته جلسه داشت."
They had a big tree at their yard. "آنها درخت بزرگی در حیاطشان داشتند."

نکته ۱: چنانچه بعد از have و has "شکل سوم فعل" بیاید (زمان حال کامل)، فعل کمکی محسوب میشوند و معنی خاصی نداشته و برای سوالی و منفی کردن جمله از آنها استفاده میکنیم. (رجوع به درسنامه جلسه اول - مرور زمانها)

نکته ۲: چنانچه بعد از had "شکل سوم فعل" بیاید (زمان گذشته کامل)، فعل کمکی محسوب میشوند و معنی خاصی نداشته و برای سوالی و منفی کردن جمله از آنها استفاده میکنیم. (رجوع به درسنامه جلسه اول - مرور زمانها)

بیان مالکیت (of, 's) :

۱) برای نشان دادن مالکیت انسان از 's استفاده می کنیم:

Farhad's car. ماشین فرهاد

Ali's book کتاب علی

۲) برای نشان دادن مالکیت غیرانسان از of استفاده می کنیم:

The leg of the table. پایه میز



نکته (منحصراً زبان): مالکیت اشیاء بر اشیاء را میتوان به صورت رابطه دو اسم بلافاصله پشت سر هم بکار برد که در این حالت اسم اول برای اسم دوم در نقش "صفت" خواهد بود. (مضاف و مضاف الیه در زبان فارسی)

**table** leg  
اسم اول در نقش صفت

**door** hand  
اسم اول در نقش صفت

## صفات ملکی: (Possessive Adjectives)

این دسته از صفات، جانشین "مالک" جمله شده و همواره "قبل از اسم" به کار می‌روند و مالکیت را نشان می‌دهند:

صفات ملکی مفرد		صفات ملکی جمع	
my	مال من	our	مال ما
your	مال تو	your	مال شما
his	مال او (مذکر)	their	مال آنها
her	مال او (مؤنث)		
its	مال آن غیر انسان		

1) **My** students are really clever.  
اسم صفت ملکی

"دانش آموزان من خیلی باهوشند."

2) She helped **her** mother yesterday.  
اسم صفت ملکی

"اومن دیروز به مادرش کمک کرد."

## ضمایر ملکی (Possessive Pronouns) (زبان تخصصی)

این ضمایر جانشین "صفت ملکی" و "اسم بعد از آن" میشوند و به تنهایی مالکیت را بیان میکنند:

ضمایر ملکی مفرد		ضمایر ملکی جمع	
mine	مال من	ours	مال ما
yours	مال تو	yours	مال شما
his	مال او (مذکر)	theirs	مال آنها
hers	مال او (مؤنث)		
its	مال آن غیر انسان		

This is **my** book.  
اسم صفت ملکی

"این کتاب مال منه."

A: "Is this watch yours?"

- "این ساعت مال توست؟"

B: No, it isn't **mine**. It's Raman's watch.

"نه، مال من نیست. این ساعت رامان است."

ضمایر ملکی

## ضمایر مفعولی (Objective Pronouns)

این ضمایر جانشین مفعول جمله می شوند و "بعد از فعل" و "حروف اضافه" می آیند. عبارتند از:

ضمایر مفعولی مفرد		ضمایر مفعولی جمع	
me	من را	us	ما را
you	تو را	you	شما را
him	او را (مذکر)	them	آنها را
her	او را (مؤنث)		
it	آن را (غیر انسان)		

The teacher asked them a question.

"معلم از آنها یک سؤال پرسید."

ضمیر مفعولی فعل

نکته: بعد از حروف اضافه (on, in, at, by, with, up, down, ...) ضمایر به صورت "مفعولی" بکار برده میشوند:

He looked at me angrily.

"او با عصبانیت به من نگاه کرد."

حرف اضافه

## جملات امری (Imperative Sentences)

در جملات امری معمولاً جمله دارای فاعل نبوده (چون مخاطب یا مخاطبین در کنار ما هستند و معمولاً اسم آنها را ذکر نمیکنیم)

و با "شکل ساده فعل" شروع میشود.

Open the book, please.

"لطفاً کتاب را بازکن."

شکل ساده فعل

Please به معنی "لطفاً" مشخصه جملات امری - خواهشی بوده که در ابتدا یا انتهای جملات امری بکار برده میشود.

نکته ۱: برای منفی کردن جملات امری فقط از "Don't" به معنی "ن" استفاده میکنیم.

Don't close the window, please.

"لطفاً پنجره را نبند."

شکل ساده فعل

نکته ۲: در جملات امری از حرف تعریف the قبل از اسم استفاده میکنیم تا اسم، برای مخاطب معلوم و مشخص باشد. اما چنانچه

اسم دارای صفت اشاره یا صفت ملکی بود، دیگه حرف تعریف the را بکار نمیبریم:

Give me your book, please.

"لطفاً کتابت را به من بده."

Don't buy that blue shirt.

"آن پیراهن آبی را نخر."

نکته کنگوری: چنانچه بعد از جملات امری جمله دیگری بیاید معمولاً در "زمان حال استمراری" خواهد بود:

Look at me, please. I am talking to you.

"لطفاً به من نگاه کن. من در حال صحبت کردن با تو هستم."

جمله امری

زمان حال استمراری

## ضمایر انعکاسی و تأکیدی:

ضمایر انعکاسی و تأکیدی مفرد		ضمایر انعکاسی و تأکیدی جمع	
myself	خودم، خودم را	ourselves	خودمان، خودمان را
yourself	خودت، خودت را	yourselves	خودتان، خودتان را
himself	خودش، خودش را	themselves	خودشان، خودشان را
herself	خودش، خودش را		
itself	خودش، خودش را		

### ۱- ضمایر تأکیدی: "Emphatic Pronouns":

برای تأکید بر انجام کار توسط فاعل استفاده میشوند. بدین معنی که تأکید میشود که شخص یا اشخاص خودشان فعل جمله را انجام داده اند نه شخص یا افراد دیگر. این ضمایر باید با فاعل جمله از نظر مفرد و جمع، مذکر و مؤنث و... مطابقت داشته باشند.

#### محل ضمایر تأکیدی در جمله:

**الف) بعد از فاعل:** "They themselves cleaned the room. " آنها خودشان اتاق را تمیز کردند. "

ضمیر تأکیدی فاعل

**ب) بعد از مفعول:** They cleaned the room themselves.

ضمیر تأکیدی مفعول فعل فاعل

**نکته ۱:** چنانچه جمله ای با **let's** شروع شده باشد، ضمیر تأکیدی آن جمله **"ourselves"** خواهد بود.

"بیا خودمان اتاقها را تمیز کنیم." **Let's** clean these rooms ourselves.

**نکته ۲:** حرف اضافه **"by"** قبل از ضمایر تأکیدی به معنی **"به تنهایی"** خواهد بود که در این حالت این حرف اضافه برای تأکید بیشتر بکار برده میشود.

"او خودش به تنهایی همه ظرفها را شست." She washed all the dishes **by herself**.

"اگر خودت به تنهایی نمیتوانی این تمرین را انجام بدی از معلم درخواست کمک کن." If you can't do this exercise **by yourself**, ask the teacher for help.

### ۲- ضمایر انعکاسی "Reflexive Pronouns":

اگر در جمله ای فاعل و مفعول یکی باشند یا به عبارت دیگر، چنانچه فاعل کار جمله را روی خودش یا برای خودش انجام دهد، به جای ضمیر مفعولی از ضمیر انعکاسی استفاده میکنیم: در این حالت محل این ضمایر در جمله **"بعد از فعل اصلی"** جمله و در نقش **"مفعول"** خواهد بود:

"من خودم را در آینه دیدم." I saw myself in the mirror.

ضمیر انعکاسی فعل فاعل

"او داره برای خودش یک غذای خوب میپزه." He is cooking himself a good meal.

ضمیر انعکاسی فعل فاعل

"مینا برای خودش یک لباس دوخت." Mina made herself a dress.

ضمیر انعکاسی فعل فاعل

نکته ۳: در حالت انعکاسی مفهوم (برای) وجود دارد و نمی توان ضمیر انعکاسی را از جمله حذف کرد (چون این نوع از ضمیر جانشین مفعول جمله میشوند و مفعول جزء اجزای اصلی جمله به حساب میآید.) ولی ضمیر تأکیدی را می توان از جمله حذف کرد و خللی در مفهوم جمله به وجود نمی آید چون فقط برای تأکید در جمله میآیند.  
They **themselves** cleaned the room. " آنها **خودشان** اتاق را تمیز کردند. "

نکته ۴ (زبان تخصصی): حروف اضافه مربوط به مکان برای نشان دادن مکان یا همراهی به کار میروند. در این حالت، کاری بر روی مفعولی که بعدشان آمده، روی نمیگیرد. به همین خاطر، نیازی به استفاده از ضمیر انعکاسی نیست، چون بعد از حروف اضافه، ضمائر به صورت مفعولی بکار برده میروند. ( هر چند که در زبان فارسی، معمولاً از ضمیر انعکاسی استفاده میکنیم).

They divided the money **among them**. (~~NOT: the money among themselves.~~)  
ضمیر مفعولی آنها پول را بین خودشان پخش کردند. "

She didn't take her bag **with her**. (~~NOT: take her bag with herself.~~)  
ضمیر مفعولی او کیفش را با خودش نبرد. "

Please close the door **after you**. (~~NOT: close the door after yourself.~~)  
ضمیر مفعولی لطفاً در را پشت سر خودت ببند. "

نکته ۵ (زبان تخصصی): بعد از افعال **enjoy** ، **make** ، **help** در ترکیب با ضمائر انعکاسی، سه اصلاحات مهم زیر ساخته میشوند:

I really **enjoy myself** at the party yesterday. "دیروز در مهمانی بهم واقعاً خوش گذشت. "

Please **help yourself** with sandwiches. "لطفاً با ساندویچ از خودتان پذیرایی کنید. "

Please **make yourself** at home. "لطفاً اینجا را خانه ی خودت بدان. "

نکته ۶ (زبان تخصصی): مواظب تفاوت کاربرد **each other** و **one another** (همدیگر، یکدیگر) با ضمائر انعکاسی باشید.

Jack and John write to **each other** / **one another** every week. "جک و جان هر هفته به همدیگر نامه مینویسند. "

یادداشت:

-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----



## سوالات کوتاه تاکیدی یا عبارت الحاقی (Tag Questions)

گاهی در انگلیسی، گوینده جمله برای اینکه گفته خود را به تأکید مخاطب یا مخاطبین برساند و یا برای نشان دادن تعجب در آخر جمله خبری خود، از یک جمله سؤالی کوتاه که شامل "فعل کمکی" و "ضمیر فاعلی" می باشد استفاده می کند. به این جملات سؤالی کوتاه "عبارت الحاقی"، "جمله ضمیمه" یا "Tag Questions" میگویند.

در زبان فارسی بصورت "مگه نه"، "اینطور نیست" و یا برعکس فعل جمله اصلی ترجمه میشوند. جمله ی اصلی و عبارت الحاقی بوسیله "کاما" از یکدیگر جدا می شوند و آخر عبارت الحاقی، "علامت سؤال" خواهد بود.

"او الان دارد یک رمان میخواند، مگه نه / اینطور نیست / نمیخونه؟"  
 He **is** reading a novel now, **isn't he**?  
 ضمیر فاعلی فعل کمکی

### برای ساختن اینگونه از جملات سؤالی کوتاه ، نکات زیر را در نظر بگیریم:

۱- عبارت الحاقی از نظر مثبت یا منفی بودن ، عکس جمله اصلی می باشد یعنی اگر جمله ی اصلی مثبت باشد، عبارت الحاقی **منفی** خواهد بود و چنانچه جمله ی اصلی منفی باشد ، عبارت الحاقی می بایست بشکل **مثبت** بکار رود:

"او یک دانش آموز است، مگه نه؟"  
 She **is** a student, **isn't he**?  
 "او یک دانش آموز نیست، مگه نه؟"  
 She **is not** a student, **is he**?"

۲- در عبارت الحاقی همیشه بعد از فعل کمکی از "ضمیر فاعلی" استفاده میشود بدین صورت که چنانچه در جمله اصلی فاعل بشکل اسم یا عبارت اسمی آمده باشد، در عبارت الحاقی ، از ضمیر فاعلی مشابه آن استفاده می شود .

"مینا به خوبی در حال تنیس بازی کردن بود، مگه نه؟"  
Mina was playing tennis well, **wasn't she**?  
 "برادرهای من در مدرسه نیستند، مگه نه؟"  
My brothers aren't at school, **are they**?"

۳- در عبارت الحاقی چنانچه بخواهیم فعل کمکی را بشکل منفی بکار ببریم، آنرا می بایست بشکل مخفف بکار برد. هیچگاه در عبارت الحاقی "not" نوشته نمیشود و همواره به صورت مخفف "n't" نوشته خواهد شد.

"رامان هفته آینده به رشت خواهد رفت، مگه نه؟"  
Raman will go to Rasht next week, **won't he**?  
 "آنها دیروز همین موقع مشغول تماشای تلویزیون بودند، مگه نه؟"  
They were watching TV at this time yesterday, **weren't they**?"

۴- چنانچه جمله ای با **there** شروع شده باشد، در عبارت الحاقی آن از خود **there** استفاده میکنیم و تنها در این حالت است که در عبارت الحاقی، ضمیر فاعلی نداریم.

"در کتری کمی آب وجود دارد، مگه نه؟"  
There isn't some water in the kettle, **is there**?  
 "در کلاس ما یک ساعت دیواری وجود داشت، مگه نه؟"  
There was a clock in our class, **wasn't there**?"

۵- چنانچه در جمله ای یک فعل ناقص (can, may, should, must, might, ...) وجود داشته باشد، در عبارت الحاقی آن از همان فعل ناقص استفاده میکنیم:

*Your little brother can play football very well, can't he?*

"برادر کوچک تو به خوبی فوتبال بازی میکند، مگه نه؟"

*The students mustn't speak loudly at the classroom, must they?*

"دانش آموزان نباید با صدای بلند در کلاس صحبت کنند، مگه نه؟"

۶- در عبارت الحاقی به جای *this* و *that* از *it* و به جای *these* و *those* از *they* استفاده می کنیم.

*This is your home, isn't it?*

"آیا این خانه شماست، مگه نه؟"

*These watches are very expensive, aren't they?*

"این ساعتها خیلی گران قیمت هستند، مگه نه؟"

۷- چنانچه در جمله ی مثبت از *I am* استفاده شده باشد، در عبارت الحاقی از *aren't I* استفاده میشود. (چون در زبان انگلیسی فرم مخفف *amn't I* صحیح نمیباشد).

*I am a good teacher, aren't I?*

"من معلم خوبی هستم، مگه نه؟"

*I am speaking Arabic very well, aren't I?*

"من خیلی به خوبی زبان عربی را صحبت میکنم، مگه نه؟"

- اما چنانچه در جمله منفی *I am not* آمده باشد، در عبارت الحاقی آن طبق قاعده از *am I* استفاده میکنیم:

۸- چنانچه جمله ی اصلی فعل کمکی داشته باشد از همان فعل کمکی در عبارت الحاقی استفاده می شود ولی چنانچه جمله فاقد فعل کمکی باشد، در این حالت، یکی از مشتقات *do* متناسب با فعل اصلی، در عبارت الحاقی استفاده می شود. بدین صورت که اگر فعل اصلی در زمان گذشته ساده باشد، از *did* و اگر فعل اصلیدر زمان حال ساده بوده و *s* یا *es* داشته باشد، از *does* و اگر فعل به شکل ساده آمده باشد، از *do* استفاده میکنیم. اما این زمانها در حالت منفی، دارای فعل کمکی *don't, doesn't, didn't* هستند.

*We always listen to the teacher carefully at the class, don't we?* (زمان حال ساده)

"ما همیشه با دقت در کلاس به معلم گوش میکنیم، مگه نه؟"

*Ali swims quickly in this part of the river, doesn't he?* (زمان حال ساده، فاعل جمله سوم شخص مفرد)

"علی با سرعت در این قسمت رودخانه شنا کرد، مگه نه؟"

*His father opened his store at 8 this morning, didn't he?* (زمان گذشته ساده)

"پدر او مغازه اش را در ساعت ۸ امروز صبح باز کرد، مگه نه؟"

*We don't wash the dishes, do we?*

"ما ظرفها را نمی شوئیم، مگه نه؟"

*Mahsa doesn't speak English, does she?*

"مهسا انگلیسی صحبت نکرد، مگه نه؟"

*The man didn't obey the traffic rules, did he?*

"این مرد از قوانین رانندگی اطاعت نکرد، مگه نه؟"

۹- اگر در جمله اصلی، قیدهایی منفی ساز نظیر کلمات:

few, little, rarely, barely, seldom, nor, none, no, neither, scarcely never, hardly, no

بکار رفته باشد، عبارت الحاقی به شکل "مثبت" خواهد بود.

Her older brother never eats breakfast in the morning, does he?

"برادر بزرگترش در صبح هرگز صبحانه نمیخورد، مگه نه؟"

The old woman could hardly walk at the park, could she?

"آن خانم پیر، به سختی میتوانست در پارک قدم بزند، مگه نه؟"

Your cousin seldom wants to speak about his problems to you anymore, does he?

"عمو زاده ات دیگه به ندرت میخواهد درباره ی مشکلاتش با تو صحبت کند، مگه نه؟"

۱۰- اگر فاعل جمله یکی از ضمایر نامشخص زیر باشد (مخصوص انسان)، در عبارت الحاقی، فعل و ضمیر فاعلی، بصورت "جمع"

خواهد بود. (اما فراموش نکنیم که ضمایر نامشخص زیر در جمله همانند "اسم مفرد" در نظر گرفته میشوند.)

somebody, someone, everybody, everyone, nobody, no one

Unfortunately, Somebody stole my book at the train yesterday, didn't they?

"متأسفانه، دیروز در قطار یک نفری کتابم را دزدید، مگه نه؟"

Nobody knows the answer, do they? (چون ضمیر فاعل به صورت جمع میباشد از do استفاده میکنیم.)

Everybody knows the answer, don't they? (چون ضمیر فاعل به صورت جمع میباشد از do استفاده میکنیم.)

۱۱- چنانچه فاعل جمله ضمایر نامشخص مخصوص غیر انسان: something, everything, anything, nothing باشد،

ضمیر فاعلی در عبارت الحاقی، it میباشد.

Everything is really neat, isn't it? "همه چی (هر چیزی) واقعاً مرتبه، مگه نه؟"

۱۲- در جملات امری مثبت، عبارت الحاقی با won't you ساخته می شود.

Open your books, won't you? "کتابهایتان را باز کنید، باز نمیکنید؟"

در این حالت میتوان از will you, would you, could you هم استفاده کرد و تمامی آنها در این کاربرد برابر هستند.

Open your books, would you / could you / will you? "کتابهایتان را باز کنید، باز نمیکنید؟"

۱۳- در جملات امری منفی، عبارت الحاقی با will you ساخته می شود.

Don't turn on the radio, will you? "رادیو را روشن نکن، روشن میکنی؟"

Don't speak too fast, will you? "خیلی سریع صحبت نکن، صحبت میکنی؟"

۱۴- جملاتی که با **let's** شروع می شوند، عبارت الحاقی با **shall we?** ساخته می شود.

"بیا در حیاط فوتبال یا والیبال بازی کنیم، **بازی کنیم؟**" **Let's** play football or volleyball in the yard, **shall we?**

"بیا به فیلم اکشن جدید نگاه کنیم، **نگاه کنیم؟**" **Let's** watch a new action movie, **shall we?**

۱۵- جملاتی که با **let us** شروع می شوند، عبارت الحاقی با **will you?** ساخته می شود:

"به ما اجازه بده با همدیگر بازی کنیم، **اجازه میدید؟**" **Let us** study together, **will you?**

"به ما اجازه بده امروز به خرید بریم، **اجازه میدید؟**" **Let us** go shopping today, **will you?**

۱۶- در جملات مرکب، عبارت الحاقی برای "**جمله اصلی** یا **پایه**" نوشته میشود نه برای جمله وابسته یا (پیرو) که نمیتواند بصورت مستقل بکار برده شود و همراه با کلمه ربط بکار برده میشود. پس در نتیجه عبارت الحاقی را نمیتوان برای جمله ای که دارای کلمات ربط هست، بکار برد. (در مثالهای پائین، زیر کلمات ربط، خط کشیده شده است.)

**After** studying English for two hours, **Raman is** going to watch his favorite cartoon, **isn't he?**

کلمه ربط (جمله اصلی(پایه) جمله وابسته(پیرو) "رامان بعد از مطالعه انگلیسی به مدت دو ساعت قصد داره کارتون مورد علاقه اش را نگاه کند، **مگه نه؟**"

**He'll** turn the TV off **before** she goes to bed, **won't he?**

جمله وابسته(پیرو) کلمه ربط جمله اصلی(پایه) "او قبل از اینکه به تختخواب برود تلویزیون را خاموش خواهد کرد، **مگه نه؟**"

**You saw** my teacher **While** he was walking the park, **didn't you?**

جمله وابسته(پیرو) کلمه ربط جمله اصلی(پایه) "تو معلم من را در حالیکه مشغول قدم زدن در پارک بود، دیدی، **مگه نه؟**"

**Because** he didn't have enough money, **he decided** not to buy that expensive car, **did he?**

جمله اصلی(پایه) جمله وابسته(پیرو) کلمه ربط "چونکه او پول کافی نداشت، تصمیم گرفت آن ماشین گران قیمت را نخرد، **مگه نه؟**"

۱۷- فعلهای **had, has, have** تنها زمانی فعل کمکی بحساب میآیند که بعد از آنها **شکل سوم فعل (p.p.)** آمده باشد (زمانهای حال کامل و گذشته کامل) که در این حالت از آنها برای ساختن عبارت الحاقی استفاده میکنیم.

The police **have caught** the addict man at his house, **haven't they?**

شکل سوم فعل "نیروی پلیس مرد معتاد را در خانه اش دستگیر کرده اند، **مگه نه؟**"

Up to now, you **haven't arrived** at home on time, **have you?**

شکل سوم فعل "تا به حال تو سر وقت به خانه نیامده ای، **مگه نه؟**"

۱۸- در صورتیکه افعال had, has, have تنها فعل اصلی جمله باشند (به معنی "داشتن" یا "خوردن") و یا زمانیکه این فعلها به معنی "مجبور بودن" باشند (had to, has to, have to) به عنوان فعل اصلی جمله محسوب میشوند. بنابراین با توجه به زمان جمله (حال ساده یا گذشته ساده)، در عبارت الحاقی باید از فعل کمکی مناسب برای آنها استفاده کنیم. (رجوع به توضیحات نکته ۸)

**توجه:** هر چند در این حالت از خود همین فعلها هم میتوان در عبارت الحاقی استفاده کرد، اما ترجیحاً در کنکور آنها را به صورت فعل اصلی در نظر بگیرید و از افعال کمکی **do, does, did** با توجه به زمان جمله استفاده کنید.

Your brother **has** an expensive Italian golden watch, **doesn't he**?  
"برادرت یک ساعت طلایی ایتالیایی گران قیمت دارد، مگه نه؟"

They usually **have** dinner around 8 o'clock, **don't they**?  
"آنها معمولاً شام را در حدود ساعت ۸ میخورند، مگه نه؟"

Raman **had** a difficult math exam last week, **didn't he**?  
"رامان هفته گذشته یک امتحان ریاضی سخت داشت، مگه نه؟"

My sister **has to** wash all the dirty dishes tonight, **doesn't she**?  
"خواهرم امشب مجبوره تمامی ظرفهای کثیف را بشوید، مگه نه؟"

The students always **have to** be quiet at the class, **don't they**?  
"دانش آموزان همیشه مجبور هستند که در کلاس ساکت باشند، مگه نه؟"

The man **had to** go to his office by taxi, **didn't he**?  
"مرد مجبور بود با تاکسی به اداره اش برود، مگه نه؟"

۱۹- اگر جمله ای با فاعل های اول شخص مفرد یا جمع (**I, we**) و فعلهای:

### hear, think, believe, suppose, feel, know

شروع شود، عبارت الحاقی، باید برای جمله پایه (جمله بعد از آنها) نوشته شود. (دلیل این انتخاب هم این است که این نوع جمله های پایه هیچ خبری را منتقل نمیکنند و فقط یک مقدمه چینی هستند تا گوینده اول شخص عقیده و نظر خود را بیان کند. در ضمن در این حالت جمله پیرو معنی مستقلی دارد و میتواند بصورت مجزا هم بکار برده شود.)

**I've heard that your grandfather is very sick, isn't he?**  
جمله پیرو با معنی مستقل  
"من شنیده ام که پدر بزرگت خیلی مریضه، مگه نه؟ / مریض نیست؟"

**We think that it's not possible learn a foreign language in one month, is it?**  
جمله پیرو با معنی مستقل  
"ما فکر میکنیم که یادگیری یک زبان خارجی در یک ماه امکان پذیر نیست، مگه نه؟ / امکان داره؟"

چنانچه بخواهیم به عبارات الحاقی یا جملات سؤالی جواب کوتاهی بدهیم، از همین عبارات الحاقی استفاده میکنیم:

۲۰

A: "The police have caught the addict man at his house, haven't they?"

B: "Yes, they have"

- "نیروی پلیس مرد معتاد را در خانه اش دستگیر کرده اند، مگه نه؟"  
- "بله، اینطوره"

A: "Her older brother never eats breakfast in the morning, does he?"

B: "No, he doesn't"

- "برادر بزرگترش در صبح هرگز صبحانه نمیخورد، مگه نه؟"  
- "نخیر، اینطور نیست."

ID: @PracticalEnglish99

کانال تلگرام: "انگلیسی کنکور با جمال احمدی"

یادداشت:

Blank lined area for writing notes.



# "جمع بندی موضوعی گرامر کنکور ۹۹"

## جلسه هشتم:

- ترتیب اجزای جمله

- جملات مرکب

- ضمائر موصولی

درس ۱ پایه یازدهم - درس ۱ و ۲ پایه دوازدهم

تألیف و گردآوری:

# "جمال احمدی"

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

جمع بندی موضوعی گرامر کنکور ۹۹ - جلسه هشتم

ترتیب اجزای جمله در زبان انگلیسی

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل اصلی	قید تکرار	فعل کمکی	فاعل
----------	----------	----------	-------	----------	-----------	----------	------

۱) **فاعل:** کسی یا چیزی است که جمله درباره ی آن صحبت میکند و کننده فعل میباشد. فاعل همواره در "ابتدای جمله" میآید.

۲) **افعال کمکی:** مهمترین و اصلی ترین افعال کمکی در زبان انگلیسی عبارتند از:

am, is, are, was, were, will, would, have, has, had

در جملات منفی، فعل کمکی، قید منفی ساز "not" و یا مخفف آن "n't" را میگیرد و در جملات سؤالی، فعل کمکی به قبل از فاعل منتقل میشود. ( به مرور با تمامی اجزای جمله آشنا خواهیم شد.)

۳) **فعل:** فعل عملی یا حالتی است که از فاعل بر روی مفعول روی میدهد.

در زبان انگلیسی، افعال به دو گروه کنشی (action verbs) و حالتی (state verbs) تقسیم می شوند.

**افعال کنشی (action verbs):** افعال کنشی یا حرکتی، وظیفه توصیف یک عمل را بعهده دارند. این افعال بیانگر عملی هستند که انجام می دهیم یا اتفاقی که واقع می شوند و می توانند در زمانهای مختلف همچون زمانهای ساده و زمانهای استمراری بکار برد. (یعنی میتوانند ing بگیرند).

She watches TV every night. (زمان حال ساده)

She is watching a good movie at the moment. (زمان حال استمراری)

**افعال حالتی (state verbs):** این گروه از افعال غالباً بر وجود داشتن حالتی دلالت دارند نه اینکه به انجام کار یا عمل بپردازند. این فعلها معمولاً به عواطف، تفکرات، احساسات، هوش و ادراک و مالکیت دلالت داشته و در کل به افعالی ابلاغ میشود که بدون حرکت و عمل باشند. این افعال در زمانهای استمراری بکار برده نمیشوند ( یعنی ing نمیگیرند):

They own a big house.

"آنها خانه بزرگی دارند."

(**NOT:** They ~~are owning~~ a big house.)

"آنها در حال دلستن خانه بزرگی هستند."

دسته بندی افعال حالتی: افعال حالتی عموماً چهار گونه هستند:

۱- افعالی که افکار و عقاید و حالت های ذهنی را نشان میدهند:					
recognize	تشخیص دادن	understand	فهمیدن	believe	باور داشتن
forget	فراموش کردن	imagine	تصور کردن	remember	به یاد آوردن
mean	منظور داشتن	notice	توجه کردن	know	شناختن
۲- افعالی که مالکیت و داشتن را نشان میدهند:					
possess	دارا بودن	belong	متعلق بودن	own	دارا بودن
have	داشتن	contain	شامل بودن	consist	شامل بودن
include	شامل بودن	depend on	وابسته بودن	owe	بدهکار بودن

### ۳- افعال ربطی و حسی:

appear	شدن	look	به نظر رسیدن	seem	به نظر رسیدن
get	شدن	grow	شدن	become	شدن
go	شدن	feel	احساس کردن	be	بودن
taste	مزه دادن	stay	ماندن	remain	ماندن
sound	به نظر رسیدن	turn	شدن	smell	بو دادن
keep	نگه داشتن	hear	شنیدن	see	فهمیدن

### ۴- افعالی که احساسات و عواطف را نشان میدهد:

need	نیاز داشتن	love	دوست داشتن	wish	آرزو کردن
want	خواستن	mind	اهمیت دادن	doubt	شک داشتن
hate	متنفر بودن	hope	امیدوار بودن	like	دوست داشتن

### تفاوت افعال کنشی و حالتی:

مهمترین تفاوت افعال کنشی و حالتی این است که افعال کنشی را می‌توان به صورت استمراری بکار برد، (یعنی **ing** میگیرند) ولی افعال حالتی را نمی‌توان در حالت استمراری استفاده کرد. (یعنی **ing** نمیگیرند.)

I am reading a book. "من در حال خواندن یک کتاب هستم."

این جمله صحیح است؛ زیرا **read** یک فعل کنشی است و به درستی در حالت استمراری بکار رفته است.

I **need** a new phone. "من به یک موبایل جدید نیاز دارم."

(**NOT**: I ~~am needing~~ a new phone.) "من در حال نیاز داشتن به یک موبایل جدید هستم."

جمله فوق اشتباه است؛ زیرا **need** یک فعل حالتی است که نباید به شکل استمراری بکار رود.

### نکته ای مربوط به کنکور منحصرأ زبان:

برخی از افعال هم میتوانند فعل حالت باشند و هم فعل کنشی. که در این دو حالت معانی آنها با هم متفاوت خواهد بود:

فعل	معنای حالتی (ing نمیگیرند)	معنای کنشی (ing میگیرد)
appear	به نظر رسیدن	ظاهر شدن
look	به نظر رسیدن	نگاه کردن (به)
taste	مزه داشتن	چشیدن
smell	بو داشتن	بوئیدن
turn	شدن	چرخیدن
go	شدن	رفتن
grow	شدن	رشد کردن
see	فهمیدن	دیدن
have	داشتن	خوردن
think	باور داشتن	فکر کردن
feel	عقیده داشتن	لمس کردن
weigh	وزن داشتن	وزن کردن

(۴) **مفعول:** مفعول اسمی است که کار بر روی آن انجام میشود. مفعول بعد از فعل اصلی جمله یا بعد از حروف اضافه می آید.

He is drinking water.

**تعریف قید:** قید کلمه ای است که برای توصیف نحوه، زمان، مکان و تعداد دفعات تکرار فعل در جمله مورد استفاده قرار می گیرد. یک جمله ساده میتواند علاوه بر داشتن فاعل، فعل و مفعول اطلاعات دیگری رو به شکل قید های مکان، زمان، حالت و قیدهایی تکرار در جمله به ما بدهد.

انواع قید: الف- قید حالت ب- قید مکان ج- قید زمان د- قید تکرار

(۵) **قید حالت:** قید های حالت " **چگونگی و نحوه انجام و اتفاق افتادن فعل** " را بیان میکنند. مثلاً آن فعل به چه صورتی انجام شده است. برای مثال ۲ دونه را در نظر بگیرید. هر دوی آنها در حال دویدن هستند اما ممکن است یکی از آنها "سریع" بدود و یکی از آنها "آرام" بدود. در اینجا فعل ما "دویدن" است. اما آن کلمه ای که میآید و درباره نحوه انجام شدن آن فعل یعنی سریع یا آرام دویدن صحبت می کند قید حالت نامیده میشود. مثال:

They are running. Jack is running fast, but his friend is running slowly.  
" آنها دارن میدوند. جک دارد سریع میدود ولی دوستش دارد آهسته میدود."

برای پیدا کردن قید حالت می توانیم با پرسیدن سؤال "how" یا "چطور" متوجه قید حالت در جمله بشویم.

جک داره چطور میدود؟ اون داره سریع میدود **How** is Jack running? He is running fast.

با اضافه کردن پسوند "ly" به آخر برخی از صفت ها، قید حالت ساخته میشود.

### جایگاه قرارگیری قیدهایی حالت در جمله:

قیدهایی حالت که برای توصیف حالت فعل می باشند به طور معمول قبل یا پس از فعلی که می خواهد حالتش را بیان کنند قرار می گیرند. اگر فعلی، فعل متعددی باشد یعنی دارای مفعول باشد این قیدهایی می توانند پس از مفعول قرار بگیرند.

She is reading the letter slowly. She's slowly reading the letter. " او به آرامی در حال خواندن نامه است."  
قید حالت مفعول فعل فاعل فعل اصلی قید حالت

باید به این نکته توجه کنید که قید حالت نمی تواند بین فعل و مفعول قرار بگیرد:

~~She read slowly the letter.~~

این جمله نادرست می باشد چون قید حالت slowly بین فعل و مفعول قرار گرفته است.

(۶) **قید مکان:** قیدهایی مکان قیدهایی هستند که درباره مکان انجام شدن و اتفاق افتادن فعل صحبت میکنند. پس به عبارت دیگر قیدهایی مکان در واقع کلماتی هستند که " **مکان و جای** " انجام شدن فعل را نشان میدهند. همان مثال دونه را در نظر بگیرید.

جک در حال دویدن در خیابان است. Jack is running on the street.

برای اینکه در یک جمله قید "مکان" را شناسایی کنیم می توانیم سؤال "where" یا "کجا" را بپرسیم:

جک در حال دویدن on the street است. **Where** is jack running?

قیدهایی مکان غالباً در انتهای جمله به کار می روند. اگر در جمله فقط قید مکان داشته باشیم می تواند پس از فعل یا مفعول آن قرار بگیرد. اما این قید نمی تواند ما بین فعل و مفعولش بیاید.

I met my friend on the street.

~~NOT: I met on the street my friend.~~

**(۷) قید زمان:** قیدهای زمان قیدهایی هستند که درباره "زمان انجام شدن فعل" به ما اطلاعاتی را ارائه می کنند. این قیدهها به ما میگویند که چه زمانی آن کار (فعل) اتفاق افتاده است. پس می توانیم بگوئیم که قیدههای زمان کلماتی هستند که زمان اتفاق افتادن یک کاری را به ما نشان میدهند و میگویند که این کار چه زمانی رخ داده است:

Jack was running **yesterday**  
 برای اینکه در یک جمله ای بخواهیم قید زمان را مشخص کنیم می توانیم سؤال "when" یا "کی"، "چه موقع"، یا "چه زمانی" را بپرسیم تا قید زمان در جمله مشخص شود. (از **what time** برای سؤال پرسیدن در مورد ساعت استفاده میشود).

**When** was Jack running? He was running **yesterday**.  
 قیدههای زمان به طور معمول می توانند هم در "ابتدای جمله" و هم در "انتهای جمله" قرار بگیرند.  
 I saw my friend **yesterday**. **Yesterday** I saw my friend.

**نحوه وترتیب قرار گرفتن قیدههای حالت، مکان و زمان:**

He was walking slowly on the street this morning.  
 قید زمان                      قید مکان                      قیدحالت

**(۸) قید های تکرار:** این قیدهها تعداد دفعات تکرار فعل جمله را نشان میدهند.

اغلب	often	معمولاً	generally	معمولاً	usually	همیشه	always
هرگز	never	به ندرت	hardly	معمولاً	normally	گاهی اوقات	sometimes
گاهی	occasionally	به ندرت	seldom	به ندرت	barely	به ندرت	scarcely
		به ندرت	hardly ever	به ندرت	rarely	اغلب	frequently

**الف -** قیدههای تکرار در زمان حال ساده که دارای یک فعل هستند "قبل از فعل اصلی" قرار می گیرند. مفهوم این جمله این است که اگر یک فعل در جمله باشد و فعل کمکی وجود نداشته باشد، قید تکرار "قبل از آن فعل" قرار میگیرد.

He **usually** plays football on Saturday. "او معمولاً در شنبه ها فوتبال بازی میکند."  
 فعل اصلی قید تکرار

**ب)** اگر در جمله فعل to be داشته باشیم، قید تکرار "بعد از فعل to be" قرار میگیرد.  
 "او اغلب تأخیر دارد."  
 He **is often** late.  
 قید تکرار فعل to be

**پ)** جملاتی که دارای یک، دو و یا سه فعل کمکی باشند، قیدههای تکرار "بعد از اولین فعل کمکی" قرار میگیرد.  
 She **is always** leaving his dirty socks on the floor. "او همیشه جورابههای کثیفش را روی کف اتاق جا میگذارد."  
 I **can never** remember his name. "من هرگز نمیتوانم اسمش را به یاد بیاورم."

**نکته ۱:** چنانچه یکی از قیدههای تکرار: **never rarely - barely - seldom - scarcely - hardly - hardly ever** بکار رفته باشد، آن جمله جمله ای "منفی" بحساب میآید و دیگر در آن جمله قید منفی ساز not و یا no بکار برده نمیشود.  
 I **rarely** go swimming. "من به ندرت به شنا میروم." (به شنا نمیروم)

**نکته ۲:** قید تکرار sometimes در "ابتدا و انتهای جمله" هم میآید اما جمله از نظر معنی تغییر نخواهد کرد:

**Sometimes** I have lunch at work. = I have lunch at work **sometimes**.

**نکته ۳:** برای سؤالی کردن قیدههای تکرار از "How often" به معنی "چند وقت به چند وقت" استفاده میکنیم:



"چند وقت به چند وقت ریاضی دارید؟" **How often** do you have Math?

## Compound Sentences جملات مرکب

### کلمات ربط هم پایه در زبان انگلیسی:

آموختیم که یک جمله انگلیسی باید حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشد. این گونه جمله ها را «جمله های ساده» می نامیم. حال اگر دو جمله ساده را که هر کدام حداقل دارای یک فاعل و یک فعل می باشند، با کلمه های ربط مانند «and»، «or» و «so» به هم مرتبط کنیم، یک «**جمله مرکب**» تشکیل می شود.

حروف ربط هم پایه ساز (coordinating conjunctions) برای وصل کردن کلمات، عبارات و جملات یکسان (از نظر گرامری) به کار میروند. یعنی اینکه اگر قرار است دو کلمه را به هم وصل کنند آن دو کلمه باید از یک گروه گرامری باشند؛ برای مثال هر دو باید اسم، صفت و ... باشند. حروف ربط هم پایه کاربردهای مختلفی مانند بیان کردن تضاد، نشان دادن انتخاب، نتیجه گیری و ... دارند. در ادامه هر یک را با چند مثال توضیح می دهیم. در زبان انگلیسی هفت حرف همپایه ساز وجود دارند که با توضیح و کاربرد هر کدام آشنا خواهید شد:

<b>for</b>	<b>and</b>	<b>nor</b>	<b>but</b>	<b>or</b>	<b>yet</b>	<b>so</b>
زیرا	و	و نه	اما	یا	با وجود این	بنابر این

**نکته:** برای به خاطر سپردن این هفت حرف ربط می توانید از عبارت اختصاری "FANBOYS" استفاده کنید.

### کاربرد حرف ربط and

این حرف ربط به معنای "و" می باشد یکسان بودن دو چیز را نشان می دهد. مثال:

I take milk **and** sugar in my coffee. "من در قهوه ام شیر و شکر میریزم."

She listened to music **and** watched TV after lunch. "او بعد از ناهار تلویزیون نگاه کرد و آهنگ گوش داد."

### کاربرد حرف ربط but

این حرف ربط بیان کننده تضاد و مغایرت می باشد و در فارسی به معادل "اما" و "ولی" می باشد. مثال:

I like coffee, **but** my wife prefers tea. "من قهوه دوست دارم، اما همسرم چای را ترجیح می دهد."

I eat cake, **but** I never eat biscuits. "من کیک می خورم، اما هرگز بیسکویت نمی خورم."

### کاربرد حرف ربط or

این حرف ربط برای نشان دادن و انتخاب یک گزینه دیگر به کار می رود و معنی فارسی آن "یا" می باشد. مثال:

Would you like cake **or** biscuits with your coffee? "همراه قهوه ات کیک دوست داری یا بیسکویت؟"

We like to live in Paris **or** London. "ما دوست داریم در پاریس یا لندن زندگی کنیم."

### کاربرد حرف ربط so

برای نشان دادن نتیجه و پیامد چیزی به کار میرود. معادل فارسی آن "بنابراین" و "پس" یا "در نتیجه" می باشد. مثال:

He was very hungry, **so** he ate all the cake.

"او خیلی گرسنه بود، بنابراین همه کیک را خورد."

I've drunk six cups of coffee today, **so** I've got a headache.

"من امروز شش فنجان قهوه خورده ام، در نتیجه سردرد شدیدی گرفته ام."

### کاربرد حرف ربط for

حرف ربط for برای نشان دادن دلیل و علت به کار میرود و معنی فارسی آن "زیرا" یا "چون" می باشد. در این معنی با **because** هم کاربرد می باشد. مثال:

She must have been very hungry, **for** she ate everything immediately.

"او حتما خیلی گرسنه بوده است، چون همه چیز را به سرعت خورد."

He's overweight, **for** he eats too many cakes and biscuits.

"او اضافه وزن دارد، چون کیک و بیسکویت زیادی می خورد."

### کاربرد حرف ربط nor

این حرف ربط برای نشان دادن یا انتخاب یک حالت منفی بعد از یک حالت منفی به کار میرود و معنی آن "و نه" می باشد. حرف ربط nor دو جمله یا عبارت را به هم وصل میکند. جمله ای nor در آن است باید فعل مثبت داشته باشد. مثال:

He doesn't eat cake, **nor** does he eat biscuits.

"او نه کیک می خورد و نه بیسکویت می خورد."

Switzerland is not in the European Union, **nor** is it a member of NATO.

"سوئیس نه عضو اتحادیه اروپا است و نه عضو ناتو است."

### کاربرد حرف ربط yet

این حرف ربط برای بیان تضاد غیر منتظره به کار میرود. یعنی اینکه با توجه به شرایطی انتظار نداریم یک کاری صورت بگیرد اما صورت میگیرد. معادل فارسی **yet** "با این وجود" می باشد. مثال:

He's seventy-two, **yet** he still swims, runs and plays football regularly.

"او هفتاد و دو سال سن دارد، با این وجود هنوز هم به طور مرتب شنا میکند، میدود و فوتبال بازی میکند."

He's overweight, **yet** he continues to eat lots of fast food.

"او اضافه وزن دارد، با این وجود به خوردن فست فود ادامه میدهد."



ضمایر موصولی (Relative Pronouns)

ضمایر موصولی کلمات wh داری هستند که در وسط جمله آمده و برای اسم ماقبل خود توضیحات بیشتری میدهند. ما از ضمایر موصولی برای دادن اطلاعات اضافی درباره اسم استفاده می کنیم. جمله‌واره موصولی بعد از اسم می آید و مشخص می کند ما داریم درباره کدام شخص یا کدام چیز صحبت می کنیم. به جملاتی که با ضمایر موصولی شروع میشوند و اسم یا ضمیر قبل از خود را توضیح میدهند، "جملات موصولی" میگویند.

"من کلیدهایی را که دیروز گم کرده بودم را پیدا کردم." I found the keys **which** I lost yesterday.  
 همانطور که در مثال بالا میبینید، "which I last yesterday" یک جمله موصولی است، چون با ضمیر موصولی which شروع شده است و به توضیح اسم قبل از خود یعنی keys پرداخته است. ضمایر موصولی همیشه بصورت "که - را که" ترجمه میشوند.

دسته بندی ضمایر موصولی: ضمایر موصولی دو نقش "فاعلی" و "مفعولی" دارند.

**الف: ضمایر موصولی فاعلی:** ضمایر موصولی فاعلی ضمایری هستند که در جمله وصفی نقش فاعل را دارند، یعنی به جای اسم مورد توصیف می آیند و از تکرار آن در جمله وصفی جلوگیری میکنند. بعد از ضمایر موصولی فاعلی، همیشه "فعل" به کار میرود.

**ب: ضمایر موصولی مفعولی:** ضمایر موصولی مفعولی ضمایری هستند که در جمله وصفی نقش مفعول را دارند. بعد از ضمایر موصولی مفعولی، بلافاصله با اسم یا ضمیری روبرو هستیم که "فاعل" جمله وصفی است.

تشخیص ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی در جمله:

همان طور که در بالا گفته شد اگر بلافاصله بعد از ضمیر موصولی فعل قرار داشت، آن "ضمیر موصولی فاعلی" است. اما اگر بلافاصله بعد از ضمیر موصولی اسم یا ضمیر قرار داشته باشد، آن "ضمیر موصولی مفعولی" است. به این دو مثال دقت کنید تا بهتر متوجه شوید:

The man **who** called me was very angry. "مردی که به من زنگ زد، خیلی عصبانی بود."  
 فعل

The man **whom** we talked to, was very angry. "مردی را که ما با او صحبت کردیم، خیلی عصبانی بود."  
 فاعل

در جمله اول "who" یک ضمیر موصولی فاعلی میباشد چون بعد از آن "فعل" آمده است و در جمله دوم "whom" در نقش مفعولی است چون بعد از آن "فاعل" آمده است.

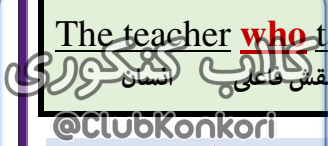
انواع ضمایر موصولی:

**۱- ضمیر موصولی who:** این ضمیر موصولی نقش "فاعلی" دارد و برای "انسان" بکار میرود. بعد از آن، "فعل" می آید:

Rudaki **who** lived in the 4th century is a famous Persian poet.  
 فعل نقش فاعلی انسان "رودکی که در قرن چهارم زندگی میکرد، یک شاعر مشهور ایرانی است."

Isn't that the woman **who** lives across the road from you?  
 فعل نقش فاعلی انسان "آیا این همان خانمی نیست که آن طرف خیابان شما زندگی می کند؟"

The teacher **who** taught us French at university, was American.  
 فعل نقش فاعلی انسان "معلمی که در دانشگاه به ما زبان فرانسوی را تدریس کرد، آمریکایی بود."



۲- ضمیر موصولی **whom**: این ضمیر موصولی نقش "مفعولی" دارد و برای "انسان" بکار میرود. بعد از آن، "فاعل" میآید

The man **whom** you met at school yesterday is an English teacher.

"مردی را که دیروز در مدرسه ملاقات کردی، یک معلم انگلیسی است." فاعل نقش مفعولی انسان

Have you seen those people **whom** we met on holiday?

فاعل نقش مفعولی انسان

"آیا افرادی را که ما در تعطیلات دیدیم ملاقات کرده‌اید؟"

۳- ضمیر موصولی **which**: این ضمیر موصولی هم نقش "فاعلی" دارد و هم نقش مفعولی و برای "غیر انسان" بکار برده

میشود. بعد از این ضمیر، در حالت فاعلی، "فعل" و در حالت مفعولی بعد از آن "فاعل" میآید:

The cat **which** lives near us was drinking milk. "گره ای که نزدیک ما زندگی میکند، دانه شیر مینوشه."

فعل نقش فاعلی غیر انسان

I found the keys **which** you lost yesterday. "کلیدهایی را که تو دیروز گم کردی، پیدا کردم."

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

The food was definitely the thing **which** we enjoyed a lot in our holiday.

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

"غذا واقعا چیزی بود که ما خیلی در تعطیلات از لذت بردیم."

The police said the accident **which** happened last night was unavoidable.

فعل نقش فاعلی غیر انسان

"پلیس گفت تصادفی که دیشب رخ داد، اجتناب ناپذیر بود."

The newspaper reported that the tiger **which** killed its keeper has been put down.

فعل نقش فاعلی غیر انسان

"روزنامه گزارش داد ببری که نگهبانش را کشته بود، با دارو کشته شد."

۴- ضمیر موصولی **that**: این ضمیر موصولی هم برای انسان و هم برای غیر انسان بکار برده میشود. هم نقش "فاعلی" دارد

و هم نقش "مفعولی". بعد از این ضمیر، در حالت فاعلی، "فعل" و در حالت مفعولی بعد از آن "فاعل" میآید. در واقع این ضمیر موصولی جانشین ضمائر موصولی دیگر میشود:

Rudaki **that** lived in the 4th century is a famous Persian poet.

فعل نقش فاعلی انسان

"رودکی که در قرن چهارم زندگی میکرد، یک شاعر مشهور ایرانی است."

The man **that** you met at school yesterday is an English teacher.

فاعل نقش مفعولی انسان

"مردی را که دیروز در مدرسه ملاقات کردی، یک معلم انگلیسی است."

The cat **that** lives near us is drinking milk. "گره ای که نزدیک ما زندگی میکند، دانه شیر مینوشه."

فعل نقش فاعلی غیر انسان

I found the keys **that** you lost yesterday. "کلیدهایی را که تو دیروز گم کردی را پیدا کردم."

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

You shouldn't believe everything **that** you read in the newspaper.

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

"شما نباید هر چیزی را که در روزنامه می‌خوانید باور کنید."

The boy **that** you showed me seemed to be very strange.

فاعل نقش مفعولی انسان

"پسری را که به من نشان دادی خیلی عجیب به نظر می‌آمد."

۵- **ضمیر موصولی where:** این ضمیر موصولی هم نقش فاعلی دارد و هم نقش مفعولی و برای "مکان" بکار برده میشود. برای دادن اطلاعات اضافی درباره مکان چیزی استفاده کنیم و مشخص کنیم چیزی که درباره اش صحبت می کنیم در کجا رخ می دهد. و به جای آن میتوان از "in which" هم استفاده کرد.

"اینجا شهری است که در آن به دنیا آمدم."  
This is the city **where / in which** I was born.  
مکان

Do you remember the place **where / in which** we caught the train?  
مکان  
"جایی را که ما توانستیم سوار قطار شویم را یادت می آید؟"

Stratford is the town **where / in which** Shakespeare was born.  
مکان  
"استراتفورد شهری است که شکسپیر در آن به دنیا آمد."

**نکته:** در چند صفحه آینده یاد میگیریم که حرف اضافه های همراه ضمیر موصولی را میتوان در آخر جمله هم بکار برده برد:

This is the city **which** I was born **in**.  
مکان  
**نکته (زبان تخصصی):** چنانچه مرجع جمله مکان باشد، "at which"، "on which" هم بکار برده میشود.

۶- **ضمیر موصولی when:** این ضمیر موصولی هم نقش فاعلی دارد و هم نقش مفعولی و برای "زمان" بکار برده میشود. برای دادن اطلاعات اضافی درباره زمان چیزیکه استفاده کنیم و مشخص میکنیم چه زمانی رخ می دهد.

"امروز، روزیه که درس دوم رو شروع میکنیم."  
Today is the day **when** we start learning lesson 2.  
زمان

England won the world cup in 1996. It was the year **when** my grandparents got married.  
زمان  
"انگستان جام جهانی ۱۹۹۶ را برد. همان سالی بود که پدری بزرگ و مادر بزرگ ازدواج کردند."

I remember my twentieth birthday. It was the day **when** the 2<sup>nd</sup> world wars happened.  
زمان  
"من بیستمین روز تولدم را یادم می آید. روزی بود که جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد."

**نکته (زبان تخصصی):** به جای when میتوان از "in which"، "at which"، "on which" هم استفاده کرد.

۶- **ضمیر موصولی whose:** قبل و بعد از این ضمیر موصولی "اسم" می آید و "رابطه مالکیت" ما بین این اسمها بر قرار است. اسمها هم میتوانند اسم انسان باشند، هم غیر انسان. یعنی وقتی می خواهیم درباره چیزی یا کسی که متعلق به اسمی در جمله است صحبت کنیم بعد از اسم، "whose" می آوریم.

"مردی که خانه اش بزرگه، عموی من است."  
The man **whose** house is very big is my uncle.  
در این مثال، در قبل و بعد از whose رابطه مالکیت برقرار است. (خانه ی مرد) اسم اول (مالک) اسم دوم

"من مردی را دیدم که برادرش در مسکو کار می کند."  
I met a man **whose** brother works in Moscow.  
اسم اول (مالک) اسم دوم

"او خانمی است که اسمش را من همیشه فراموش می کنم."  
That's the man **whose** name I always forget.  
اسم اول (مالک) اسم دوم

Sir James, **whose** birthday is on February 26, plans to have a big party.  
"سر جیمز که روز تولدش در ۲۶ فوریه است، قصد دارد یک مهمانی بزرگ برگزار کند."  
اسم اول (مالک) اسم دوم

**نکته (زبان تخصصی):** به جای ضمیر موصولی whose میتوان از "of which" هم استفاده کرد.



**ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی what ( زبان تخصصی):**

از بین ضمایر موصولی what تنها ضمیری است که "نیاز به مرجع ظاهری و مشخصی" ندارد، بدین معنی که مفهوم مرجع در آن مستتر است و بیشتر جنبهٔ خنثی دارد، یعنی حالت مذکر و مؤنث بودن آن مشخص نیست. (بمعنی "آنچه که - هر آنچه که")  
I can't tell you what (the thing **which**, the things which) he wanted me to do.  
"من نمی توانم آنچه که او از من خواست انجام بدهم را به شما بگویم."

"آنچه که مفید است، بهترین چیز است."  
**What** is useful is the best.

**نکته ی بسیار مهم (زبان تخصصی):** بعد از "صفات عالی" و "اعداد ترتیبی" و کلمات زیر:

*anybody, anyone, somebody, nowhere, nothing, nobody, anybody, anywhere, anything, only, all, ...*  
فقط از "that" به کار برده می شود و نمیتوان از سایر ضمایر موصولی استفاده نمود.

Anything **that** he saved was lost. "هر چیزی را که او پس انداز کرد، از دست رفت."  
Everywhere **that** I go remember his gentle face. "هر جا که می روم، چهرهٔ آرام او را به خاطر می آورم."  
It was the third accident **that** I saw yesterday. "سومین تصادفی بود که دیروز دیدم."  
He was the tallest man **that** I had ever seen "او بلند قدترین مردی بود که تا آن وقت دیده بودم."  
It was the only thing **that** was worth seeing. "آن تنها چیزی بود که ارزش دیدنش را داشت."  
All the books **that** I have read belong to his library. "همهٔ کتاب هایی را که خوانده ام متعلق به کتابخانهٔ او است."

**کمیت سنجها و اعداد با ضمایر موصولی (زبان تخصصی):**

با ضمایر موصولی می توانیم از کمیت سنجها و اعداد استفاده کنیم، در این حالت ما بین اعداد و کمیت سنجها "حرف اضافه of" می آید. به یاد داشته باشیم که بعد از حروف اضافه، ضمیر موصولی برای انسان "whom" و برای غیر انسان "which" می باشد. مثلاً:

- many **of** whom (بیشتر آنها)
- most **of** whom (بیشتر آنها)
- none **of** whom (هیچی از آنها)
- one **of** which (یکی از آنها)
- some **of** which (بعضی از آنها)
- two **of** which (دو تا از آنها)

این ساختارها می توانند در نقش های فاعلی، مفعولی و متمم ظاهر شوند. به مثال های زیر توجه کنید:

She has three brothers, **two of whom** are in the army.  
"او سه برادر دارد، **دو تای آنها** در ارتش هستند."

I read three books last week, **one of which** I really enjoyed.  
"من هفته پیش سه کتاب خواندم، **از یکی از آنها** واقعا لذت بردم."

There were some good programs on the radio, **none of which** I listened to.  
"چند برنامه خوب از رادیو پخش می شد، به **هیچکدام از آنها** گوش نکردم."



## حذف ضمایر موصولی ( جزء سؤالات بسیار پرتکرار در زبان عمومی کنکور):

**توجه:** این قسمت از گرامر در کتاب درسی ذکر نشده است اما مطالعه آن به طور کامل توصیه میشود.

**الف:** بعد از ضمیر موصولی مفعولی، "فاعل" آمده باشد میتوانیم آن را حذف کنیم. به عبارتی دیگر، اگر ضمیر موصولی، مفعول جمله واره موصولی باشد می توانیم آن را حذف کنیم بدون اینکه تغییری در معنای آن جمله به وجود آید:

The man **whom / who / that you** met at school yesterday is an English teacher.  
مردی را که تو دیروز در مدرسه ملاقات کردی، یک معلم انگلیسی است. فاعل

This is the book **which / that everyone** is talking about.  
این همان کتابی است که همه درباره اش صحبت میکنند. فاعل

The car **which / that Jason** bought runs on electricity and gas.  
ماشینی را که جیسون خرید با برق و بنزین کار میکند. فاعل

I know the person **that we** saw yesterday.  
شخصی را که ما دیروز دیدیم، می شناسم. فاعل

در این جمله the person مفعول جمله است و that نیز برای آن بکار رفته است. به همین دلیل می توانیم that را حذف کنیم.

Did you find the money **which you** lost?  
پولی رو که گم کرده بودی پیدا کردی؟  
اینجا نیز می توانیم ضمیر مفعولی which را حذف کنیم. فاعل

**ب:** چنانچه ضمایر موصولی بر سر "جمله استمراری" یا "جمله مجهول" بیایند، همراه با فعل to be بعد از خود حذف میشوند:

The person **who is talking** to Richard is the new member.  
جمله استمراری

=> The person **talking** to Richard is the new member. "شخصی که داره با ریچارد صحبت می کنه عضو جدیده."

The student **who was watching** TV was my classmate.  
جمله استمراری

=>The student **watching** TV was my classmate "دانش آموزی که در حال تماشای تلویزیون بود، همکلاسیم بود."

Most of the students **who were invited** to the party did not come.  
جمله مجهول

=>Most of the students **invited** to the party did not come.  
"بیشتر دانش آموزانی که به میهمانی دعوت شده بودند نیامدند."

**ج:** چنانچه ضمایر موصولی در نقش "فاعلی" باشند و بلافاصله بعد از آنها فعلی آمده باشد، میتوانید ضمیر موصولی فاعلی و فعل کمکی را حذف کرده و فعل بعد از آن را بدون توجه به زمانش، ing دار کنید!

I don't know the person who / that donated this money.  
من مردی که پول را اهدا کرد، نمیشناسم. نقش فاعلی فعل انسان

=>I don't know the person donating this money.

The student **who watches** TV is my classmate. (زمان حال ساده)

The student **watching** TV is my classmate. "این دانش آموز که تلویزیون تماشا میکنه، همکلاسی من است."



The student **who will watch** TV tomorrow is my classmate. (زمان آینده ساده)

The student **watching** TV tomorrow is my classmate.

"این دانش آموز که فردا تلویزیون تماشا خواهد کرد، همکلاسی من است."

The student **who watched** TV last night was my classmate. (زمان گذشته ساده)

The student **watching** TV last night was my classmate.

"این دانش آموز که تلویزیون تماشا کرد، همکلاسی من بود."

The student **who has watched** TV for 2 hours is my classmate. (زمان حال کامل)

The student **watching** TV for 2 hours is my classmate.

"این دانش آموز که تلویزیون تماشا کرده، همکلاسی من است."

The student **who had watched** TV for 2 hours was my classmate. (زمان گذشته کامل)

The student **watching** TV for 2 hours was my classmate.

"این دانش آموز که تلویزیون تماشا کرده بود، همکلاسی من بود."

**د:** حذف ضمایر موصولی در ساختار (حرف اضافه + ضمیر موصولی): زمانیکه ضمایر موصولی بعنوان یک متمم حرف اضافه در جمله‌واره موصولی تعریف‌کننده باشند، می‌توان آنها را حذف کرد. در این حالت حرف اضافه پس از حذف ضمیر موصولی، در انتهای جمله‌واره موصولی قرار می‌گیرد.

She was at the party **about which** I was telling you.

She was at the party I was telling you **about**.

"او در مهمانی بود که من در مورد آن به شما گفتم."

در جمله پایانی ضمیر موصولی **which** به درستی حذف شده و حرف اضافه **about** در انتهای جمله‌واره موصولی واقع شده است.

## نکته ی بسیار مهم ( زبان تخصصی): جمله معترضه:

جمله معترضه همان جمله‌واره موصولی است، با این تفاوت که جمله‌ای است که یا بین دو ویرگول یا در انتهای جمله می‌آید و می‌تواند از جمله حذف شود و این حذف شدن هیچ اثری بر معنای کلی جمله نمی‌گذارد. (همانند نقش "بدل" در زبان فارسی)

جمله معترضه در زبان انگلیسی با ضمایر موصولی **who** و **whom** و **whose** و **which** برای صحبت کردن درباره یک چیز یا شخص استفاده می‌شود.

توجه بسیار مهم: از **that** نمی‌توانیم در این کاربرد استفاده کنیم.

My uncle, **who** was born in Hong Kong, lived most of his life overseas.

"عموی من، که در هنگ کنگ به دنیا آمده بود، بیشتر عمرش را خارج کشور زندگی کرد."

My favorite actor is Marlon Brando, **whom** I saw in "On the Waterfront".

"هنرپیشه مورد علاقه من مارلون براندو است، که من در فیلم "در بارانداز" دیدم."

He decided to telephone Mrs. Jackson, **whom** he had read about in the newspaper.

"او تصمیم گرفت به خانم "جکسون"، که راجع به او در روزنامه خوانده بود، تلفن کند."